





مرکز تدوین آثار رهبر شهید



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



قرآن؛ یگانه مشعل راه زندگی

نویسنده:

رهبر شهید پروفیسور برهان الدین ربّانی



شناسنامه کتاب

عنوان کتاب: قرآن؛ یگانه مشعل راه زندگی؛
عنوان فرعی: مجموع مقالاتی از: رهبر شهید پروفیسور برهان الدین ربّانی؛
نویسنده: پروفیسور برهان الدین ربّانی؛
گردآورنده: مرکز تدوین آثار رهبر شهید؛
حروف نگاری: مرکز تدوین آثار رهبر شهید؛
ویرایش: مرکز تدوین آثار رهبر شهید؛
تصحیح: مرکز تدوین آثار رهبر شهید؛
تحشیه: مرکز تدوین آثار رهبر شهید؛
ناشر: مرکز تدوین آثار رهبر شهید؛
طراح جلد و برگ آرا: عصمت الله احراری؛
سال چاپ: ۱۳۹۹ خورشیدی؛
نوبت چاپ: نخست؛
محل چاپ: کابل، افغانستان؛
موضوع: گفتارهای دینی، سیاسی، اجتماعی، جغرافیایی و...
شمارگان: ۳۰۰۰ هزار نسخه؛
شمار برگه‌ها: ۱۷۰؛
قطع: جیبی؛
بها: ۱۵۰ افغانی؛
چاپ‌خانه: بهیر؛
نشانی ما: صفحه رسمی آثار رهبر شهید؛
ایمیل آدرس: sh.rabbani1390@gmail.com
حق چاپ تنها برای مرکز تدوین محفوظ است.



فهرست مطالب

مقدمه	۱۱
-------------	----

بخش نخست

مقدمه‌ها

قرآن مجید؛ یگانه مشعل راه زندگی (مقدمه‌ای بر ترجمه پشتوی تفسیر تفهیم القرآن).....	۱۷
مقدمه‌ای بر ترجمه کتاب «صفوة التفاسیر»	۲۳
مقدمه‌ای بر کتاب «اشک‌ها و خون‌ها»	۲۹

بخش دوم

مقاله‌ها

مقاله نخست) موقف اسلام در برابر قوانین بین‌المللی.....	۳۷
مقاله دوم) نقش مسلمین در انتشار علوم و معارف.....	۴۵
مقاله سوم) آشنایی با عالم اسلامی.....	۶۳
فلسطین در چنگال عصیانگر صهیونیسم.....	۶۵
شرعیات؛ (۳-۴) ۱۳۴۹ هـ.ش.....	۶۵
(۲) سوریه.....	۷۹
(۳) عراق.....	۸۹
(۴) جمهوریت یمن.....	۱۰۱

- (۵) لیبا..... ۱۰۹
- مقاله چهارم) یادواره ها..... ۱۱۹
- ۱- به یاد استاد توانمند و بزرگوار پوهاند توانا..... ۱۱۹
- ۲- به یاد مولوی محمدیونس خالص..... ۱۲۹
- نمایه..... ۱۳۹
- رویکردها..... ۱۶۱

مقدمه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

نوشتن در جهت آگاهی بخشی کاری است مبارک و فرخنده؛ اما مبارک تر و فرخنده تر از آن، حرکت از پی معرفت است؛ زیرا اگر گفتارها از عالم سخن به عالم کردارها درنیایند، نه تنها کاری است ساده و آسان که کاری است نکوهیده و نامبارک و چه بسا باعث از میان رفتن اعتماد به باورها می شود که در نتیجه، بنیان ارزش ها هم سست بنیاد می شوند و در مواجهه با خطر قرار می گیرند؛ همین است که تعالیم آسمانی پیوسته انسان را به عمل فرا می خواند و گفتار بی کردار را زشت می شمارد.

در پهلوی مسلمة فوق، این نکته هم روشن است که حرکت بی معرفت فاجعه آفرین است و اینکه حرکت های ناآگاهانه، چقدر فاجعه آفرین اند و تا چه اندازه بنیان و بنیاد هستی آدمی را با خطر نابودی مواجه می کند، درک آن اگر برای هر ملت و مردم دیگری قابل فهم باشد، برای ملت ما چنان است که با تمام وجود آن را درک می کند؛ چه ملت ما پیامدهای جانسوز آن را با جسم و جاننش آزموده است.

با درک مسلمة بالایی بوده است که پیر خرد افغانستان، از

همان روزهای نخست برای حرکت‌های آگاهانه قلم و قدم زده است و برای مبارزان این مسیر، نه تنها چه نوع مبارزه را می‌آموزاند و آموختنی‌هایی را در مسیر انقلاب اسلامی‌شان نشانی می‌کرد که پیوسته رازهای ناگفتنی سیاست را به گوش عقل‌شان می‌گفت و پرده از حقایقی برمی‌داشت که برای بسیاری‌ها گنگ و ناپیدا بود.

نوشته‌های این مجموعه که شماری از آن، از جمع نوشته‌های اولین و شماری هم از جمع این واپسین سال‌هاست، در همین راستاست که خواندن نه تنها مفید است که ممتع هم هست! این مجموعه حاوی دو بخش است که بخش نخستین آن عبارت است از مقدمه‌ها و تقریظ‌هایی که حضرت استاد سخن نوشته‌اند که حاوی مطالب زیرین است:

- قرآن مجید؛ یگانه مشعل راه زندگی (مقدمه‌ای بر ترجمه تفسیر تفهیم القرآن)؛

- مقدمه‌ای بر ترجمه کتاب «صفوة التفاسیر»؛

- مقدمه‌ای بر کتاب «اشک‌ها و خون‌ها»ی استاد خلیلی.

اما بخش دومی آن عبارت است از یک سلسله مقاله‌ها که عناوین آن قرار ذیل‌اند:

- موقف اسلام در برابر قوانین بین‌المللی؛

- نقش مسلمین در انتشار علوم و معارف؛

- آشنایی با عالم اسلامی؛

گفتنی است که این مقاله در ذیل پنج عنوان آتی، تألیف شده‌اند:

۱- فلسطین در چنگال عصیانگر صهیونیسم؛

۲- سوریه؛

۳- عراق؛

۴- جمهوریت یمن؛

۵- لیبیا؛

- استاد توانمند و بزرگوار پوهاند توانا؛

- مولوی محمد یونس خالص.

اینکه این نوشته‌ها از چه صلابت معنایی و چه ساختار شکوهمندی برخوردار است، داوری را به خواننده گرامی می‌گذاریم که خود برترین داور است؛ اما نکته‌ای را که قابل تذکر می‌دانم اینکه نتوانستیم به منابع مقالات قدیمی حضرت استاد - که به تتبع و نگارش آن حدوداً پنجاه سال قبل، دست یازیده است- دست یابیم؛ لذا خودمان تا حد ممکن تلاش کردیم که منابع نقل قول‌های ایشان را در ذیل برگه‌ها، ردیف کنیم و برای رعایت امانت، پیش روی کار خود گذاشتیم: «مرکز تدوین».

خلاصه، کار ما در این اثر این است:

در گام نخست؛ نوشته‌های رهبر شهید را از مجله پیام حق،
شرعیات و هفته‌نامه مجاهد...، روبرداشت کرده و حروف‌نگاری
کردیم و بعد مطابق دستورالعمل تدوینی خویش، دست به
تصحیح آن زدیم و از آن بعد، در کنار معرفی نام‌ها، اماکن،
گروه‌ها، اصطلاحات، استخراج احادیث، ارجاع آیات،
مستندسازی روایات و نقل قول‌ها، ترجمه آیات، احادیث و متون
عربی و توضیح نکات قابل توضیح، تدوین رویکردها و ویرایش،
نمایه‌ای از آیات، احادیث، اشعار، اشخاص، اماکن، احزاب،
گروه‌ها و مفاهیم وارده در کتاب را در پای آن ردیف کردیم.

پیش از بستن این درآمدها، بر خود لازم می‌دانم که از
برادرانم در مرکز تدوین هریک خیرالله خیرخواه، دلاور نسیمی
و محمدکامل عمران سپاسگزاری کنم که در تدوین این اثر بنده
را یاری رساندند. أجرهم علی الله.

درکل، امید ما از حضرت باری تعالی این است که این اثر
بتواند اثر مهم و ماندگار خویش را در جهت‌دهی نسل امروز و
فردای ما بجا بگذارد و ماذلک علی الله بعزیز.

فضلی آماج

رئیس مرکز تدوین آثار رهبر شهید

بخش نخست
مقدمه‌ها



قرآن مجید؛ یگانه مشعل راه زندگی
(مقدمه‌ای بر ترجمه پشتوی تفسیر تفهیم القرآن)



برای رسیدن به منزل مقصود و فلاح و سعادت دارین، راهی جز پیروی از تعالیم والای قرآن نیست.

آن روزها که امت اسلامی قرآن را یگانه مشعل راه خود قرار داده بود، مسلمانان در اوج عزّت به سر می بردند و آنگاه که پیروی ایشان از فروغ تابنده آن کندتر شد و کشورهای اسلامی به دنبال فرهنگ های دیگر شتافتند، ضعف و زبونی بر ما سایه افکند و همه چیز را از دست دادیم و در اقتصاد و سیاست، فرهنگ و علوم دنباله رو دیگران شدیم.

اکنون که بار دیگر ضمیر ملت مسلمان بیدار شده و برگشت همگان به سوی اسلام محسوس است و در بسا از کشورهای اسلامی، انقلاب های شکوهمندی در حال اوج گیری بوده و در جهت رسیدن به هدف، به تندی گام برمی دارند، در چنین مرحله حسّاس، باری باید متوجه شد که این نهضت ها به صورت تمام عیار در مسیر معارف قرآن به پیش روند و در غیر آن باز از این همه تلاش ها حاصلی به دست نمی آید.

انقلاب شکوهمند اسلامی در کشور عزیز ما افغانستان که در تاریخ معاصر چه که در تاریخ جهان کم نظیر است، نیازمند آن است که کاملاً از معارف قرآنی در همه ابعادش الهام بگیرد. سپاهیان سرب کف این انقلاب به سلاح شکست ناپذیر آن

مسلّح شدند؛ تا در کشمکش خونین و فیصله‌کن خود ضربات خردکننده‌ای را بر پیکر دشمن سفاک و خون‌آشام کمونیزم^۱ روسی وارد آورند.

آشنایی به تفاسیر معتبر که مفاهیم عالی قرآن مجید را از جهات مختلف شرح و تفسیر کرده‌اند، برای رسیدن به این آرمان بزرگ امری است کاملاً مهم و ضروری.

نبودن تفاسیر به‌قدر کافی در زبان پشتو و فارسی به آن عده برادران و سربازان انقلاب که به زبان عربی آشنایی ندارند، مشکلی بود که همه احساس می‌کردیم و در این راه تلاش‌هایی صورت گرفت؛ اما در نیمه‌راه ماند؛ من آرزو داشتم که تفسیر فی ظلال القرآن^۲ را به زبان فارسی ترجمه کنم؛ اما به علّت

۱. کمونیزم؛ این اصطلاح از ریشه لاتینی «کمونیس» به معنای اشتراکی گرفته شده است. اصطلاح کومون یا جامعه اشتراکی نخستین بار در فرانسه، در سال ۱۸۳۹م، به کار رفت. به قول طرفداران این اصطلاح، گویی این نظام بدون طبقه است. کمونیزم شخصیت انسان را تابع اقتصاد و در چوکات محدودیت‌ها و قیودات خفقان‌آور اجتماعی محبوس می‌کند. همچنان کمونیزم به انسان، حقوق و آزادی‌هایش، از دریچه چشم اقتصاد نگریسته، «مالکیت اشتراکی» را نخستین پایه مستحکم نظام خود قرار داده، آزادی‌هایی را که حق طبیعی انسان‌هاست محدود و فشرده می‌سازد. خوش‌بینانه‌ترین قضاوت در مورد منطق کمونیزم این باشد که گرایش به این مکتب، به معنای تباهی گوهر انسانیت، اغفال و اغراء انسان از توجّه به کنه حالت خودش، خودفراموشی و پایمال کردن شخصیت انسان در حد کالای کم از بازار است و - نیز - به معنای تنزّل ارزش خون و آبروی آدمیت است. نگاه: دانشنامه سیاسی، ص: ۲۶۱ - ۲۶۳ و مقاله «ارزش خون در کمونیزم و اسلام»، شهید محمدکاظم شارق، میثاق خون، ص: ۴۴، شماره سیزدهم، سال ۱۳۶۰ هـ. ش. «مرکز تدوین»

۲. فی ظلال القرآن (در سایه‌های قرآن)؛ یکی از تفاسیر مهم و ارزنده‌ای است که توسط علامه استاد سیّد قطب شهید G نگاشته شده است. این تفسیر گرانسنگ در مدت یازده سال نوشته شده است که از جمله نه سال آن را در بیغوله‌های زندان سپری کرده است. این تفسیر به زبان‌های مختلفی از جمله به زبان‌های انگلیسی، فرانسوی، آلمانی، اردو، ترکی، بنگالی، اندونزیایی و فارسی ترجمه شده است که کسان زیادی همچون آیت الله خامنه‌ای، محمد علی عابدی، احمد آرام و دکتر مصطفی خرم‌دل آن را به فارسی برگردان کرده‌اند؛ اما ۴۷ سال قبل از امروز، استاد

درگیری‌های مختلف زندگی، این کار ناتمام باقی ماند.

خوشبختانه که اکنون به همت یک‌تن از فرزندان اصیل انقلاب قیام‌الدین کشف و به سرپرستی اداره احياء العلوم، تفسیر تفهیم القرآن - که توسط یک‌تن از پیشروان نهضت فکری و سیاسی معاصر جهان اسلام مرحوم سیّد ابوالاعلی مودودی W^۱ به اردو نوشته شده بود - به زبان پشتو ترجمه شده است.

تفسیر تفهیم القرآن در جمله تفاسیر از اهمیت خاصی برخوردار است، از چندین رهگذر:

۱- این تفسیر توسط یک‌تن از مفکرین عالی مقامی نوشته شده است که فساد عصر حاضر را خوب تشخیص داده و به عین‌الیقین دریافته بود که جز در سرچشمه حیات‌آفرین قرآن در جای دیگری خیر و سعادت نیست؛

۲- این تفسیر، حاصل تلاش و تحقیق هزاران دانشمند و فکری است که قرن‌ها در مورد آن اندیشیده و شرح و تفسیر نوشته‌اند؛

شهید به ترجمه این اثر آغاز کردند که متأسفانه چنانکه خود فرمودند، به علت درگیری‌های مختلف زندگی، این کار ناتمام باقی ماند. آنچه از ترجمه استاد شهید تاکنون در دسترس هست، همان پاره نخست است که مرکز تدوین آن را برای بار دوم در با ویرایش و تحشیه چاپ کرده است. «مرکز تدوین»

۱. علامه سیّد ابوالاعلی مودودی G ؛ در ۱۹۰۳م، در شهر «اورنگ‌آباد» ایالت حیدرآباد هند به دنیا آمد. نوجوانی‌اش را به عنوان یک روزنامه‌نگار گذراند و در ۱۹۲۷م، نخستین اثر مهمی را زیر عنوان «جهاد در اسلام» در شماره‌های پی‌هم روزنامه جمعیت می‌نوشت؛ اما چند سال بعد، ماهنامه‌ای را تحت عنوان «ترجمان القرآن» که به ترجمه و تفسیر قرآن اختصاص داشت؛ منتشر کرد و تا پایان زندگی‌اش به انتشار آن ادامه داد و در سال ۱۹۴۱م، گروه جماعت اسلامی را بنا نهاد و پس از تقسیم هند، به پاکستان رفت و برای تشکیل حقوق شرعی یا حقوق اسلامی به تلاش خستگی‌ناپذیری دست زد و سرانجام در ۱۹۷۹م، درگذشت. نگاه: مختصری از زندگی امام ابوالاعلی مودودی G ، وبسایت نوگرا،

۳- این تفسیر، مختصر؛ اما جامع است. جوانب مختلف معارف قرآن را در عبارات کوتاه؛ اما جامع به صورت سهل و ممتنع به رشته تحریر درآورده است؛

۴- از آنجاکه نویسنده آن رهبر یک انقلاب عظیم فکری و سیاسی است، تفسیر او از بخش های مختلف انقلاب قرآنی آموزنده و تجربه عملی است که فراگرفتن آن برای عموم مجاهدین جان برکف که در راه بنیان گذاری حکومت اسلامی سرسختانه تا پای جان می رزمند، امری است ضروری.

ما در حالی که این موفقیت بزرگ را برای مترجم ارجمند؛ برادر کشف، تبریک می گوئیم و برای کارکنان اداره احیاء العلوم اجر عظیم می خواهیم، عموم برادران را به خواندن و به کمال دقت خواندن و مطالعه عمیق این اثر عظیم دعوت می کنیم.

امیدوارم که در پرتو معارف قرآنی انقلاب ما به پیروزی رسد و درفش شکوهمند توحید در کوه پایه های پرغرور و وادی های مردخیز افغانستان به اهتزاز درآید و از دره های خیر یک بار دیگر خبر شکست استعمار سرخ در جهان طنین انداز شود.

وَمَا ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ بِعَزِيزٍ.

ربّانی

۱۶ قوس ۱۳۶۰ هـ ش

پیشاور - پاکستان

مقدمه‌ای بر ترجمه کتاب «صفوة التفاسیر»



انسان با وجود عقل روشنگری که خداوند جان و خرد در وجود او به ودیعت گذاشته است و با برخورداری از این امتیاز الهی که او را خلیفه خود بر زمین گماریده است؛ با این همه، هر زمان که رابطه او با سرچشمه نور و هدایت آسمانی قطع گردد، این گرامی فرزند آدم، عنوان اهریمن وحشتناک و ویرانگری را اختیار می کند که هم برای خود و بنی نوعش و هم به جهان آفرینش در بساط زمین، مخلوق وحشت آفرین و خطرناک تر از او سراغ نمی گردد. با وجود پیشرفت های عظیم و سرسام آور علمی و تلاش های حیرت آفرین انسان در راه تسخیر طبیعت و کشف اسرار آفرینش و موفقیت های چشم گیری در ابعاد مختلف، همین که از مبدأ رهبری و الهام آفریدگار اندکی فاصله بگیرد، به خزنده کوری می ماند که در تاریکی وحشت زار راه رسیدن و جست و جوی نیازهای درونی اش از پرتگاه مهیبی به پرتگاه هول انگیز دیگری پیاپی سقوط کرده و به جایی نمی رسد.

راز و رمز سعادت و خوشبختی انسان، فقط در حصار چنگ زدن به حبل المتین الهی و حرکت در مسیر وحی و هدایت خداوند میسر می گردد.

آنچه به ملت و جامعه ما تعلق می گیرد، زمین و زمان گواه این حقیقت است که باشندگان این سرزمین در بستر تاریخ

پرمایه‌هایش به هنگام هر تهاجم نظامی و فرهنگی همیشه به پناهگاه مستحکم دین و ایمان پناه برده و از همین سنگر قدرتمند از حریم عزّت و آزادی، استقلال و حاکمیت ملی و هویت فرهنگی خویش پیروزمندانه دفاع کرده است.

در اوضاع جدید که ملت عزیز ما در بستر عبور از بحران‌ها و حمله‌های خونین و تبه‌گن بار دیگر در برابر تهاجم هولناک فکری و فرهنگی قرار گرفته است.

در حالی که جامعه ما به فراگیری علم و تکنالوژی معاصر به عنوان یکی از مهم‌ترین رمز بقای ملت‌ها سخت نیازمند است، در پهلوی آن، در راه حفظ هویت دینی و فرهنگی، استقلال و آزادی خویش به آشنایی عمیق معارف دینی و دستیابی به سرچشمه نور و هدایت قرآنی و تمسک به تعالیم روشنگر و حیات‌آفرین این گوهر تابناک الهی نیازمندیم.

در روشنایی این حقیقت دوستداران فرهنگ و معارف الهی و به خصوص نسل جوان و آینده‌سازان و وارثان حماسه‌های تاریخی تاریخ معاصر کشور را به مطالعه و خواندن کتاب‌ها و آثار دینی و به خصوص به خواندن تفسیر مفسر بزرگ علامه صابونی^۱ که

۱. شیخ محمد علی صابونی: یکی از بارزترین علمای معاصر اهل سنت و متخصص در علم تفسیر قرآن کریم، مؤلف تفسیر گران سنگ «صفوه التفاسیر» و شخصیت برگزیده جهان اسلام، در سال ۲۰۰۷ م، است. این عالم برجسته جهان اسلام در سال ۱۹۳۰ م، در شهر «حلب» سوریه چشم به جهان گشود و آموزش ابتدایی را در حضور پدر بزرگوارش شیخ جمیل صابونی - یکی از علمای بزرگ شهر حلب - شروع کرد. او موفق به حفظ قرآن کریم شد و بعد از حفظ قرآن، علوم زبان عربی، فرائض و علوم دینی را فرا گرفت. بعد از ختم آموزش ابتدایی، به مدرسه التجارة پیوست؛ ولی زیاد در آن دوام نکرد و بعد از آن به مدرسه متوسطه شرعی در حلب - که به مدرسه خسرویه معروف بود - پیوست و در سال ۱۹۴۹ م، از آن فارغ التحصیل شد. در آن مدرسه تفسیر، فقه و دیگر علوم عربی به اضافه علم شیمی، فزیک و دیگر علوم را فرا گرفت و بعد از آن، وزارت اوقاف سوریه وی را با هزینه اوقاف به دانشگاه الأثر فرستاد و در سال ۱۹۵۲ از رشته الشریعة فارغ التحصیل شد. سپس در مقطع تخصصی برای کسب مدرک بین‌المللی در رشته

این اثر گران بها توسط جوان آگاه و هدفمند برادر ابراهیمی، به اسلوب عالی و نثر شیوا از عربی به زبان دری ترجمه شده، توصیه و دعوت می‌کنم.

مترجم ارجمند با امانت‌داری کامل و توانمندی درخور ستایش این اثر عالی را که ازجمله تفاسیر مهم دوران معاصر ماست، ترجمه کرده است.

در کشور عزیز ما در پهلوی کمبودی‌های فراوان مادی و معنوی، کتب و آثار علمی به زبان‌های ملی خود ما محدود و نادر است.

امیدوارم با سهم‌گیری، دانشمندان جوان و نسل پویای کشور که تشنه علم و معرفت و خواهان رشد و انکشاف جامعه و کشور خویش در ابعاد مادی و معنوی‌اند، در بعد غنایمندی معنوی گام‌های بلند علمی برداریم.

انجام این عمل ماندگار و بزرگ ترجمه تفاسیر را به مترجم ارجمند و بااستعداد مبارکباد گفته و موفقیت مزید او را در راه تألیف و ترجمه آثار علمی و فرهنگی از بارگاه ایزد منان رجماندم. به امید رستاخیز علمی و عرفانی در سرزمین عزیزمان افغانستان.

برهان الدین ربّانی

قضاوت شرعی به تحصیل مشغول شد و در سال ۱۹۵۴ مدرک آن را به‌دست آورد. بعد از فارغ‌التحصیلی در دانشگاه الأزهر، به سوریه برگشت تا در دبیرستان‌های حلب به‌عنوان استاد تمدن اسلامی فعالیت کند و تا سال ۱۹۶۲ در شغل تدریس باقی ماند و بعد از آن از طرف وزارت آموزش و پرورش جهت تدریس در دانشکده «الشريعة والدراسات الإسلامية» و دانشکده «التربية» به عربستان سعودی رفت و نزدیک به سی سال در آنجا مشغول به تدریس بود. بعد از آن، دانشگاه «أم القرى» وی را به‌عنوان پژوهشگر علمی در مرکز تحقیقات علمی و احیای تمدن اسلامی تعیین کرد. او سپس چندین سال در سازمان جهانی اسلام به‌عنوان مشاور در هیئت اعجاز علمی در قرآن و سنت کار کرد. این عالم وارسته، از سوی نهادهای بین‌المللی مورد تقدیر قرار گرفت و آثار فراوانی از این مفسر بزرگ جهان اسلام باقی مانده است. «مرکز تدوین»

مقدمه‌ای بر کتاب
«اشک‌ها و خون‌ها»
مجموعه از اشعار استاد خلیلی



به خامه‌ والای فرمانده جمع مجاهدان، عالم عالی مقام استاد ربّانی^۱

از آنجاکه نه شاعرم و نه سخن‌شناس تا در باب استاد سخن و اشعار شورانگیز او، اظهار نظر کنم؛ امّا این قدر می‌دانم هر وقت که اشعار استاد خلیل‌الله خلیلی^۲ را می‌خوانم، بر عواطف و احساساتم اثر بس عمیق بر جا می‌گذارد.

استاد خلیلی، در زمان معاصر ما در میان سخن‌سرایان زبان دری چهره‌ای است تابناک که نظیرش را در منطقه کم‌تر می‌شناسم. او به حق پیش‌آهنگ و امیرالشعرای زمان ماست.

۱. این گزاره از استاد خلیلی است. «مرکز تدوین»

۲. استاد خلیل‌الله خلیلی؛ شاعر پروآژه‌کشور ما در سال ۱۲۸۶ هـ.ش، در باغ «جهان‌آرای» شهر کابل دیده به جهان گشود و در ۱۴ ثور ۱۳۶۶ هـ.ش، در شهر اسلام‌آباد پاکستان چشم از جهان فرو بست. استاد خلیلی، شاعر و سیاست‌گر، ادیب و نویسنده پرکار و از دیپلمات‌های مطرح افغانستان بود که کارهای فراوانی را در سیاست و فرهنگ افغانستان انجام داده است و مهم‌تر اینکه او شاعر دوره جهاد برحق مردم افغانستان است. از استاد خلیلی، ۶۲ اثر منظوم و منثور در عرصه‌های مختلف هنر، ادب، سیاست، فلسفه و عرفان به جا مانده است که بیشتر آن در داخل و خارج از افغانستان به چاپ رسیده است: دیوان خلیل‌الله خلیلی، عیاری از خراسان، فیض قدس، زمرد خونین، آثار هرات، سلطنت غزنویان، احوال و آثار حکیم سنایی، از بلخ تا قونیه، یمگان، نی‌نامه، از مهم‌ترین آثار اوست. «مرکز تدوین»

استاد شاعری است شوریده و نازک خیال؛ اما سرشار از روحیه سرکش غرور و انقلابی.

اشعار او ادب، عرفان، علم و حکمت را با بلندپروازی‌های شاعرانه و ذره‌سنجی اندیشمندانه احتوا می‌کند. اشعار قبل از انقلاب استاد، اگر بیانگر تاریخ و فرهنگ غرور باستانی مردم ما و زیبا شب‌های طبیعت در کشور ما بود، اشعار بعد از انقلاب او، ترجمان حماسه‌های جاویدان رزم‌جویان مؤمن ما در برابر سفاکان بی‌رحم و عمال جبون و بزدل آن است.

در این بخش، از اشعار استاد، رنج‌ها و دردهای بی‌کران ملت زجر دیده‌ما؛ آوارگی‌های برهنه‌پایان محروم؛ فریاد و آه و ناله اسیران در زنجیر ستمگران؛ خسته و نوحه مادران باحیای ملت افغان؛ آرمان‌های جوانان غرقه در خون، تمثیل می‌شود.

اشعار دوران بعد از انقلاب او، باب نوی را در ادبیات انقلابی کشور گشوده است. این اشعار و اشعار شبیه آن، که توسط شاعران جوان و انقلابی و سنگرداران اصیل انقلاب سروده شده، مجموعه گران‌بهایی از سرمایه معنوی انقلاب را تشکیل می‌دهد. شخصیت استاد دایرة المعارف زنده‌ای است از شناخت حوادث و جریان‌های پیدا و پنهان نیم قرن اخیر کشور که می‌سزد حوادث مهم آن درج اوراق تاریخ کشور شود.

زندگی استاد شاهد نشیب و فراز و مدوجزلهای مختلفی است؛

اگر روزگاری با دربار ارتباط داشت، چون سایر درباریان به هر آهنگی سر نجنباند و به هر اشاره‌ای از جا برنخاست. او روزگاری را در سلول‌های زندان گذشتاند و مانند افراد محروم ملت خود، محرومیت‌ها کشید و زجرها دید.

امیدوارم استاد و اشعار شورانگیزش شاهد بر فتح و پیروزی

ملّت قهرمان و خفته در خون ما باشند.

به امید آن روز که سفاکان کرملین با رسوایی از کشور خارج
شوند و لوای پر جلال توحید در کوه پایۀ پر غرور میهن به اهتزاز
درآید وَمَا ذَلِكْ عَلَى اللَّهِ بِعَزِيزٍ.

بخش دوّم
مقاله‌ها



مقاله نخست
موقف اسلام در برابر قوانین بین المللی

پیام حق؛ ماه جدی ۱۳۴۵ هـ ش



قانون‌گذاران و دانشمندان غرب عقیده دارند که قوانین عمومی بین‌المللی، زادهٔ فکر و اندیشه‌های عالی و جهانی ایشان بوده و آنان‌اند که اساسی را در دنیای بشریت ریخته‌اند؛ اما اگر انسان به تاریخ عمومی جهان نظری افکند، واضح می‌شود که اگر قانونی هم قبل از قانون‌گذاری اسلام، در کدام حصهٔ جهان وجود داشته جز نام، دیگر کدام محل تطبیق عمومی نداشته است و علاوه بر آن، مخصوص محیط و ملت قانون‌گذاران می‌شده است.

چنانکه بسا از دانشمندانی دیده می‌شوند که از تطبیق عمومی یک قانون بالای تمام افراد جهان انکار ورزیده و آن را از جملهٔ محال شمرده‌اند؛ برای مثال:

می‌بینیم «استوارت میل»^۱ دانشمند معروف در این باره می‌گوید: «ممکن نیست قانون را در ملل عقب‌افتاده تطبیق کرد.» این وضع در قرون متمادی جریان داشت و بشر در هیچ دوره‌ای نتوانسته است با قوانین خود، مصلحت عمومی جهان را با یک مساوات جهان‌شمول تأمین کند و تنها یک عصر را تاریخ

۱. جان استوارت میل (John Stuart Mill) (۱۸۰۶-۷۳) فیلسوف، اقتصاددان و سیاست‌مدار انگلیسی، پدرش جیمز میل، نظریه‌پرداز فایده‌گرایی، آموزش گسترده و ریاضت‌کشان‌های به او داد. نتیجهٔ این آموزش سخت‌گیرانه پریشانی روانی او در ۲۰ سالگی بود و از آن پس او فلسفه انسانی‌تری را تحت تأثیر کولریچ و ایده‌آلیست‌های آلمان به وجود آورد. او تأثیر زیادی بر رشد اندیشه لیبرالی داشت. نگاه: سیاست، اندرو هیوود، مترجم: عبدالرحمن عالم / ۷۱. «مرکز تدوین»

نشان می‌دهد که دارای چنین رویدادها و چنین خواصی نبوده است و آن عصر عبارت از عصر پیامبر Y است.

اگر در تاریخ اسلام و دوره حیات شارع اسلام و کارهای که انجام یافته است، نظر اندازیم، دیده می‌شود که اوضاع آن عصر ایجاب می‌کرد تا او Y شریعتی آورده و قوانینی وضع کند که مناسبات ملل را چه در جنگ و چه در صلح، طوری، منظم نگاه دارد که همان‌طور هم کرد. اروپاییان عقیده دارند که اسلام بر پیروان خود واجب کرده است تا به‌زور شمشیر اقدام کرده و هر ملّتی را که حاضر به قبول دیانت اسلام نشد، پایمال و نابود سازند!

برای ردّ این ادّعای اروپاییان، چنین باید گفت: روش مسلمین در طول تاریخ خود، تهمت بودن این ادّعا را ثابت می‌کند. برای اینکه بطلان این مطلب را درست مشاهده کنیم، به این فرموده خداوند: ﴿لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ...﴾^۱ که مسلمین را از اجبار برای قبول دین اسلام منع کرده است، گوش فرا باید دهیم. اسلام همواره می‌خواست این بلندپروازی را از ذهن مسلمانان دور کند و به آنان بفهماند که نمی‌شود تمام مردم، تابع یک قانون و یک دین گردند.

اسلام روح کثیف استعمارطلبی را نکوهش کرده و به‌طور کلی داعیه مادی را که امروزه در دنیا انتشار یافته و یگانه منبع ظلم و ستم و مفاسد بشری است، از بین برده و دستور داده است که در راه خدا با کسانی جنگ کنید که با شما می‌جنگند و تجاوز

۱. بقره / ۲۵۶. کامل آیت این است: ﴿لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِنْ بِاللَّهِ فَقَدْ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى لَا انْفِصَامَ لَهَا وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ﴾

(در دین هیچ اجباری نیست و «رشد» از «غی» به خوبی آشکار شده است، پس هر کس به طاغوت کفر ورزد و به خدا ایمان آورد، به یقین به دستاویزی استوار که آن را گسستن نیست، چنگ زده است و خداوند شنوای داناست.) «مرکز تدوین»

نکنید که خداوند تجاوزکاران را دوست ندارد.

چیزی بسیار مهم دیگر که متانت احکام اسلام را ثابت و در نگهداری صلح نهایت مؤثر است، مهیا بودن برای جنگ است که پس از گذشت چهارده قرن تقریباً از اسلام، امروز غرب و رجال و متفکرین عالم، این معنی را درک کرده‌اند و حتی تا چند سال پیش هم توجّه به این نکته اساسی نداشتند؛ زیرا بعد از جنگ سال ۱۹۱۷ م تا سال ۱۹۳۹ م، در صدد شدند که از تسلیحات جلوگیری کنند و بدین وسیله از برپا شدن جنگ دیگری ممانعت کنند؛ ولی بازهم قسمی که آرزو داشتند، این عمل مؤثر نیفتاد؛ ولی شارع بزرگ اسلام، تقریباً چهارده صدسال پیش این نکته را مورد عمل قرار داد و نتیجه هم گرفت.

در قوانین کشورهای جهان تقریباً دو هزار سال پیش از اسلام، قانون عمومی که ضامن حُسن روابط بین الملل باشد، نبوده و این اسلام است که چنین قوانینی را وضع کرده است.

دیانت اسلام مصونیت جان و مال و حیثیت نمایندگان و فرستادگان دشمن و مخالفین خود را تضمین کرده و آزادی آنان را در برگشتن به محل خود تأمین فرموده است و هیچ وقت ایشان را مجبور به اقامت و یا خروج از کشور نکرده است.

شارع بزرگ اسلام، از منتهای حُسن سلوک دین و قانونی که داشت، مطالب نمایندگان اجنبی و دشمن را با دقت می شنید و گاهی بهانه جویی نمی کرد و اگر راهی برای حسن تفاهم به نظرش می رسید، آن را قبول می کرد و این عمل مطابق دستوری بود که از قرآن گرفته شده بود.

در این اواخر مقررات عمومی و بین المللی ای به نام «پیمان عدم تجاوز» توسط دو طرف صورت می گیرد؛ ولی باید متوجه شد که اسلام در چهارده قرن قبل، این موضوع را مقرر داشته،

معاهدات و پیمان‌های دوطرفه‌ای را به میان آورده‌است. موضوع دیگری که امروز در همه‌وقت در مناسبات ملل مؤثر بوده، مسئلهٔ معاهدهٔ دوستی و صداقت است؛ از مثال‌های این عهدها در زمان رسول Y دو فقره معاهده‌ای است که به‌عنوان دوستی منعقد شده و مقدمات صلح (حدیبیه) را فراهم کرد. مهم‌تر از همه موضوع «وفا به عهد» است که در نظر اسلام بی‌اندازه قابل توجه و درخور اعتبار است و به‌طوری‌که واضح است در معاهده، باید طرفین تمام فصول و مواد معاهده را با نهایت دقت اجرا کنند و در نصوص قرآن مجید، به این موضع اهمیت زیادی داده شده‌است و بر عقیدهٔ یک نفر مسلمان، عهدی که مسلمان با مسلمان دیگر یا با غیرمسلمان می‌بندد، تنها در حضور مردم نیست؛ بلکه عهد تام آن است که در حضور خدای یکتا بسته و خدا شاهد و ناظر اوست. نکتهٔ قابل توجه این است که حقوق عمومی^۱ وقتی توسط

۱. علم حقوق در یک تقسیم‌بندی نخستین به حقوق خصوصی و حقوق عمومی تقسیم می‌شود؛ اما موضوع حقوق خصوصی در درجه نخست فرد است؛ ولی موضوع حقوق عمومی کلیت جامعه است.

از منظری دیگری می‌توان گفت: پیکره جامعه از دو رکن تشکیل شده است فرمانروایان و فرمانبران. حقوق خصوصی روابط بین فرمانبران را انتظام می‌بخشد و حقوق عمومی روابط بین فرمانبران و فرمانروایان را مورد توجه قرار می‌دهد.

اهداف عمده حقوق عمومی عبارت‌اند از:

- ۱- تهیه و آرایهٔ خدمات عمومی در جهت منافع عمومی؛
- ۲- برقراری امنیت و نظم عمومی؛
- ۳- تنظیم روابط فرد با دولت و دولت با فرد؛
- ۴- مهار و کنترل قدرت دولت یا حاکمیت و برقراری حکومت قانون و یا همان قانون‌مداری؛

۵- اعلام و حفظ و حمایت حقوق طبیعی فرد و حقوق سیاسی شهروندان.

حقوق عمومی دارای شاخه‌های اصلی زیر است:

- ۱- حقوق اساسی: حقوق اساسی پایه و مبنای حقوق عمومی است؛ زیرا در آن ساختمان حقوقی دولت و رابطه سازمان‌های آن با یکدیگر مطرح می‌شود. همچنین در آن حقوق سیاسی مردم و نیز تکالیف اصلی که برعهده

اسلام در دنیا انتشار یافت که ملل دنیا به هیچ وجه آشنایی به این قبیل حقوق نداشته‌اند و اگر جسته جسته بعضی از اصول کلی آن در بین بزرگان و علمای ملل دیگر سابقه داشت؛ اما ملت‌های آنان به کلی بی اطلاع بوده‌اند؛

بلی، به روی اعتراف خود اروپاییان، قوانین بین‌المللی از اواخر قرن ۱۹ شروع می‌شود، در حالی که اسلام در قرن هفتم میلادی این قوانین عمومی را تشریح فرموده؛ ولی تحت عنوان و اصطلاح مروج امروزه نبوده و نمی‌توان گفت: چون نام آن را حقوق بین‌المللی عمومی و خصوصی قرار نداده، پس بین‌المللی نیست.

این بود مختصری از مبادی قانون بین‌المللی اسلام.

دولت‌هاست گفته می‌شود؛

۲- حقوق اداری: در این شاخه در باره اشخاص حقوق اداری و تشکیلات و وظائف ادارات دولتی و جاهای مثل شهرداری‌ها و نیز تقسیمات کشوری و روابط این سازمان‌ها با مردم بحث می‌شود؛

۳- حقوق مالیه: قواعد مربوط به مباحث مالی مثل مالیات‌ها و نیز عوارضی که دولت از مردم دریافت می‌کنند و مقررات مربوط به آن‌ها و مباحث بودجه کشور، در این شاخه قرار می‌گیرد؛

۴- حقوق کار: رابطه بین کارگر و کارفرما و مسائل اجتماعی ناشی از آن و نیز تامین اجتماعی در این شاخه مورد توجه و بررسی قرار می‌گیرد؛

۵- حقوق جزا: شاخه‌ای از حقوق است که اعمال و اقدامات و یا ترک اقدامات لازم که به منافع عمومی و یا امنیت عمومی آسیب وارد می‌کند و باید مورد پادافره (مجازات) قرار گیرد را در بر می‌گیرد. در این شاخه آن گونه رفتارهای مجرمانه که اعمال مجازات از سوی دولت را در پی دارد مورد بررسی قرار می‌گیرد؛

۶- حقوق بشر: آن دسته از حقوق بنیادین و طبیعی را که انسان‌ها باید داشته باشند به عنوان حقوق بشر می‌خوانند و حقوق بشر نیز در زمره مباحث حقوق عمومی می‌تواند قرار گیرد. نگاه: مقاله حقوق عمومی چیست؟ از محمد رسولی، ناشر: باشگاه خبرنگاران جوان، کد خبر: ۴۲۸۳۵۱۵. «مرکز تدوین»

مقاله دّوم نقش مسلمین در انتشار علوم و معارف

پیام حق؛ ۱۰ اسد، ۱۳۴۲ هـ ش، برابر به ۲ اگست ۱۹۶۳ م.



سپیده دم اسلامی، با نواهای علم و دانش و نعره های نهضت و مدنیّت آغاز یافت.

آری، از آن لحظه ای که شهپر جبرئیل در فضای حرم به اهتزاز آمد، نوای ناقوس تمدن اسلامی آن، در گوش جهان طنین انداز شد. ارمغان های جاودان قرآن که می گفت:

«آیا دانشمندان و نادانان باهم برابرند؟»^۱

«خدایا! دانشم را افزون نما!»^۲

و ارشادات قدسی پیامبر Y که دستور می داد:

«علم را از گهواره تا گور بجوید.»^۳

«دانش را بجوید و لو که در چین باشد.»^۴

۱. ترجمه بخشی از آیه ۹ سورة مبارکه زمر است که می فرماید: ﴿هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ...﴾ «مرکز تدوین»

۲. ترجمه بخشی از آیه ۱۱۴ سورة مبارکه طه است که می فرماید: «...رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا» «مرکز تدوین»

۳. به قول علامه قرضاوی ترغیب دین به آموزش، چنان است که زیادی از مردم این سخن علما را سخن رسول الله Y دانسته اند. «مرکز تدوین»

۴. این حدیث که ﴿اطلبوا العلم ولو بالصين﴾ را ابن عدی در المدخل و بیهقی در شعب الإیمان روایت کرده اند؛ اما تمامی طرق آن، ضعیف است؛ ولی نباید فراموش کرد که از یک طرف امام بیهقی در مورد آن می گوید: «متنه مشهور و آسانیده ضعیفه» و المزی می گوید: «له طرق ربما یصل بمجموعها الحسن»، از طرف دیگر پیام این حدیث که دانش را از هر که و در هر جا می توانید فرا بگیرید، یک اصل پذیرفته شده اسلامی است که نیازی به استدلال ندارد؛ زیرا دلایل درست در این باب فراوان هست. «مرکز تدوین»

پیروان اسلامی را در جست‌وجوی معرفت انداخت.
در آن هنگامی که غبار جهل و ظلمت بر جهان سایه افکنده بود، مسلمین مشاعل علم و هدایت را به دست گرفته، قلب تیرگی‌ها را شگافتند و به احیای معارف کهن پرداختند؛ چراغ نیمه‌خاموش علم و حکمت یونان باستان به دست ایشان روشن گشته و جهان غرب که پیش‌آهنگ تمدن امروز گفته می‌شود، به نوای آن‌ها از خواب عمیق بیدار شد.

در عهد اموی‌ها برای نخستین بار مسلمین عملاً وارد صحنهٔ ساینس و تخنیک شدند. «خالد بن یزید»^۱ برای فراگرفتن علم کیمیا مسافرت کرد. در نامه‌ای که به پدرش نوشته بود، چنین می‌نویسد:

«مطمین باش به مطلوب خویش رسیدم؛ به اسرار کیمیا بعد از تکالیف و مشقات زیاد و دامنه‌داری پی بردم. کشف رموز این علم، اگرچه خیلی‌ها مشکل و طاقت‌فرساست؛ مگر به کسانی

۱. خالد بن یزید بن معاویه، نوادهٔ حضرت معاویه - رضی الله عنه - است. او نخستین کسی بود که جمعی از دانشمندان و فیلسوفان را جمع کرد و نهضت ترجمهٔ کتاب‌های علمی را آغاز کرد. این دانشمند بزرگ کتاب‌های زیادی را در عرصه‌های مختلف علوم نوشته است. دانشمندان کتاب‌های ذیل را به او نسبت می‌دهند:

۱- کتاب وصیته إلى ابنه في الصنعة؛

۲- کتاب الحرات؛

۳- کتاب الصحيفة الكبير؛

۴- کتاب الصحيفة الصغير؛

۵- ثلاث رسائل في الصنعة؛

۶- السر البديع في فلك الرمز المنيع؛

۷- منظومة فردوس الحکمة في علم الكیمياء؛

۸- وکتاب الرحمة في الكیمياء.

شماری از پژوهشگران را باور بر این است که امام جعفر صادق-رضی الله عنه- دانش کیمیا را از او فرا گرفته است. برای آگاهی بیشتر نگاه کن: کتاب کشف الظنون، از: حاجی خلیفه و کتاب «وفیات الاعیان» از ابن خلکان و کتاب «العرب وکیمياء الذهب (المثلث الذهبي)» (۳-۱) د. عدنان الظاهر و کتاب العلوم عند العرب بیروت ۱۹۷۷ ص ۵۲، از: محمد ابراهیم الصبحی. «مرکز تدوین»

که در آن وارد باشند، فوق العاده سطحی و آسان است.»
چون عصر عباسی^۱ روی کار آمد، حرکت های علمی در میان مسلمین به شدّت روان شد، علمای اسلامی فلسفه و حکمت یونان قدیم، سریان، فارس و هند را ترجمه کرده و به تعلیق و اصلاح آن پرداختند.

مسلمین در این عصر مصدر افتخاراتی شدند که دنیای علم و تمدن همیشه مرهون آن خواهد بود.

دانشمندان منصف اروپایی هم به این حقیقت معترف اند.
[میسو] لیری می نویسد: «مسلمین اگر از تاریخ تمدن حذف شوند، عصر تجدد اروپا^۲ قرن ها به تعویق می افتد. علمای اسلامی در تمام جنبه های علم و هنر وارد شده و آثار گرانمایه ای از خویش به یادگار گذاشتند.»^۳

کاژوری می نویسد: «عقل انسانی همین که آثار مسلمین را در الجبر مطالعه می کند، دچار دهشت و اضطراب می شود.»
واقعاً بسا از نظریاتی که علمای مغرب در این اواخر به کشف آن نایل شده و می شوند، قرن ها پیش از طرف علمای مسلمین کشف شده بود؛

۱. خلافت عباسی، مدت پنج قرن ادامه داشت که از سال ۱۳۲هـ.ق، شروع و تا سال ۶۵۶هـ.ق، ادامه پیدا کرد. ابوالعباس عبدالله بن علی از خاندان حضرت عباس ~ اولین کسی است که از این خاندان به قدرت رسید و تا زمانی که بغداد به دست «هلاکو خان» مغول سقوط کرد، حکومت کردند. نگاه: تاریخ سیاسی اسلام، از دکتر حسن ابراهیم حسن. «مرکز تدوین»

۲. اروپا: در نیم کره شمالی قرار گرفته و پس از اقیانوسیه، دومین قاره کوچک جهان است. مرز میان اروپا و آسیا را کوه های اورال تشکیل می دهند. مساحت اروپا حدود ۱۰ میلیون کیلومتر مربع و جمعیت آن بیش از ۷۳۰ میلیون نفر است که یازده درصد از جمعیت جهان را تشکیل می دهد. با وجود مساحت نسبتاً کم خود، اروپا پس از آسیا دومین قاره جهان از نظر تراکم جمعیت است. برای معلومات بیشتر نگاه شود، اطلس جامع گیتاشناسی. «مرکز تدوین»

۳. نگاه: «معالم الحضارة في الإسلام» از د. عبد الله ناصح علوان، ص: ۱۰۷، دار السلام، ط ۴، ۲۰۰۵ م. «مرکز تدوین»

بلی، نظریات انشتاین در جاذبه کاملاً شبیه آن اقوالی است که فارابی در این موضوع اظهار نظر کرده است.^۱ ما در این مضمون به صورت اجمالی از خدمات مسلمین در میدان‌های ساینس و تکنیک نام می‌بریم:

در فیزیک:

آثار کندی، فیلسوف اسلامی از مهم‌ترین کتب این فن می‌باشد. این آثار اساس و تهداب تألیفات راجر بیکن، دانشمند غربی به حساب می‌روند.

ابن یونس^۲ اولین کسی است که هفت قرن پیش از گالیله رقااص ساعت را کشف کرد. سارتون بیکر و تایلر، به این حقیقت اعتراف دارند. داستان ساعتی که هارون الرشید به شارلمان فرستاده بود، قوی‌ترین دلیلی است که سبقت مسلمین را در میدان فیزیک تثبیت می‌کند.

طبری^۳ جدولی را برای معلوم کردن ثقل فلزات و مایعات

۱. دانشمند بزرگ و پرآوازه جهان اسلام، استاد دکتر راغب سرجانی، مقاله‌ای به همین مناسبت دارد که می‌توان آن را خواند: قوانین الحركة والجاذبية.. اكتشاف نيوتن أم المسلمین؟ «مرکز تدوین»

۲. علی پسر عبدالرحمن پسر احمد بن یونس بن عبدالأعلی صدفی مصری است که أبو الحسن، کنیت اوست. در ۳۴۱ هجری قمری در مصر زاده شدند و در ۳۹۹ هجری قمری وفات کردند. ابن یونس مصری در کنار اینکه بندول و یا رقااص ساعت را اختراع کرد، معادلاتی را در ریاضی و چیزهای دیگری را نیز اختراع کرده است. مهم‌ترین کتاب‌های او قرار ذیل است: التعديل المُحكَّم، جداول في الشمس والقمر وجداول السمّ، الزیج الکبیر الحاکمی، بلوغ الأمانة فيما يتعلق بطول السّعرى الیمانیّة، غایة الانتفاع في معرفة الدوائر والسمّ من قبل الارتفاع، الرقااص، شرح زیج یحیی بن أبی منصور و کتاب الظلّ است. نگاه: دائرة المعارف العالمیة، باحثون عرب، الموسوعة العربية العالمیة (الطبعة الثانية)، السعودیة: مؤسسة أعمال الموسوعة للنشر والتوزیع، صفحة ۴۱۶، جزء السابع والعشرون. «مرکز تدوین»

۳. ابوجعفر محمد بن جریر بن یزید بن کثیر بن غالب طبری مشهور به جریر طبری، در سال ۲۲۴ هجری قمری برابر با ۲۱۸ هجری خورشیدی در آمل چشم به جهان گشود و در ۳۱۰ هجری قمری در بغداد درگذشت. همه چیزدان، مؤرخ،

ترتیب داده و در وزن آن‌ها آب را مقیاس قرار داد. این مقیاس تا هنوز به حال خود باقی بوده و تنها از آب عادی به آب مقطر تحوّل کرده است.

البیرونی هم که [ادوارد] سخا^۱ درباره او می‌گوید: بزرگ‌ترین نفری است که تاریخ به آن افتخار می‌کند، در این موضوع طریقه دیگری را اختراع کرده است که عین نتایج بالا از آن مستفاد می‌شود.

نبوغ و عبقریت ابن هیثم^۲ در فیزياء اپتیک،^۳ قوی‌ترین دلیلی

مفسر و فیلسوف ایرانی است. تاریخ طبری و تفسیر طبری، از میان آثار او پرآوازه‌تر است. طبری مشهور به پدر علم و تاریخ و تفسیر است. برای آگاهی بیشتر نگاه کن: احوال و آثار محمد بن جریر طبری، از علی اکبر شهابی، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۳۵. «مرکز تدوین»

۱. ادوارد سخا و یا زاخاو، از خاورشناسان آلمانی است که در ۱۸۴۵ میلادی به دنیا آمد و در ۱۹۳۰ به عمر ۸۵ سالگی درگذشت. او به شام و عراق سفرهایی داشته است و در پیوند به البیرونی پژوهش‌های فراوانی دارد و کتاب تاریخ الهند البیرونی را نیز ترجمه کرده است. نگاه: مقاله ادوارد زاخاو، ناشر: سایت معرفه، «مرکز تدوین»

۲. ابن هیثم؛ ابوعلی حسن بن حسن بن هیثم. مهندس بصری نزیل مصر. صاحب تصانیف و تألیف نامی در علم هندسه. مولد او به بصره به سال ۳۵۴ ه. ق. او عالم به غوامض این علم و معانی آن و به سایر علوم عقلی نیز بصیر بود و مردم عصر از او فوائد بسیار گرفتند. وی خطی نیکو داشت و در مدت یک‌سال در ضمن مشاغل علمی خود سه کتاب اقلیدس و متوسطات و مجسطی را به خط خویش می‌نوشت و به یکصد و پنجاه دینار می‌فروخت و مؤنت سال او همان بود و بدین‌سان در قاهره می‌زیست تا در حدود سال ۴۳۰ ه. ق. یا کمی پس از آن درگذشت. بیش از دو‌یست کتاب از تألیفات او نام برده اند از جمله: کتاب المناظر است که بلائینی ترجمه شده و از زمان روجر باکون تا کپلر در مغرب اهمیت بسیار داشته و کمال الدین ابوالحسن فارسی متوفی به حدود ۷۱۹ شرحی به عربی بر آن نوشته. دیگر از کتب او: کیفیات الاظلال. کتاب فی المرایا المحرقة بالقطوع. کتاب فی المرایا المحرقة بالدوائر. کتاب فی مساحة المجسم المكافی. فقراتی از رساله فی المكان، فی مسألة عددیه. فی شکل بنی موسی. فی اصول المساحة که به عربی با ترجمه آلمانی آن طبع و منتشر شده است. برای نام سایر کتب او رجوع به عیون الانباء ابن ابی اصیبعه شود. و عدسی محدب ذره بین از اختراعات اوست و او را بطلمیوس دوم گویند. نگاه کن: لغتنامه دهخدا. «مرکز تدوین»

۳. اپتیک یا فیزیک نور: شاخه‌ای از فیزیک است که به بررسی نور و خواص آن و

بر پیش قدمی مسلمانان در این رشته است.

ابن خلدون در مقدمه خویش می نویسد:

اقلیدس^۱ اولین کسی بود که در هندسه کتب منظمی نوشت، مسلمین برای اولین بار آن را ترجمه کردند. این کار در زمان جعفر بن منصور انجام یافت.

علمای اسلامی تنها به ترجمه این آثار اکتفا نورزیده؛ بلکه آثار قیمت داری امثال آن را نوشته و به خدمت بشریت تقدیم کردند؛ قضایا و مسایل تازه و جدیدی را در آن اضافه و اختراع کردند؛

از مشهورترین آثاری که در این باره نوشته شده است، تألیفات ابن هیثم، صاحب نظریات انکسار و انعکاس نور است.

این دانشمند اسلامی حادثه شفق و قوس قزح را تحلیل علمی کرده و طبقات و پرده های چشم را دقیقانه شرح کرده است. همچنان او گفته است: مرئیات به وسیله اعصاب بصری به دماغ ارتباط می یابند و وحدت نظر در هر دو چشم به اساس هم شکلی شبکه هاست.

برهمکنش آن با ماده می پردازد. نورشناسی به مطالعه حوزه نور مرئی، ماوراء بنفش و فروسرخ امواج الکترومغناطیسی می پردازد. «مرکز تدوین»

۱. اقلیدس ابن نوقطرس بن برنیقس ریاضی دان و منجم و فیلسوف مشهور و متبحر در علم هندسه است که به صاحب جومطریا شهرت یافته و کتابی به همین نام در هندسه تألیف کرده است که به زبان یونانی آن را اسطروشیا خوانند و معنی آن اصول هندسه است. حکیمی است اصلاً یونانی که در صور شام سکونت و به صنعت نجاری اشتغال داشت. وی تبحر فوق العاده ای در علم هندسه داشت. اقلیدس به معنی کلید هندسه است؛ چه اقلی به زبان یونانی به معنی کلید و دس به معنی هندسه است. وی در اسکندریه زندگانی می کرد و در ۳۲۳ ق. م. متولد شد و در ۲۸۳ ق. م. وفات کرد. ۱ - کتاب اسطقسات در هندسه؛ ۲ - اقلیدس؛ ۳ - ظاهرات الفلک؛ ۴ - المناظر؛ ۵ - المعطیات فی الهندسة، از تألیفات او است. نگاه: لغتنامه دهخدا و کتاب میراث اینشتین وحدت فضا و زمان، نویسنده: جولیان شوینگر، مترجم: سیروس فرمانفرمایان، چاپ دوم: ۱۳۹۴، نشر فرزانه «مرکز تدوین»

نیوتن دانشمند غربی از آثار این عالم استفاده شایانی کرده است و تا قرن شانزدهم مؤلفات این دانشمند اسلامی قوی‌ترین مرجع در مباحث فیزیکی بود.

در ریاضیات:

در عالم ریاضی؛ بزرگ‌ترین دانشمندانی در اسلام ظهور کرده‌اند؛ از جمله ایشان یکی کاشف و واضع اساسات کسر و اعشار و دیگر قضایاست.

کتاب دانشمند خوارزمی در «الجبر و المقابلة» که در «عصر مأمون» تألیف شده بود تا دیرزمانی به حیث بزرگ‌ترین کتابی در این موضوع در غرب استقبال می‌شد. بسیاری از دانشمندان با تمسک به این کتابش او را واضع الجبر دانسته‌اند.

ثابت بن قره، ابن حمزة و محمد بغدادی در این موضوع مقام بارزی دارند. طوسی که تألیفات متعددی در ریاضیات مخصوصاً در مثلثات و هندسه از خود به یادگار گذاشته است، شهبسوار این میدان به شمار می‌رود. اروپایان مدت زیادی هم مستقیماً از کتب او استفاده می‌کردند.

در علوم فلکی:

علوم فلکی در زمان «ابوجعفر منصور» روی کار آمد. دانشمندان اسلامی در تقنین آن کوشیده و آن را از چنگال نجوم و ستاره‌شناسی خلاص کردند. در عصر طلایی مأمون فرزندان موسی، به حساب کردن خطوط نصف النهار پرداختند. در آن زمان کرویت زمین نیز به دست دانشمندان اسلامی اثبات شد. رصدخانه‌های بزرگ با آلات نوین روی کار آمد. یکی از این رصدخانه‌ها در فراز قلّه کوه قاسیون در دمشق و دیگرش در شماسیه بغداد بود. خلفای دیگر هم بعد از آن، در هرکجا رصدخانه‌های بزرگی بنا کردند که از بزرگ‌ترین رصدخانه‌های

جهان به شمار می‌رفت.

خلاصهٔ گپ اینکه تا هنوز هم در غالب زبان‌ها اصطلاحات
فلکی مسلمین معمول و مروج است.
در جغرافیه:

جغرافیه‌دانان اسلامی در تاریخ جهان مقام شامخی دارند.
کتاب ادریسی در جغرافیه از بزرگ‌ترین کتاب‌های علمی
قرون وسطی به شمار می‌رود.

سارتون می‌نویسد: «معجم البلدان یا قوت حموی^۱ معدن
پر مایهٔ معرفت است که در زبان‌های دیگری نظیر آن سراغ
نمی‌شود.»^۲

تقویم البلدان ابوالفداء که به لاتین هم ترجمه شده است، از
مهم‌ترین مراجعی است که علمای مغرب از آن، در آثار خویش
استفاده کرده‌اند.

سیبولد چنین نوشته است: «ادریسی، نیم عمر خویش را در
راه تهیهٔ یک خریطهٔ جهانی برای اساسات علمی و حقایق فنی
گذشتاند.»

شریف ادریسی^۳ بر اساس تقاضای «راجر دوم» حاکم

۱. نام این امام، شهاب الدین یا قوت فرزند عبدالله حموی بغدادی است که در اصل
رومی و دقیقا از آنادول است و در سن کودکی بود که در جنگ‌ها اسیر گرفته شده
بود و یکی از بازرگانان مشهور به نام عسکر حموی او را خرید. این دانشمند بزرگ
تقریباً در ۵۷۴ هجری قمری زاده شد و در ۶۲۶ قمری چشم از جهان فرو بست.
نخستین معلم او آقای او عسکر حموی بود که دانش‌های مختلفی را به او یاد داد. از
این دانشمند بزرگ آثار ارزشمند زیادی بجا مانده است؛ از جمله: معجم الأدباء که
در بیست جلد تألیف شده است، معجم الشعراء، المبدأ والمآل فی التاریخ و کتاب
الدول. نگاه: رواد علم الجغرافیه فی الحضارة العربیه والإسلامیه، از «مرکز تدوین»
۲. جورج سارتون، اندیشمند بلجیکی، این سخن را در کتابی از ایشان که در عربی
به نام «المدخل إلى تاریخ العلوم» ترجمه شده است، بیان کرده است. «مرکز
تدوین»

۳. شریف ادریسی؛ در ۴۹۳ هـ.ق، در شهر سبته چشم به جهان گشود و در قرطبه
دانش را فرا گرفت و در ۵۵۰ قمری کتاب نزهة المشتاق را نوشت و در سال ۵۶۰

صقلیه، کتاب خویش را تحت عنوان: «نزهة المشتاق فی اختراع الآفاق» نگاشته و همچنان نقشه جهان را ترتیب کرده و از وجود امریکا در جانب دیگر کره زمین ذکری به عمل آورده بود و این چیز چندین قرن پیش از کشف امریکا صورت گرفته بود. پس می‌توان گفت: امریکا از طرف مسلمین کشف شده است. هوی لین لی؛ استاد دانشگاه پنسلوانیا^۱ اظهار کرده است که مسلمین چهار قرن پیش از کریستف کولمب به کشف امریکا موفق شده‌اند و این ادعا را با دلایل متینی ثابت کرده است.

در کیمیا:

مسلمین در علم کیمیا برازندگی خاص نشان داده‌اند. فرانسیس بیکن فیلسوف انگلیسی می‌نویسد: «جابر بن حیان در کیمیا به حیث نخستین معلم جهان به شمار می‌رود»^۲

برتیلو گفته است: «حیثیت جابر بن حیان در کیمیا مانند

قمری چشم از جهان فرو بست. این دانشمند بزرگ نخستین کسی بوده که نقشه قابل اعتماد جهان را ترسیم کرد. آژانس فضای ایالات متحده امریکا (ناسا) به خاطر گرامیداشت او، نام سلسله کوهایی را که در سیاره بلوتو پیدا شده است، به نام او نامگذاری کرده است. نگاه: جهود العلماء المسلمين في تقدم الحضارة الإنسانية، اثر خالد بن سلیمان الخویطر، ص ۱۲۹. «مرکز تدوین»

۱. این دانشمند اصالت چینی دارد که در ۱۹۱۱ میلادی به دنیا آمده است و در ۲۰۰۲ وفات کرده است. نگاه: بنک المعلومات علماء النبات - جامعة هارفرد.

«مرکز تدوین»

۲. نگاه کن: الزرکلی. خیر الدین - الأعلام - ج ۲، ص ۹۰ - ۹۱. «مرکز تدوین»

ارسطو^۱ در منطق است.^۲

بسیاری از عملیه‌های کیمیاوی از قبیل: «تقطیر»، «تصعید»، «تکلیس» و غیره در عهد جابر کشف شده بود. تیزاب، گوگرد، آزوت^۳ سودا و زغال‌های معدنی در آن عصر کشف شده و ساخته می‌شد، نیوتن و «گاليله» از آثار «ابن حیان» و دیگر علمای اسلامی استفاده شایانی کرده‌اند.»

لویجی رینالدی [دانشمند ایتالیایی] می‌نویسد: «مسلمین برای اولین بار در «صقلیه» و «اندلس» کاغذ را اختراع کردند و از آنجا به اروپا سرایت کرد.»

مؤلف الشذور را -که یک‌تن از کیمیادانان اسلامی است- می‌توان کاشف اتم «الکترون»، «پروتون» و «نیترون» دانست و همچنان اساسات راکت به دست او نهاده شده است.

در بيطری^۴ و علوم حیوانی:

۱. ارسطو: در اُستاغیرا از شهرهای مقدونیه به دنیا آمد. در هفده سالگی به آتن رفت و در اکادمی افلاتون به شاگردی پذیرفته شد و بیست سال تمام، یعنی تا زمان درگذشت افلاتون در اکادمی ماند. پس از مرگ افلاتون، مدتی به سفر رفت و چند سالی معلم «اسکندر مقدونی» شد و از همین‌روست که به او «معلم اول» لقب داده‌اند. او در سال ۳۳۵ به آتن باز گشت و آموزشگاه دایر کرد. پس از آنکه آتنی‌ها برضد بیگانگان شورش کردند. ارسطو به شهر کالکیس گریخت و در آن‌جا در ۶۲ سالگی درگذشت. او در شکل‌گیری دانش بشری سهم عمده‌ای داشت و در طبقه‌بندی دانش‌های زمان خود، حتی بر استاد خود افلاتون پیشی گرفت؛ تا آنجا که قرن‌های متمادی مرحله نهایی مسایل علمی و فکری محسوب می‌شد. روش فلسفی ارسطو به روش «مشاء» معروف است؛ زیرا شاگردان او به هنگام درس خواندن قدم می‌زدند و راه می‌رفتند. نگاه: تاریخ اروپا از آغاز تا پایان قرن بیستم، ص: ۶۰. «مرکز تدوین»

۲. مارسیلان برتیلو، کیمیادان فرانسوی، این سخن را در کتابی از ایشان که معرب آن «کیمیاء القرون الوسطی» است، گفته است. نگاه کن: الزرکلی. خیر الدین - الأعلام - ج ۲، ص ۹۰ - ۹۱.

۳. جوهر شوره، اسید آرتیک، اسید آزوتیک، جوهر شوره. نگاه: دهخدا. «مرکز تدوین»

۴. بيطری، یعنی دام‌پزشکی. «مرکز تدوین»

هیچ کسی نیست که از علوم و تجارب مسلمین در این ناحیه انکار کند. «القاح مصنوعی»، تحسین نسل حیوانات در نزد ایشان معمول بود.

کتاب «الحیوان»^۱ جاحظ از نگاه دقت مفاهیم و سهولت الفاظ اهمیت خاصی دارد. جاحظ در فهم اسرار حیوانی تجارب دقیقی را اجرا می‌کرد، شکم حیوانات ماده را پاره‌پاره کرده، دقیق می‌شد که چوچه حیوان در کجا قرار دارد و حیوانات مختلف را یکجا کرده و حرکات و عکس‌العمل‌های ایشان را با یکدیگر مطالعه می‌کرد.

در علم زراعت:

مسلمین در علم زراعت دست‌توانایی داشتند. ایشان سیر زراعت را تعویض کرده و برای تحسین جنسیت نباتات نو، کاوش‌های قیمت‌داری کرده‌اند. بوته‌ها، گیاه‌ها، تخم‌های درختان و میوه‌های مختلف را تحت مطالعه قراردادند و درباره خواص و انواع آن معلومات زیادی از خود به یادگار گذاشته‌اند. نباتات «ذات المسکنین» را کشف کرده و طریق ازدیاد آن‌ها را عالمانه بیان کرده‌اند. گیاه‌شناسان مسلمان می‌کوشیدند تا در بعضی از نباتات خواص عقاقیر را ایجاد کنند.

۱. این کتاب یکی از آثار مشهور و بزرگ جاحظ است که می‌توان آن را دایرة‌المعارفی نه‌تنها مشتمل بر جانورشناسی که گنجینه‌ای بزرگ در زمینه «ادب» به شمار آورد. جاحظ کتاب الحیوان را در ۷ مجلد نگاشت و آن را پیش از ۲۳۳ ق/ ۸۴۸ م به معتمد بن عبدالملک زیّات، وزیر معتصم و الوائق اهدا کرد. از این رو می‌توان گفت: این اثر در زمره آخرین تألیفات جاحظ به شمار می‌رود. جاحظ در کتاب الحیوان تنها درباره حیوانات سخن نمی‌گوید و در بسیاری موارد برخلاف انتظار به برخی از دانش‌ها چون: متافیزیک، جامعه‌شناسی، تیوری‌های روان‌شناسی، سیر تکاملی گونه‌ها و تأثیرات آب‌وهوا بر حیوانات نیز می‌پردازد. جهت آگاهی بیشتر رجوع شود: بستانی، فواد افرام، «الجاحظ، کتاب الحیوان»، الروائع، بیروت، ۱۹۵۵-۱۹۵۷ م و حاجری، طه، «تخریج نصوص ارسطو طالیة فی کتاب الحیوان»، مجلة كلية الآداب، اسکندریه، ۱۹۵۱-۱۹۵۴ م، ج ۶. «مرکز تدوین»

مایرهوف می گوید: کتاب «الجامع لمفردات الأدوية والأغذية» ابن البیطار^۱ بزرگترین کتاب در علم نباتات به شمار می رود. این کتاب به لاتینی، آلمانی، فرانسوی و دیگر زبانها ترجمه شده است.

در طبابت:

دانشمندان و فلاسفه اسلامی قهرمانان میدان طبابت گفته می شوند، نویسندگان و محققین اروپا به این حقیقت معترف اند. گوستاولبون می نویسد: بیشتر از پنج قرن در پوهنتونهای اروپا آثار و کتب مسلمین، یگانه مرجع درسی شناخته می شد و آثار ایشان در طبابت تا هشت قرن بیشتر به حیث کتب مهم درسی خوانده می شد؛

در پوهنتون مونپلیه،^۲ تا قرن گذشته هم، آرای ابن سینا در طب بزرگترین مصدر طبی گفته می شد؛
پوهنتون پرینستون^۳ در امریکا جناح بزرگی را به آثار ابی بکر

۱. ابن بيطار: ابو محمد عبدالله بن احمد، ضياء الدين بن بيطار. از مردم مآلقه اندلس . حشاش و گیاه شناس معروف . نزد چند تن حشایشی و نباتی مشهور وبالخاصه ابو العباس اشبیلی مقدمات این علم را فراگرفت و به بیست سالگی در تجسس ادویه مفرد به شمال افریقه و از جمله مصر سفر کرد. و ملک کامل ایوبی او را به خدمت خویش گزید و پس از او به خدمت فرزند ملک کامل، ملک صالح ایوبی پیوست و آسیای صغری و شامها را برای فحص انواع مفردات به پای طلب بیمود و به سال ۶۴۴ هـ.ق. به دمشق درگذشت . او را در این فن دو کتاب است؛ یکی کتاب المغنی و دیگری کتاب الجامع. و کتاب الجامع در سعة فوائد و دقت بی نظیر است و بر کتاب دوم قانون بوعلی و ادویه مفرد سرافیون رجحان دارد. از این کتاب ترجمه ناقصی به لاتینی و ترجمه ای به آلمانی هست و لکلرک نیز آن را به فرانسه نقل کرده است و او گوید این کتاب در دوره احیاء علم و تجدد بسیاری از اختلافات علمای اروپا را در تطبیق لغات یونانی و عربی حل کرده است. نگاه: لغتنامه دهخدا. «مرکز تدوین»

۲. دانشگاه مونپلیه (به فرانسوی: Université de Montpellier): یکی از دانشگاههای کشور فرانسه در شهر مونپلیه بود. این دانشگاه از سال ۶۶۸ (۱۲۸۹ میلادی) تا سال ۱۳۴۹ (۱۹۷۰ میلادی) فعالیت می کرد. «مرکز تدوین»

۳. دانشگاه پرینستون، به انگلیسی: Princeton University) دانشگاهی خصوصی

رازی تخصص داده است.

ابوبکر رازی، به اجماع دانشمندان، نخستین واضع طب تجربی است.

این دانشمند سیماب را به میمون‌ها می‌خورانید و بدین وسیله تأثیر ادویه را در حیوانات مطالعه می‌کرد و همه عکس‌العمل‌هایی را که از این تجارب می‌گرفت ثبت می‌کرد. همین‌که مریض را مداوی می‌کرد، اولاً از وی شکایتش را می‌پرسید و به تفصیل از احوال حال و گذشته و تأثیرات ارثی و غیره جزئیات حیاتی‌اش جست‌وجو می‌کرد و همه را می‌نوشت. «سنگ مثانه»، «مرض جلدی» و معالجات روحی را کشف کرد.

«ابن الخطیب» طبیب و فیلسوف اندلس پیش از اینکه میکروب کشف شود، به سرایت امراض معتقد بود. او می‌گفت: کسی که لباس مریض را می‌پوشد و یا با او مخالطت می‌کند، مریض می‌شود.

دانشمندان طبی امروزین امریکا معتقدند که ابن‌سینای بلخی،^۱ نخستین کسی است که میکروب را کشف کرده است. این دانشمند گرامی مشرق در کتاب خویش «قانون» و دیگر آثار گران‌بهایش که به نظم و یا نثر نوشته شده است، امراض متعددی

در شهر پرینستون واقع در ایالت نیوجرسی، ایالات متحده امریکا است. این دانشگاه چهارمین دانشگاه قدیمی در ایالات متحده آمریکا و از بهترین و پرافتخارترین دانشگاه‌های جهان است. پرینستون را می‌توان خانه استادان بزرگ فیزیک و ریاضی هم‌چون آلبرت اینشتین دانست. پرینستون دوره‌های کارشناسی و دکتری در رشته‌های علوم طبیعی، علوم انسانی، علوم اجتماعی و مهندسی را نیز ارائه می‌کند.

۱. ابوعلی حسین بن عبدالله بن سینا؛ مشهور به ابوعلی سینا و ابن سینا و پورسینا، در سال ۳۵۹ خورشیدی در بخارا زاده شده و در سال ۴۱۶ خورشیدی چشم از جهان فرو بست. این اندیشمند بزرگ مسلمان در عرصه‌های گوناگون نگاشته است؛ اما نبشته‌های او در عرصه پزشکی و فلسفه مشهور است. در حدود ۴۵۰ عنوان کتاب نگاشته که القانون فی الطب و شفا، از مشهورترین آثار اوست. نگاه: فتح‌الله مجتبابی، دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، ج: ۴، مقاله ۱۳۵۶. «مرکز تدوین».

را شرح و طرز علاج آن را بیان کرده و ادویه و علاج‌هایی را نشان داده‌است که جهان طبابت تا هنوز به عملی ساختن آن موفق نشده‌است.

او و دیگر اطبای اسلامی، در تشریح جسم انسانی معلومات گران‌مایه‌ای به یادگار گذاشته‌اند.

ژول لابوم فرانسوی می‌نویسد: در قرن دهم در پوهنتون صقلیه اطبای مسلمین به تشریح اجساد می‌پرداختند.

ابن النفیس دمشقی، دوران خون را کشف کرد؛ مگر هارنی انگلیسی آن را به خود نسبت داد، مایرهوف و دکتور لیون بنیه رئیس حالیه پوهنخۑ^۱ طب پاریس مؤید این حقیقت‌اند.

صاحب «عیون الأنباء فی طبقات الأطباء» سه صد نفر از اطبای حاذقی را نام می‌برد که مؤرخین کم‌تر از آن‌ها یاد کرده‌اند. هومبولت فیلسوف آلمانی^۲ گفته‌است: «مسلمین اختراعات عجیبی در طب نموده‌اند. علم دواسازی کیمیاوی به دست ایشان پی‌ریزی شده‌است. اکثر اسماء و اصطلاحات طبی را که ایشان وضع کرده بودند تا هنوز در عموم زبان‌های زنده جهان به‌عین همان الفاظ استعمال می‌شود، از قبیل کافور، قُطن، غول و غیره. خلاصه اینکه، مسلمین در تمدن جهان، نقش بارز و رول مهمی دارند و به گفته سیدیو:

ایشان پیشوایان و رهبران جهان در تمام نواحی علوم و معارف‌اند.

باری اگرچندی عالم اسلام به رکودی مواجه شد و دیگران

۱. دانشکده. «مرکز تدوین»

۲. فریدریش ویلهلم کریستین کارل فردیناند فون هومبولت، زبان‌شناس، دیپلمات و فیلسوف آلمانی و بنیان‌گذار دانشگاه هومبولت بود که ۸ اپریل ۱۸۳۵، چشم از جهان فرو بست. برای آگاهی بیشتر نگاه کن: ایؤن شِرت، فلسفه علوم اجتماعی قاره‌ای، ترجمه هادی جلیلی، تهران: نشر نی، ۱۳۸۷، صص ۹۵-۱۰۰. «مرکز تدوین»

سبقت جستند، جای یأس و ناامیدی نیست، چه به گفته قرآن کریم:

﴿وَتِلْكَ الْآيَاتُ نُذَوِلُّهَا بَيْنَ النَّاسِ...﴾^۱

هر توده‌ای مد و جزری دارد و زود است که باز عالم اسلام با تعالیم سرمدی خویش، یگانه پیش‌آهنگ جهان بشری شود.^۲

۱. آل عمران/ ۱۴۰. (این روزها [ی شکست و پیروزی] را میان مردم به نوبت می‌گردانیم.) «مرکز تدوین»

۲. برای آگاهی بیشتر در پیوند به محتوای این نوشته، می‌توان به این کتاب برگشت: جهود العلماء المسلمين في تقدم الحضارة الإنسانية، اثر خالد بن سلیمان الخویطر. «مرکز تدوین»

مقالهٔ سوّم
آشنایی با عالم اسلامی



فلسطين در چنگال عصيانگر صهيونيزم

شرعيات؛ (۳-۴) ۱۳۴۹ هـ ش



فلسطین^۱ در طول تاریخ شاهد تصادمات بزرگ و برخوردهای خونینی میان باشندگان اصلی این سرزمین و نیروهای متجاوز صهیونیستی بوده و هم‌اکنون صحنه‌های غم‌انگیز و حوادث تأثرآور آن ضمیر انسانی را به شدت جریحه‌دار می‌سازد.

این سرزمین، از گرامی‌ترین قطعات جهان اسلام و بلاد مسلمانان است. در آنجا بیت‌المقدس؛ نخستین قبله مسلمانان، مسجد الاقصی و محیط یادگارهای جاوید معراج پیامبر بزرگ اسلام، محمد Y قرار دارد.

این منطقه عنوان قلب عالم اسلامی را دارد که مشرق جهان اسلام را با مغرب آن اتصال می‌بخشد.

این سرزمین از هزار و چهارصد سال پیش به این طرف در تحت اداره مسلمانان و در حدود تقریباً سه هزار و پنج صد سال بیشتر از این، در دست قبایل عربی قرار داشت؛ اما در اثر یک توطئه شوم استعماری بیست و سه سال قبل، درست در سال ۱۹۴۷ م، بعد از جنگ جهانی دوم، یک قسمت بزرگی

۱. فلسطین: فلسطین؛ بخشی از بلاد شام است که در ساحل شرقی دریای مدیترانه و در تقاطع سه قاره بزرگ آسیا، اروپا و آفریقا موقعیت دارد. مساحت آن ۶۲۶۳ کیلومتر مربع و جمعیت آن در سال ۲۰۱۰ م، حدود ۴۳۴۲۰۰۰ نفر تخمین شده است. زبان رسمی آن عربی، پایتخت آن قدس است. بیت المقدس؛ نخستین قبله مسلمانان و اسراگاه رسول اکرم نیز در آن موقعیت دارد. نگاه: لغت‌نامه دهخدا و اطلس جامع گیئاشناسی، ص: ۱۰۶. «مرکز تدوین»

از این سرزمین، در چنگال پلید صهیونیزم^۱ درآمده و بعد از آن تاریخ منطقه خاور میانه شاهد صحنه‌های خونین و کشتارهای غم‌انگیزی شد که تا هنوز دامنه آن قطع نشده است.

آری، ملاحظه می‌شود هزاران نفر از فرزندان مسلمان عرب به دست عصیانگر این گروه گمراه و بدکنش، آواره و در به در شده و از خانه و دیار، کشتزارها و مزارع سرسبز خویش که از قرن‌ها در دامن آن‌ها به سر می‌بردند، بیرون رانده شده و به حال فلاکت و در به دری در میان خیمه‌های غم‌انگیز و مغاره‌های تاریک، به حال الم‌انگیز به سر می‌برند و روزی نیست که بم‌های آتش افروز و مرمی‌های تبه‌گن، روستاها و شهرستان‌های بی دفاع را مورد هدف قرار ندهد و یک تعداد نوباوگان معصوم، پیرمردان و پیره‌زنان و جوانان را در خاک و خون آغشته نسازد!

این مردم سر از بامدادان ظهور اسلام، علیه اسلام و مسلمانان تخم عداوت و نفاق را به دل می‌پروراند.

آری، در آن عهد فرخنده‌ای که رسول اکرم ﷺ اساس دولت نو تأسیس را گذاشت، از اهل کتاب دعوت کرد؛ تا با مسلمانان در یک فضای باصفای صلح و همزیستی، به گونه مسالمت‌آمیز زندگی کنند و نقاط مشترک، هدف‌ها و مبادی عمومی، میان مسلمانان و آنان برای‌شان خاطر نشان شد:

۱. صهیونیسم: صهیونیسم؛ یک حرکت سیاسی، مذهبی متعصب و افراطی بوده، هدفش برپا کردن دولت یهود در فلسطین می‌باشد که توسط آن بالای تمام جهان فرمانروایی کند. این اسم را از کوه صهیون گرفته‌اند؛ کوهی که در قدس واقع است و می‌خواهند بالای آن هیکل سلیمان - علیه السلام - را درست کنند و دولتی برپا کنند، قدس پایتخت آن باشد. این حرکت به شخص اتریشی «هرتزل» یهودی مرتبط است. شخصی که داعی اول به طرف فکر صهیونی شمرده شده، حرکت صهیونیسم در تمام جهان بر آرا و افکار وی بنا نهاده شده است. گروه‌های تندرو و متعصب یهودیان صهیونیست، خواهان به وجود آوردن یک کشور یهودی از راه قهر و سلطه نظامی اند که به اصطلاح از «نیل تا فرات» ادامه داشته باشد. نگاه: دانشنامه سیاسی ص ۲۲۷، فرهنگ سیاسی آرش، ص ۳۷۸-۳۷۹. «مرکز تدوین»

﴿قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُولُوا اشْهَدُوا بِأَنَّا مُسْلِمُونَ﴾^۱

(بگو ای اهل کتاب: بیاید بر سر سخنی که میان ما و شما یکسان است، بایستیم که جز خدا را نپرستیم و چیزی را شریک او نگردانیم و بعضی از ما بعض دیگری را به جای خدا، به خدایی نگیرد، پس اگر [از این پیشنهاد] اعراض کردند، بگوئید: شاهد باشید که ما مسلمانیم [نه شما].)

یهودان در برابر این دعوت صلح و آشتی چه کردند؟ دست به تخریب زدند، در ظاهر به پیامبر اسلام و مسلمانان پیمان عدم تعرض امضا کردند؛ مگر در خفا برای از بین بردن نهضت اسلام و در نطفه خنثی ساختن دعوت اسلامی، به حیلها و دسایس مختلفی دست زدند و برای برهم زدن وحدت و هماهنگی مسلمانان تلاش های مذبوحانه ای کردند؛

«شأس بن قیس» خواست دشمنی های قدیمی «اوس و خَزْرج»^۲ را با خواندن اشعار عهد جاهلیت در میان جمعیت های مسلمانان تازه کند؛ اما دسیسه اش را خداوند \ تو سَط پیامبر اسلام Y فاش ساخت؛

برای قتل حضرت پیغمبر Y چندین بار توطیه چیدند؛ مگر ناکام شدند، به مال و ناموس مسلمانان تعرض کردند، در مواقع

۱. آل عمران / ۶۴.

۲. اوس و خَزْرج؛ دو تیره مهم از اعراب یمانی اند که از مدّت ها پیش از اسلام در شهر یرب (مدینه) ساکن شدند. بیشتر نسب نگاران و مؤرخان سده های نخستین هجری به سلسله نسب این دو تیره از طریق «بنو مازن بن ازد» اشاره کرده اند. با هجرت پیامبر اکرم Y به یرب، اوس و خَزْرج اسلام آوردند و «انصار» عنوان یافتند و خود بدان افتخار می کردند. نگاه: زندگانی پیامبر اسلام حضرت محمد بن عبدالله Y، ص: ۷۰۲ - ۷۰۴. «مرکز تدوین»

حساس، مانند بعد از جنگ اُحد^۱ و در وقت جنگ خندق^۲ علیه مسلمانان قیام کردند و از داخل مدینه به جنگ پرداختند و مکرراً عهد و پیمان خویش را نقض کردند و هر قدر که رسول اکرم Y به آنان توصیه و نصیحت کرد، از تخریب دست نبرداشتند و بالاخره رسول اکرم Y مجبور شد گریبان جامعه نو تشکیل اسلام را از تهدید خطرات، از تهدید تباه کن این گروه، نجات و پاداش غدر و خیانت مکرر را برای شان بدهد.

با این همه غدر و خیانت، باز هم یهودان در بلاد اسلامی جز در آن حال که خطر تعرض از طرف آنان زیاد می شد، در حالات دیگر با کمال آرامی زندگی می کردند و کرامت انسانی آنان احترام و مانند سایرین اسباب رفاه و آرامی شان از طرف دولت اسلامی فراهم می شد.

در عهد خلافت، خلیفه دوم فاروق اعظم ~ ۳ پیرمرد

۱. این غزوه در روز شنبه پانزدهم شوال سال سوم هجرت به وقوع پیوست. در این غزوه دندان و رخسار مبارک رسول گرامی اسلام Y مجروح و خون آلود گردید و به تعداد هفتاد نفر از مسلمانان به شهادت رسیدند که در آن میان حضرت حمزه کاکای پیامبر اکرم Y نیز شامل بود. در مقابل از کفار حدود ۲۳ نفر کشته شدند. نگاه: سیرت النبی (درس ها و اندرزها)، ص: ۵۵-۶۰ و تاریخ سیاسی اسلام، ص: ۱۲۰. «مرکز تدوین»

۲. غزوه خندق: جنگی است در ماه شوال، سال پنجم هجری به وقوع پیوسته است. سبب آن این بود: بعد از آنکه «بنی نضیر» کوچانده شد، تنی چند از رهبران شان به مکه آمده و قریش را به نبرد با پیامبر خدا، تشویق کردند و سپس آنان به قبیله غطفان رفتند، عشایر بنو قرقاره، بنو مره و اشجع نیز حرف شان را قبول کردند و سوی مدینه رهسپار شدند، وقتی که رسول الله Y از تصمیم دشمنان اطلاع حاصل کرد، به مشوره پرداخت. حضرت سلمان فارسی مشورت داد تا در اطراف مدینه خندق حفر کنند و رسول الله Y به حفر خندق دستور داد و خود نیز در حفر خندق سهم گرفت؛ از همین سبب این غزوه به نام غزوه خندق مشهور شد. تعداد کفار به ده هزار نفر و مسلمانان به هزار تن می رسید. تمام گروه های مشرکین شرکت کرده بودند. سرانجام مشرکان شکست خوردند و مسلمانان پیروز شدند. در مورد این غزوه آیاتی نیز آمده است. نگاه: سیرت نبوی (درس ها و اندرزها) اثر دکتر مصطفی سباعی، مترجم: فضل الرحمن فاضل، ص: ۶۴-۶۵. «مرکز تدوین»

۳. خلیفه دوم فاروق اعظم - رضی الله عنه - دومین فرزند مکتب دوران ساز و

یهودی را دید که به درِ خانه‌ای ایستاده و گدایی می‌کند، خلیفه بزرگ اسلام از او پرسید: چرا این کار را می‌کنی؟
یهودی گفت: جزیه و احتیاج و پیری من را وادار به این کار ساخته است.

خلیفه دست وی را گرفته، به منزل خود برد و برایش چیزی داد تا مدتی برای او کافی باشد و سپس به نزد خادم بیت المال فرستاد که به این پیرمرد و امثال او نظر کنی! به خدا انصاف نیست که ما در ایام جوانی وی از او استفاده کنیم؛ اما به هنگام پیری و زمین‌گیری، او را فراموش کنیم. صدقات، مال فقرا، مساکین، بیچارگان و درمانده‌هاست و این هم درمانده‌ای از اهل کتاب است و سپس جزیه را از وی و امثال وی برداشت.^۱

این بود نمونه‌ای از معاملهٔ مسلمانان با رعایای یهودی که در سرزمین‌های اسلامی که به سر می‌بردند؛ مگر چون یهودان بر فلسطین از راه توطیه‌های شوم استعماری مسلط شدند، تنها در «دیر یاسین» دو صد و پنجاه نفر را با زنان و اطفال و مردان سالخورده ذبح کرده و جسد همه را در چاه انداختند و منطقهٔ ناصرالدین را با همهٔ باشندگان آن طعمهٔ حریق ساختند.

و در اندلس تا زمانی که حکمروایی مسلمانان در آنجا ادامه

حیات آفرین اسلام، از بزرگ‌ترین مردان تاریخ بشریت است. اعمال و کارنامه‌های او - که زیب اوراق زرین تاریخ پرشکوه اسلام است - مایهٔ بزرگ‌ترین افتخار جامعهٔ اسلامی و بلکه جهان انسانیت می‌باشد. برای معلومات بیشتر از شخصیت او می‌توان این‌ها را دید: محمد نخستین مربی و آموزگار بشریت، برهان الدین ربانی، سیمای صادق فاروق اعظم عمر بن الخطاب، از حاج ملا عبدالله احمدیان، خلفای راشدین از خلافت تا شهادت از صلاح عبدالفتاح الخالدی و عبقریهٔ عمر از عباس محمود العقاد و عمر بن الخطاب البطل والرجل والمثل از مفکر مشهور عیسوی، دکتور نظمی لوقا. «مرکز تدوین»

۱. متن سخن حضرت عمر این است: «کلفتّموه الجزیه حتی إذا ضعف ترکتموه یستطعم؟» راوی می‌گوید: «فأجری علیه من بیت المال عشرة دراهم وکان له عیال.» نگاه: کنز العمال - المتقی الهندی - ج ۴ - الصفحة ۵۰۲. «مرکز تدوین»

داشت، همه یهودیان مانند سایر مسلمانان به زیر پرچم عدالت اسلامی زندگی می کردند و لحظه ای که حکومت اسلامی از آنجا سقوط کرد و نوبت فردیناند و ایزابیل رسید، همگی آنان از اسپانیا طرد شدند.

یهود طوری که قبلاً اشاره شد بر اساس دسایس پلید استعماری در فلسطین جاگزین شده و تشکیل دولت قوی خود را در آن مکان، روی یک سلسله استدلال های بی پایه استوار کرده است.

مثلاً: گمان می کنند که یهود ملت برگزیده خداست، و خداوند - جل جلاله - برای آنان وعده داده که برای شان در فلسطین اقامت دایمی می بخشد، و عقیده دارند که آنان در فلسطین حق تاریخی دارند.

بر مبنای این سه گمان باطل، تشکیل دولت خود را در فلسطین، قانونی و موافق خواسته الهی می دانند؛ درحالی که متون دینی آساند و وثایق تاریخی، بر همه این مزاعم باطل و بی اساس آنان، خط بطلان می کشد؛

آری، همه کتب آسمانی، این گروه را به علت نافرمانی و عصیان های متعدد و مکرری که مرتکب شده اند، شدیداً محکوم می سازد.

در اسفار قدیم، ملت یهودی و اعمال زشت آنان به شدت تقیح شده است؛ چنانکه این مطلب در سفر ارمیا، حزقیال و سفر عاموس به تفصیل آمده است.

در یکی از نصوص سفر «حزقیال» آمده است: «خدا به من گفت: ای فرزند آدم! من تو را به سوی بنی اسرائیل می فرستم، به سوی ملتی که متمرّد و عصیانگر است، حتی از من تمرد و سرکشی کرده اند، آن ها و پدران شان تا همین روز از فرمان عصیان

کرده‌اند.»^۱

قرآن در مواضع متعددی یهودان را یک گروه عصیانگر و نافرمان و پیمان‌شکن و تجاوزکارِ مغرور و خودبین معرفی نموده و بدین‌وسیله جامعه اسلامی را از خطرات تباه‌کن این مردم برحذر می‌دارد.

قرآن این گروه را مردمی می‌داند که در سیر تاریخ، پیوسته آنان علیه همه فضایل انسانی قیام کرده و از تربیت و رشد سالم اخلاقی کم‌بهره بوده‌اند.

آری، همین مردم بودند که برای یک‌زمانی دعوت انبیاء را در راه یکتاپرستی لبیک گفته و پیام بشردوستی و خیراندیشی آنان را به زبان اجابت کرده و در مورد قبول دساتیر آسمانی عهد و ااثق می‌دادند و تعهد می‌کردند که بر جان یکدیگر متازند و خون یکدیگر مریزند؛ اما دیری نمی‌گذشت که با کمال بی‌حیایی و دیده‌درایی پیمان‌ها را درهم می‌شکستند و از راه یکتاپرستی انحراف و از اخلاق عالیّه به فرسخ‌ها دور می‌شدند و دست به خون‌همدیگر آلوده می‌کردند و مردم را از خانه و دیارشان بیرون می‌کشیدند.

در قرآن کریم پیمان‌شکنی‌های یهود، چنین شرح شده‌است: «و چون از فرزندان اسرائیل پیمان محکم گرفتیم که جز خدا را نپرستید و به پدر و مادر و خویشان و یتیمان و مستمندان احسان کنید و با مردم [به زبان] خوش‌سخن بگویید و نماز را به پادارید و زکات را بدهید، آنگاه جز اندکی از شما [همگی] به حالت اعراض روی برتافتید* و چون از شما پیمان محکم گرفتیم که خون‌همدیگر را مریزید و یکدیگر را از سرزمین خود

۱. متن عربی آن این است: «وَقَالَ لِي: ﴿يَا ابْنَ آدَمَ، أَنَا مُرْسَلُكَ إِلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ، إِلَى أُمَّةٍ مُّتَمَرِّدَةٍ قَدْ تَمَرَّدَتْ عَلَيَّ. هُمْ وَأَبَاؤُهُمْ عَصَوْا عَلَيَّ إِلَى ذَاتِ هَذَا الْيَوْمِ﴾ سفر حزقیال (۲-۳). «مرکز تدوین»

بیرون نکنید، سپس [به این پیمان] اقرار کردید و خود گواهید * [ولی] باز همین شماست که یکدیگر را می کشید و گروهی از خودتان را از دیارشان بیرون می رانید و به گناه و تجاوز بر ضد آنان به یکدیگر کمک می کنید و اگر به اسارت پیش شما آیند، با [دادن] فدیة آنان را آزاد می کنید؛ با آنکه [نه تنها کشتن؛ بلکه] بیرون کردن آنان بر شما حرام شده است. آیا شما به پاره ای از کتاب [تورات] ایمان می آورید و به پاره ای کفر می ورزید، پس جزای هرکسی از شما که چنین کند، جز خواری در زندگی دنیا چیزی نخواهد بود و روز رستاخیز ایشان را به سخت ترین عذاب ها باز برند و خداوند از آنچه می کنید غافل نیست.»^۱

به علتّ روش فاسد و اخلاق زشت آنان است که در دوره های مختلف تاریخ، از هر جا، رانده شده و هر ملت و گروهی خواسته است با طرد آنان خود را از این سرطان خبیث نجات بخشد و تنها حکومت های اسلامی با الهام از اندیشه های عالی اسلامی گزندی به آنان نرسانیده؛ اما دیگران حق حیات و شخصیت مستقل را به آنان نبخشیده اند.

شرح ذیل، طرد شده یهود را در ممالک مختلف جهان توضیح می کند:

- از انگلستان در ۱۲۹۵ میلادی، یهودان طرد شده و اموال و دارایی شان مصادره گردیده و بعد از این اخراج، چهار قرن بعدتر،

۱. گزارة های فوق ترجمه معانی آیات ۸۳، ۸۴ و ۸۵ سورة مبارکه بقره است: ﴿وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَءِيلَ لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ ثُمَّ تَوَلَّيْتُمْ إِلَّا قَلِيلًا مِّنْكُمْ وَأَنتُمْ مُّعْرِضُونَ﴾ * وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَكُمْ لَا تَسْفِكُونَ دِمَاءَكُمْ وَلَا تُخْرَجُونَ أَنفُسَكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ ثُمَّ أَقْرَرْتُمْ وَأَنتُمْ تَسْهَدُونَ﴾ * ثُمَّ أَنتُمْ هَؤُلَاءِ تَقْتُلُونَ أَنفُسَكُمْ وَتُخْرَجُونَ مِنْ دِيَارِكُمْ مِنْ دِيَارِهِمْ تَظَاهَرُونَ عَلَيْهِم بِالْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَإِنْ يَأْتُوكُمْ أُسَارَىٰ تُفَادُوهُمْ وَهُمْ مُحَرَّمٌ عَلَيْكُمْ إِخْرَاجُهُمْ أَفَتُؤْمِنُونَ بِبَعْضِ الْكِتَابِ وَتَكْفُرُونَ بِبَعْضٍ فَمَا جَزَاءُ مَنْ يَفْعَلُ ذَلِكَ مِنْكُمْ إِلَّا خِزْيٌ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ يُرَدُّونَ إِلَىٰ أَشَدِّ الْعَذَابِ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ﴾ «مرکز تدوین»

یعنی در ۱۶۵۵ اجازه عودت به آنان داده شد؛

- از فرانسه چهار مرتبه تبعید شده‌اند:

الف) در سال ۱۱۸۲ م؛

ب) در سال ۱۳۰۶ م؛

ج) در سال ۱۳۹۴ م؛

د) در سال ۱۶۸۲ م.

- از مجارستان دو مرتبه که یکبار در سال ۱۳۶۰ م و دیگر بار

در سال ۱۵۸۲ م؛

- از بلجیم در سال ۱۳۷۰ م؛

- از چکسلواکی دو مرتبه طرد شده‌اند که در سال‌های ۱۳۸۰ و

۱۷۴۴ م بوده است؛

- از استرالیا در سال ۱۴۳۰ م؛

- از هلند ۱۴۴۴ م؛

- از لیتوانیا ۱۴۹۵ م؛

- از پرتغال در سال ۱۴۹۸ م؛

- از ایتالیا در سال ۱۵۴۰ م؛

- از روسیه در سال ۱۵۱۰ م؛

و از اسپانیا بعد از سقوط حکومت اسلامی در آن سامان

رانده شدند و تعدادشان که به دو صد هزار می‌رسید، بعد از طرد

به سرزمین‌های اسلامی؛ چون مصر و ترکیه و بعضی ممالک

دیگر پناه آوردند و تا قبل از سال ۱۷۰۰ م، یهود حق داخل شدن

به دنمارک و تا سال ۱۷۸۲ م، به سویدن و تا ۱۸۱۴ به ناروی را

نداشت.

باملاحظه مطالب فوق، دلیل نخستین آن‌ها که یهود ملت

برگزیده خداست، از هم می‌پاشد، چه مردمی که در کتب

آسمانی تقبیح و از طرف مردم اهانت شوند، هرگز حق چنان

ادّعی بلند بالایی را نخواهد داشت.

شاید چنین توهمی پیش آید که در قرآن عظیم الشان در مورد یهود گفته شد:

﴿يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ اذْكُرُوا نِعْمَتِيَ الَّتِي أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ وَأَنِّي فَضَّلْتُكُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ﴾^۱

از این آیت برمی آید که بنی اسرائیل نسبت به ملت های دیگر امتیاز و برگزیدگی دارند.

برای رفع این اشتباه باید گفت که این مطلب در مقام امتنان و بیان نعمت گذشته، گفته شده، یعنی به آنان خاطرنشان شده که شما مردم طایفه عصیانگر و گمراهی بودید، خداوند بر شما چه لطفی نبود که نکرد؟! پیامبران را در میان شما فرستاد، کتاب های آسمانی را بر شما نازل کرد و با این نعمت های فراوان از دیگر مردمی که در عصر شما بودند، برتری داشتید؛ مگر شما جزئی ترین شکرانی نکرده، پیامبران را تکذیب و کتب آسمانی را تحریف و به جان همدیگر افتادید و از فرمان الهی عصیان کردید، پس شما لایق این اکرام الهی نبودید؛ لذا بر شما غضب الهی نازل گردید و مذلّت و خواری ابدی نصیب تان شد و این همه جزای اعمال بد خود شماست.

دعوای حق الهی شان نیز بی اساس است؛ چه اصلاً کتاب اصلی یهود وجود ندارد؛ تورات توسط آنان تحریف شده و حتّی اگر چنین نصی بوده باشد که اولاد یعقوب در فلسطین حق تشکیل دولت و اقامت در آن را دارند، پس این نص مخصوص به یهودان نیست؛ چه عرب که از اولاد اسماعیل است به حکم این نص نیز چنین حقی را پیدا می کنند و دعوای اختصاص برای

۱. بقره / ۴۷. (ای فرزندان اسرائیل! از نعمت هایم که بر شما ارزانی داشتم و [از] اینکه من شما را بر جهانیان برتری دادم، یاد کنید.) «مرکز تدوین»

یهودان از بین می‌رود.

و دعوی حق تاریخی هم، به حکم اسناد و وثایق تاریخی نیز بی‌اساس است؛ چه به شهادت تاریخ عرب‌ها در حدود پنج هزار سال پیش در آنجا زندگی و تسلط داشتند؛ درحالی‌که دوره حکومت بنی‌اسرائیل از هفتادسال که شامل دوره حکومت داود و سلیمان بود تجاوز نمی‌کند.

تشکیل دولت پوشالی اسرائیل علاوه بر آنچه گفته شد، به علل زیادی نیز با قوانین و رسوم بین‌المللی سرسازش ندارد؛ ازجمله:

۱- نخست اینکه حدود آن بر اصول معروف بین‌المللی به میان نیامده و به‌جای اینکه حدود طبیعی داشته باشد، قریه‌ها و شهرستان‌ها را دو قسمت کرده و برای خود سرحد ساخته است؛

۲- روی اقتصاد طفیلی زندگی می‌کند و منابع ثابت و طبیعی در اختیار ندارد و این عامل، عمر آن را کوتاه می‌سازد؛

۳- در میان همسایگانی به سر می‌برد که وجود آن را در سرحد خویش، چون دانه سرطان تلقی می‌کنند که در انتظار جراحی عاجل آن می‌باشند؛

۴- متصل حدود، اصحاب وطن که به حالت آواره و در به در زندگی می‌کنند، چشم‌به‌راه‌اند که در چه فرصتی به شهر و دیار خویش عودت کنند و بدین حیات شرم‌آور خاتمه دهند.

اهمیت این عنصر حالا بعد از اینکه قسمت اعظم گوریلاهای فلسطینی، اینک با تنظیم درست و سالم عرض اندام نموده و برای استرداد میهن خویش تصمیم قاطع و شکست‌ناپذیر خود را اعلان کرده‌اند، اهمیت زیاد پیدا کرده است.

اگرچه در این روزها برای برقراری اوضاع متشنج این منطقه که در اثر تجاوز ۵ جون ۱۹۶۷ م، اسرائیل بالای دول عربی

به عمل آمده بود، تلاش‌های بین‌المللی روان است و در این اواخر دورنمای حل سیاسی نزدیک‌تر به نظر می‌خورد؛ اما چون اساس مشکل که عبارت از برگشت آوارگان فلسطین به خانه و دیارشان می‌باشد، به حیث نقطه انفجار به حال خود باقی است و هرگاه برای حل آن چاره اساسی پیش‌بینی نگردد، دردهای این منطقه دوا نشده باقی خواهد ماند؛

آری تا زمانی که آوارگان فلسطین از حیات غم‌انگیز و فلاکت‌بار نجات داده نشوند و حق عودت به خانه‌ها و دیارشان برای آنان داده نشود، قضایای متعلق به شرق اوسط منقطع نمی‌گردد.

سرشک از رخم پاک کن چه حاصل
علاجی کن از دلم خون نیاید^۱

اظهار عجز نزد جفاییشه ابلهی است
اشک کباب باعث طغیان آتش است^۲

۱. به گوینده این تک‌بیتی که ضرب‌المثل شده است، دست نیافتیم. «مرکز تدوین»

۲. این بیت را شماری به بیدل و شماری به صائب نسبت داده‌اند؛ اما ما آن را در ذیل

حکایت ۲۳ شیخ بهایی قصه «موش و گربه» به این صورت یافتیم:

اظهار عجز پیش ستم‌پیشه ابلهیست

اشک کباب باعث طغیان آتش است. «مرکز تدوین»

(۲)

سوريه

شرعيات؛ ماه جدی و دلو ۱۳۴۹ هـ ش



این کشور از طرف شمال به ترکیه و از جانب شرق به عراق پیوست می‌باشد، در جنوب با اردن و اسرائیل^۱ سرحد مشترک داشته و از طرف غرب به بحر ابيض متوسط و لبنان پیوسته است. مساحت آن ۷۲،۲۳۴ میل مربع است، کشور سوریه از ولایات جبل الدروز، حماة، حمص، دمشق، حوران، حلب، الفرات، الجزيرة و لاذقیه تشکیل یافته است. شهرهای بزرگ آن عبارت‌اند از: دمشق، حلب، حمص، حماة، لاذقیه و دیرالزور، جمعیت آن بالغ بر ۱۶۵/۰۲۵/۴ میلیون نفر است.^۲

از جمله: ۹۰۱/۴۸۸/۲ نفر مسلمان و به تعداد ۹۶/۶۴۱

۱. اسرائیل؛ بخشی از خاک اشغال‌شده فلسطین است که توسط رژیم غاصب صهیونیستی در سال ۱۹۴۸م، اشغال شد. صموئیل که مدت پنجاه سال در فلسطین بود، تعداد شش صد هزار یهودی مهاجر را در این منطقه سکونت داد و پست‌های مهم به آنان واگذار کرد و هرچه زمین بود، از عرب‌ها خریداری کرده، به دست یهود داد و امتیاز تجارت خارجی را منحصراً به یهود داد. حمل سلاح را بر عرب‌ها ممنوع کرد. نگاه: خطر اليهود العالمية علی الإسلام والمسیحیة، ص: ۲۴۲. «مرکز تدوین»

۲. نباید فراموش کرد که این معرفی حدوداً پنجاه سال (نیم قرن قبل) بوده است و اکنون نظر به «گیتاشناسی» سوریه این گونه معرفی شده است: سوریه؛ در جنوب غرب آسیا موقعیت دارد. مساحت آن ۱۸۵۱۸۰ کیلومتر مربع و جمعیت آن در سال ۲۰۱۰م، ۲۲۱۹۸۰۰۰ نفر تخمین شده است. پایتخت آن شهر دمشق، زبان رسمی آن عربی و واحد پول آن پوند سوریه است. نگاه: اطلس جامع گیتاشناسی، ص: ۱۰۵. «مرکز تدوین»

نفر آن درزی، ۴۲۴/۰۱۰ نفر مسیحی و ۲/۸۸۵ نفر یزیدی و ۸۷۳/۳۰ نفر آن یهود است.

مسلمانان سوریه از لحاظ طوایف مختلفه آن‌ها به شرح ذیل تقسیم می‌شوند:

دو نیم میلیون نفر پیرو مذهب اهل سنت والجماعة و ۰/۰۰۰/۱۳ نفر شعبه دوازده امامی و به تعداد .../۳۰ نفر اسماعیلی و .../۳۲۶ نفر علوی است.

از جمله سنی‌ها در حدود نیمه آنان پیرو مذهب حنفی می‌باشد و مجموع مسلمانان سوریه به صورت عمومی ۸۶ فی صد نفوس را تشکیل می‌دهند.

مسیحیان سوریه به طوایف ذیل تقسیم می‌شوند:

آرمن کاتولیک: که تعداد آن‌ها ۱۷/۰۰۰ نفر است؛
ارمن گریگورها: که مجموع آن‌ها ۱۰۲/۰۰۰ نفر می‌باشند؛
مارونی‌ها: به تعداد ۱۳/۵۰۰ نفر؛
پروتستان به تعداد ۱۱/۵۰۰۰ نفر؛
خلدی‌ها ۵۰۰۰ نفر؛
کاتولیک ۱۶۵۰۰ نفر؛
یعقوبی‌ها ۴۰/۲۰۰ نفر؛
لاتین ۶۰۰۰ نفر؛
رومن کاتولیک‌ها ۴۷/۰۰۰ نفر؛
رومن ارتودکس ۱۳۷/۰۰۰؛ نستوری‌ها ۹۲۰۰ نفر است.

نژادها

نژادهای مختلفی که در این سرزمین زندگی می‌کنند، به شرح ذیل تقسیم می‌شوند:

عرب ۲/۷۵/۰۰۰ نفر؛

کردی ۳۰۰/۰۰۰ نفر؛

ترکمن‌ها و ترک‌ها ۳۰/۰۰۰ نفر؛

یهود ۳۰/۸۷۳ نفر؛

ارمنی‌ها ۱۲۵/۰۰۰ نفر؛

و به تعداد ۴۰۰ مهاجر از جمهوریت‌های اسلامی اتحاد شوروی^۱ و به تعداد .../۲۰ نفر، از مردمان چرکس و به تعداد ۱۰۰۰۰ نفر چادرنشینان در آنجا به سر می‌برند.

اقلیات مذهبی

اقلیات مذهبی این کشور به شرح ذیل می‌باشند:

۱- طایفهٔ دروز: این طایفه که در اطراف دمشق و جبل حوران به سر می‌برند، در مورد تمسک به مبادی مذهبی خویش روش ثابت و سالمی ندارند، در جمع مسلمانان و در حلقه‌های مسیحیان مسیحی‌اند.

برای خود کدام جای عبادت مخصوصی ندارند. اصول مذهبی آنان برای همه پیروان این مسلک روشن نیست. آنان که به اصول مذهبی شناسایی و معرفت دارند، به نام «آل عقال» و کسانی که این اصول را نمی‌شناسند، به نام «آل جُهل» شهرت دارند و در جلساتی که هر شب جمعه دایر می‌شود، تنها العقال

۱. اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی؛ کشوری بود مُتشکّل از روسیه و چندین جمهوری متحد که از زمان تأسیس در ۱۹۲۲م؛ تا زمان انحلال در ۱۹۹۱م، بخش بزرگی از شرق اروپا و شمال آسیا را در بر می‌گرفت و پهناورترین کشور جهان شناخته می‌شد، در دههٔ ۱۹۸۰م، آثار فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی ظاهر شد و بالاخره در ۱۹۹۱م، این کشور رسماً منحل شد و به چند کشور دیگر تجزیه شد، یکی از اساسی‌ترین عوامل فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی را حمله به افغانستان می‌دانند که به اثر شکست در مقابل ملّت قهرمان و مجاهد افغانستان، این اتحاد بزرگ از هم پاشید. نگاه: جنگ افغانستان و شوروی عامل فروپاشی جهانی کمونیزم، از امیر اعتماد دانشیار. «مرکز تدوین»

(خردمندان) اشتراک می‌نمایند و عقیده به تناسخ در میان آنان رایج است. آنان معتقدند روح نیکان در اجسام نوزادان داخل می‌شود، برخلاف، ارواح بدکاران در جسم سگان درمی‌آیند. ازدواج با یک تعداد زیادی از زنان در مسلک آنان جایز و مشروع است.

این مسلک در عهد خلیفه الحاکم بأمرالله الفاطمی توسط شخصی به نام حمزه و یک‌تن از درزی‌ها که نخست به حیث یک رهبر مسلک باطنی شروع به کار کرد، نشأت کرد.

موصوف بعدازاینکه وارد مصر شد به خدمت خلیفه الحاکم بأمرالله پرداخت و او نخستین شخصی بود که مدعی الوهیت این خلیفه گردید. موصوف در مورد شرح اصول مذهبی درزی، کتابی نوشت و آن را در همه مساجد قاهره می‌خواند و بالاخره یک‌تن از جوانان ترک این شخص را در آن‌وقتی که در موبک خلیفه روان بود، به قتل رسانید.

۲- اسماعیلیه: پیروان این مسلک بعدازآنکه استقراری در حالت ایشان رونما گردید، در جبل دیلم اقامت گزیدند. در قرن یازدهم میلادی در عهد رضوان بن تتش، پادشاه سلجوقی در شهر حلب این مذهب رایج گردید. اسماعیلی‌ها منکر صفات الهی بوده و عقیده دارند، عقل انسانی از درک صفات الهی عاجز است. آنان تصوّر می‌کنند، خداوند جهان را به‌صورت مستقیم و مباشر پیدا نکرده؛ بلکه از راه عقل کلی دست به این کار زده است.

بهشت و دوزخ از نظر این‌ها مفهوم رمزی دارد. مراد از بهشت حصول علم کامل برای نفس است و منظور از جهنّم حالت جهل و نادانی آن است.

در حال حاضر تعداد بیشتر این گروه در حماة و لاذقیه به

سر می‌برند.

۳- **علوی‌ها:** این دسته که شمار آن‌ها ۳۲۶/۰۰۰ نفر می‌رسد، از جمله ۲۸۱/۰۰۰ نفر آن‌ها در لاذقیه و به تعداد بیست و سه هزار نفر آنان در حمص و پانزده هزار نفر آن‌ها در حماة به سر می‌برند. این گروه که به نام «نصیری» نیز یاد می‌شوند، اکثر معتقدات آنان مخالف اصول اسلامی است، مثلاً عقیده به الوهیت حضرت علی - کرم الله وجهه - دارند.

۴- **یزیدی‌ها:** تعداد این طایفه حدوداً به سه هزار نفر می‌رسد. بسیاری از آنان در شهر حلب به سر می‌برند. مردم سوریه اینان را به نام شیطان‌پرستان یاد می‌کنند. این گروه همه کتاب‌های آسمانی را کتاب مقدس خود می‌دانند. معتقدات و مراسم مذهبی آنان آمیخته از تعالیم مسیحی، اسلام و مجوسیت است. زبان رسمی آنان کردی است؛ اما هنگام اجرای مراسم مذهبی خویش به زبان عربی حرف می‌زنند.

انتشار اسلام در سوریه:

در عهد خلافت خلیفه دوم حضرت عمر، مسلمانان متوجه نشر معارف اسلامی در سوریه گردیدند. سوریه در آن زمان زیر سلطه بیزنطی‌ها قرار داشت، مردم سوریه که از نژاد سامی بوده و زبان و فرهنگ آنان سامی^۱ بود، دین مسیحی داشتند. سوری‌هایی که از اثر فشارهای کمرشکن تسلط بیزنطی‌ها سخت در عذاب بودند، پخش تعلیمات نجات‌بخش اسلام را به جان و دل استقبال کردند و در سال ۶۳۴ میلادی، بیزنطی‌ها در معركة «اجنادین»

۱. سامی: قومی است منسوب به سام بن نوح. نژاد سامی عبارت از آشوری و عربی و آکدی (بابلی قدیم)، عبری، سریانی، آرامی و کنعانی قدیم و غیره است و منظور از زبان‌های سامی مراد زبان اقوام نامبرده است. نگاه: لغتنامه دهخدا. «مرکز تدوین»

در برابر قشون رهایی بخش اسلام به اهتزاز^۱ درآمد و بالاخره در جنگ «یرموک» در آگست ۶۳۶ نیروهای بیزنطی شکست فاحش خورده و تمامی سوریه به زیر اداره حکومت اسلامی درآمد.

اموی‌ها از سال ۶۶۱ تا ۷۵۰ میلادی بر سوریه حکمروایی داشتند. زبان عربی در زمان خلیفه اموی عبدالملک زبان رسمی مردم سوریه گردید، دمشق در عهد امویان مرکز مهم سیاسی، دینی و فرهنگی بود.

معاویه مؤسس حکومت امویان، اساس مسجد بزرگی را گذاشت که بعداً ولید بن عبدالملک به تکمیل آن اقدام کرد. در تکمیل عمارت این بنای بزرگ که ده سال را در بر گرفت، تعداد بسیاری از معماران اسلامی در آن سهم گرفتند. این مسجد عظیم از بزرگ‌ترین آثار هنر معماری مسلمانان در جهان است. یک‌تن از مؤرخین در این باره نوشته است:

«این مسجد نه تنها عنوان بزرگ‌ترین آبدۀ تاریخی را در جهان اسلام دارد؛ بلکه بزرگ‌ترین ابتکار معماری در تمام جهان و در هر زمان محسوب می‌گردد.»

در عهد خلافت عباسیان^۲ به دمشق چندان توجهی نشد، در

۱. منظور از اهتزاز اینجا همانا پهلوی منفی آن، یعنی به لرزه درآمدن که معنای ترسیدن و به زانو درآمدن را می‌رساند، می‌باشد. «مرکز تدوین»

۲. خلافت عباسی‌ها: مدّت پنج قرن ادامه داشت که از سال ۱۳۲هـ.ق، شروع و تا سال ۶۵۶هـ.ق، ادامه پیدا کرد، ابوالعباس عبدالله بن علی از خاندان حضرت عباس اولین کسی است که از این خاندان به قدرت رسید و تا زمانی که بغداد به دست «هلاکو خان» مغول سقوط کرد، حکومت کردند. نگاه: تاریخ سیاسی اسلام، از دکتور حسن ابراهیم حسن. «مرکز تدوین»

دوره‌های حکومت طولانی اخشیدی،^۱ فاطمی،^۲ و ممالک^۳، در دمشق بناهای تاریخی عظیمی اعمار شد.

تاریخ معاصر سوریه چهار دوره مهم را سپری کرده، آغاز این دوره که بعد از جنگ عمومی اوّل شروع می‌شود، عهد وصایت^۴ فرانسویان بر سوریه است. این دوره بیست سال را احتوا نمود و از ۱۹۲۱ م تا ۱۹۴۱ دوام کرد.

در جنگ عمومی دوّم نازی‌ها بر سوریه تسلّط یافتند؛ امّا در ۱۹۴۱ م، قوای بریتانیایی بر سوریه حمله برد و قوای فرانسوی نیز با آنان ضم گردید و بعد از پیروزی بر نازی‌ها، انگلیس‌ها و فرانسویان به صورت مشترک سوریه را زیر نفوذ خود قراردادند. در سال ۱۹۴۷ م، سوریه اعلان استقلالیت کرد و «شکری القوّتلی» به حیث رئیس جمهور انتخاب شد.

در این دوره، حوادث زیادی به وقوع پیوست و در ۱۹۵۸ م، اتحاد میان مصر و سوریه اعلان شد و صفحه جدیدی در تاریخ سوریه باز شد؛ امّا دیری دوام نکرد و در سال ۱۹۶۲ م، در اثر

۱. آل اخشید؛ اخشیدیان یا اخشیدیّه: سلسله‌ای از فرمانروایان فرغانه بودند که در میان سال‌های ۳۲۳-۳۵۸ قمری/۹۳۵-۹۶۹ میلادی به تفاریق بر مصر و شام فرمان راندند. نگاه: دایرةالمعاف بزرگ اسلامی. «مرکز تدوین»

۲. خلافت فاطمی سلسله‌ای است که از سال ۹۰۹ م به مدت تقریبی دو قرن (تا سال ۱۱۷۱ م بر بخش بزرگی از شمال آفریقا و خاورمیانه و دریای مدیترانه حکومت کرد. خلفای فاطمی پیشوایان شیعه اسماعیلی نیز بودند. برای آگاهی بیشتر نگاه کن: تاریخ الخلفاء، مؤلف: عبد الرحمن ابی بکر سیوطی. «مرکز تدوین»

۳. دولت ممالک در اواخر عصر سوم خلافت عباسی در مصر تأسیس شده بود که مرزهای آن تا شام و حجاز رسیده بود. سلاطین ممالیک، فرماندهان ترکی بودند که در طول حکومت خود بر مصر و شام از طلایی‌ترین ادوار تاریخ این دو سرزمین را رقم زدند. در گذر قریب به سه قرن فرمانروایی مملوکان، دو سلسله از پادشاهان به فرمانروایی نشستند. برای آگاهی بیشتر نگاه کن: عاشور، سعید عبد الفتّاح. مصر والشّام في عصر الأيوبيين والمماليك (الطبعة الأولى). بیروت - لبنان: دار النهضة العربیّة. صفحه ۲۲۵. «مرکز تدوین»

۴. یعنی سفارش. «مرکز تدوین»

انقلابی از بین رفت و بعد از آن تاریخ حکومت سوریه به دست «بعثی‌ها»^۱ افتاد و کشور استقرار سیاسی خود را از دست داد، اصلاحات سالم به میان نیامد و برخوردهای گروه‌های متخاصم بر دگرگونی‌های اوضاع دامن زد و اینک زمام امور به دست جنرال حافظ اسد افتاده است، اگرچه تا حال در راه تأمین اهداف ملی سوریه و جهان عرب وعده‌های امیدبخش داده است تا دیده شود، چه خواهد شد؟!

سوریه کشور زراعتی است، پیداوار مهم آن عبارت‌اند از: گندم، جو، پنبه، برنج، لبلبو، انگور، زیتون از نگاه ثروت حیوانی نیز این کشور غنی می‌باشد.

۱. بعثیسم یا بعثیزم (به عربی: البعث) به ایدئولوژی حزب بعث اطلاق می‌شود که مشوق ایجاد کشور واحد عربی است. به‌طور خلاصه بعثیسم بر روی دو آرمان سوسیالیسم و ناسیونالیسم عربی تکیه دارد. گفتمان بعثیسم از پس بحرانی عمیق در جهان عرب پدید آمد که «چندپارگی اعراب»، «تسلط امپریالیسم اروپایی» و «فشار استبداد داخلی» سه ضلع این بحران را تشکیل می‌دادند. در چنین شرایطی ظاهراً منطقی به نظر می‌رسید که حزب بعث گفتمان خود را پیرامون سه دال اساسی «وحدت، آزادی، سوسیالیسم» مفصل‌بندی کند. پس از انشقاق در حزب بعث، بعثیسم عراقی و سوری از هم فاصله گرفتند و پس از سرنگونی رژیم صدام و آشفتگی اوضاع سوریه حزب بعث در ضعیف‌ترین موضع خود در دهه‌های اخیر قرار دارد. برای آگاهی بیشتر نگاه کن: هولاکو القرن العشرين از عبد الله سمان و نوشته «بعثیسم» ناشر: سایت خبرگزاری جهان اسلام، زمان ارسال: شنبه ۱۳۹۳/۰۷/۱۲. «مرکز تدوین»

(۳)

عراق

شرعیات؛ ۱۳۴۹ هـ ش



کشور عراق با داشتن سابقهٔ درخشان تاریخی چه در عصور اسلامی و چه در عصرهای قبل از اسلام، از کشورهای عمده و مهم به شمار می‌رود.

کاوش‌ها و تحقیقات باستان‌شناسان می‌رساند که این سرزمین مهد قدیم‌ترین مدنیت‌های بشری است.

تمدن قدیم کلد و آشور، از معروف‌ترین مدنیت‌های بشری که تاریخ آن را ثبت نموده، در این کشور به میان آمده است. نظامات حقوقی و قانونی از قبیل ... و قانون «لبث عشتار» و قانون «تل حرمل» و قانون حقوقی آشونونا [یا اشنونه] که از قدیم‌ترین قوانین مدون می‌باشند، در این سرزمین به میان آمده است.

قانون حمورابی که کشف آن شور و غوغایی را در حلقه‌های حقوقی و باستان‌شناسی ایجاد کرد و در تاریخ قدیم از جمله منظم‌ترین قوانین شناخته شده است، در این سرزمین ترتیب و تنظیم شده است.

در عهد امپراتوری ساسانیان که عراق نیز جزء امپراتوری آنان بود، این ایالت از جمله مهم‌ترین ایالت‌های این امپراتوری بود و شهر تیسفون (مداین) نه تنها از شهرهای بزرگ ساسانی؛ بلکه از بزرگ‌ترین شهرهای جهان آن روز به شمار می‌رفت.

شعلهٔ تابناک تعالیم اسلامی در عهد فاروق اعظم، در این

کشور تابید و بعد از فتح «مداین» پایتخت امپراتوری ساسانی به دست مسلمانان، این کشور جزیی از کشورهای اسلامی شد و بدین ترتیب عراق وارد مرحله تازه‌ای از زندگی اجتماعی، سیاسی و اداری گردید.

در عهد فاروق اعظم ~ تحولات عظیمی در ساحه‌های اداری، اجتماعی و دیگر شئون زندگی مردم عراق به میان آمد. اموی‌ها نیز در عهد حکم‌داری خویش به عراق توجه زیاد مبذول می‌داشتند و چون نوبت خلافت به عباسیان رسید، بغداد عنوان دارالخلافة اسلامی را گرفت و تا پنج قرن به حیث بزرگ‌ترین مرکز علمی و تحولات عظیم سیاسی و فرهنگی بود. در اینجا فرهنگ و فلسفه یونان به عربی ترجمه شد و شعله نیمه‌خاموش آن سر از نوروشن گردید؛ در اینجا دبستان‌های بزرگ فقهی پایه‌گذاری شد و به رشد و قوت خود رسید؛ امام اعظم ابوحنیفه نعمان،^۱ امام محمد^۲ مخترع قانون بین‌الدول در اینجا به ابتکارات علمی خویش پرداختند؛

۱. نام این فقیه و متکلم؛ نعمان بن ثابت بن زوطی مرزبان، مشهور به امام اعظم، کنیه‌اش ابوحنیفه؛ یکی از امامان بزرگ و مشهور اهل سنت است. وی در شهر کوفه در زمان خلافت عبدالملک بن مروان خلیفه اموی، در سال ۸۰ هـ.ق، به دنیا آمد و در ۱۵۰ هـ.ق، چشم از جهان فرو بست. امام از تبحر زیادی در علوم از قبیل: فقه، کلام، علم حدیث، اصول و علم تفسیر برخوردار بودند. امام شاگردان زیادی داشت که مشهورترین آن‌ها عبارتند از: امام ابویوسف، امام محمد بن حسن شیبانی و زُفر بن هذیل. نگاه: دایرةالمعارف بزرگ اسلامی و بررسی تاریخ تشریع اسلامی، عبدالواحد جهید/ ۱۷۰-۱۸۴. «مرکز تدوین»

۲. امام محمد بن حسن شیبانی؛ شاگرد امام ابوحنیفه، در شهر واسط عراق در سال ۱۲۲ هـ.ق، به دنیا آمد و در آنجا بزرگ گردید. وی به مدینه رفت از امام مالک علم آموخت و با امام شافعی نیز ملاقات کرد. امام محمد عالم‌ترین مردم به کتاب الله و در علوم زبان عربی و ریاضی بسیار ماهر بود. تألیفات و تصنیفات وی خیلی زیاد بوده به ۹۹ اثر می‌رسد. هارون رشید وی را به حیث قاضی تعیین کرد، در یکی از سفرها با وی به صوب خراسان سفر کرده، در ری سال ۱۹۸ هـ.ق، وفات یافت و در آنجا دفن گردید. نگاه: بررسی تاریخ تشریع اسلامی، جهید/ ۱۷۷. «مرکز تدوین»

امام احمد بن حنبل^۱ مذهب ظاهری خود را در اینجا پایه‌گذاری کرد و صدها هزاران فقیه و امام دیگر در اینجا به میان آمده‌اند؛

دبستان‌های اعتقادی و کلامی اشعری، معتزلی، جبریه، قدریه و شیعه در اینجا رشد گرفت. مکتب‌های فلسفی اسلامی که صبغه یونانی داشت، نیز در اینجا به میان آمد؛ فارابی^۲ معلم دوم و ابوالبرکات بغدادی^۳ و غیره در این

۱. ابو عبدالله احمد بن محمد بن حنبل؛ متکلم و فقیه مسلمان، در ۱۶۴ هـ.ق، در بغداد به جهان آمد، پدر و مادرش از اعراب ساکن مرو بودند، پیروان احمد بن حنبل به حنبلی مشهورند. المسند، المقدم و المؤخر فی القرآن، جوابات القرآن، المناسک الکبیر، المناسک الصغیر و غیره از تألیفات این امام بزرگوار است. سرانجام این امام بزرگوار در ۲۴۱ هـ.ق، در بغداد در گذشت. نگاه: الأئمة الأربعة، دکتور مصطفی الشکعة، دارالکتاب اللبنانی، چاپ بیروت، انتشار ۱۹۸۵ م. «مرکز تدوین»

۲. ابونصر محمد بن محمد فارابی طرخان بن اوزلغ فارابی؛ در سال ۲۶۰ هـ.ق، در فاراب، کناره رودخانه جیحون در قزاقستان امروزی چشم به جهان گشود و در ۳۳۹ هـ.ق، در دمشق درگذشت. او از بزرگ‌ترین فلاسفه و از دانشمندان عصر طلایی اسلام است. فارابی در علم، فلسفه، منطق، جامعه‌شناسی، پزشکی و ریاضیات تخصص داشت. بیشترین آثار او در زمینه فلسفه، منطق، جامعه‌شناسی و همچنین دانشنامه‌نویسی بود. او به مکتب نوافلاطونی تعلق داشت که سعی داشتند تفکرات افلاطون و ارسطو را با الهیات توحیدی هماهنگ کنند و در فلسفه اسلامی نیز از جمله اندیشمندان مشایی محسوب می‌گردد. او شرح‌های ارزشمندی بر آثار ارسطو نگاشته و از همین جهت به او «معلم ثانی» می‌گویند. از او آثار نظیر چون: الجمع بین الرایین، اغراض مابعد الطبیعة ارسطو، فصول الحکم، احصاء العلوم و... را از خود به یادگار گذاشته است. نگاه: ارسطوی بغداد از عقل یونانی به وحی قرآنی، از محمد رضا فشاهی، و نگرش نو در فهم قرآن، ص: ۱۴۸. «مرکز تدوین»

۳. ابوالبرکات بغدادی: هبة الله بن یعلی بن ملکاء بلدی بغدادی، طبیب و فیلسوف یهودی. ملقب به اوحد الزمان از مردم بلد در طریق بغداد به موصل. او به قرن ششم می‌زیست. در ابتداء به بغداد شد و نزد ابوالحسن سعید بن هبة الله دانش طب فراگرفت و در همانجا شغل طبابت ورزید و شهرت یافت و کثرتی برای معالجه، سلطان مسعود بن ملکشاه سلجوقی به ایران آمد و بیماری او علاج کرد و با نعمت وافر به بغداد بازگشت و در این وقت مرض داخس (عقربک) در لشکریان سلطان افتاد و او با قطع انگشت علاج می‌کرد و دیگر طبیبان با مرهم و دوا مداوا نمی‌توانستند و از این رو بر شهرت او بیفزود و در اواخر عمر، مسلمانی گرفت. او راست

سرزمین اساس مذهب فلسفی خود را گذاشته‌اند؛
 طبای نامی چون زکریای رازی و کیمیدان‌های معروف
 اسلامی امثال جابر بن حیان که به نام مخترع کیمیا شهرت دارد،
 در این سرزمین بزرگ‌ترین اختراعات علمی خود را به میان
 آورده‌اند؛

در ساحة شعر و ادب نیز عراق شهرت زیادی دارد، دو
 مکتب بزرگ زبان‌شناسی بصریین و کوفیین نیز در این سرزمین
 به میان آمده‌اند؛

برای اولین بار اختراع ساعت دیواری در عهد هارون الرشید
 و نخستین قمر مصنوعی تاریخ در اینجا به میان آمد؛
 مدرسه نظامیه که از حیث تنظیم و ترتیب درسی و
 کاوش‌های علمی با پوهنتون‌های مدرن همسری می‌نمود، در
 اینجا اعمار شد.

گوستالوبون در کتاب خویش «تمدن عرب» در صفحه
 ۴۵۶ می‌نویسد:

«اهتمام خاص مسلمین به علم نجوم برای بار اول در بغداد
 آغاز گردید و بغداد نه تنها مرکز تعلیمی علم مذکور برای عرب‌ها
 و مسلمان‌ها بود؛ بلکه مرجع تحصیل دانشجویان دنیا محسوب
 می‌شد.»

این جنبش علمی و فرهنگی؛ تا پنج قرن که دوره خلافت
 عباسیان بود، ادامه یافت؛ تا آنکه دولت عباسی‌ها در سال ۶۵۶

: کتابی در فلسفه به نام معتبر مشتمل بر منطق و طبیعی و الهی با عبارتی فصیح
 و مقاصدی روشن و کتاب امین الارواح و کتاب الاقربادین و اختصارالتشریح
 لجالینوس و رساله فی العقل و ماهیته و رساله فی الدواء، و ابن خلکان در ذیل
 ترجمه ابن تلمیذ هبة الله نام و نسبت وی را بدین گونه ضبط کرده است: هبة الله بن
 علی بن ملک‌ان. وفات او در زمان مستضیء بمرض جذام بود. نگاه: دهخدا. «مرکز
 تدوین»

هجری به دست هلاکو^۱ سقوط یافت و بزرگ‌ترین سرمایه‌های

۱. هلاکو؛ هولاکو؛ هولانو: یکی از چهار پسر تولوی و بنابراین نوه چنگیز مغول بود. مادرش زن عیسوی مذهب موسوم به «سرقوی تی» بود و زنش «دوقوز خاتون» نیز مسیحی بود. هلاکو در سال ۶۵۱ ه. ق. مأمور تسخیر ایران مرکزی و غربی و فرونشاندن فتنه‌های اسماعیلیان و سرکوبی خلیفه عباسی شد. لشکریان وی اکثر از طوایف عیسوی مغول بودند. اسماعیلیه در حدود ولایت تالقان و کوه‌های الموت، قریب پنجاه قلعه مستحکم را در تصرف داشتند که مشهورترین آن‌ها قلاع الموت، میمون در ولنبه سر بوده. و الموت بزرگ‌ترین مرکز فرماندهی یا پایتخت ایشان به شمار می‌رفت. مأموریت هولاکو به امر برادر بزرگ‌ترش منگوقاآن آغاز شد و ابتدا یکی از امرای عیسوی لشکر او به نام کیتوبوقا قلاع حدود دامغان و سمنان (قهستان) را مورد حمله قرار داد و تعدادی از پناه‌گاه‌های اسماعیلیان را ویران یا تصرف کرد و خود هلاکو پس از تصرف ماوراءالنهر در سال ۶۵۳ از جیحون گذشت و چون به خراسان رسید امیر ارغون مطیع او شد و دبیران و درباریان خود را نیز به خدمت او گماشت. سرانجام در سال ۶۵۴ هلاکو بر اسماعیلیان چیره شد و الموت را نیز تصرف کرد. پس از تصرف الموت هولاکو امر داد که کتابخانه عظیم و بی‌مانند آن را نابود کنند؛ ولی عطاالملک جوینی که به امر ارغون به خدمت هولاکو پیوسته بود اجازه خواست که در این کتابخانه به مطالعه پردازد و نفایس آن را جدا کند و از جمله این کتاب‌ها شرح حالی از حسن صباح به نام «سرگذشت سیدنا» بوده که خلاصه آن را جوینی در جلد سوم جهانگشا آورده است، ادامه سرکوب ملاحده تا سال ۶۷۱ که مغول قلاع آن‌ها را در شام تصرف کرد ادامه یافت. هلاکو پس از فتح الموت عزم بغداد کرد و در این هنگام ابواحمد عبدالله ملقب به المستعصم بالله سسی و هفتمین و آخرین خلیفه عباسی بر تخت فرمانروایی بود و ایام را به مطالعه و لهو و لعب می‌گذراند و از تدبیر و سیاست به دور بود. امور ممالک او را ابن علقمی وزیر اقبال شرابی، علاءالدین دواتدار کبیر و مجاهدالدین دواتدار صغیر به دست داشتند و هر یک از آن‌ها نیز به دلیلی در اندیشه برانداختن خلیفه بودند و از طرفی مقارن همان ایام جنگ شیعه و سنی در بغداد آشوبی به وجود آورده بود و هولاکو هنگامی عازم بغداد شد که بدرالدین لؤلؤ صاحب موصل ابوبکر بن سعد اتابک فارس، خواجه نصیرالدین طوسی، عطاءالملک جوینی و دو پسر رئیس الدوله طبیب همدانی در رکاب او بودند. در روز دهم رمضان سال ۶۵۵ هولاکو ایلچیان پیش خلیفه فرستاد و از او خواست که شخصاً به خدمت آید و یا وزیر و سلیمان شاه و دواتدار صغیر را برای رساندن پیغام بفرستد. خلیفه دو نفر دیگر را فرستاد و هولاکو را تهدید کرد و دستور داد که به خراسان برگردد.

هلاکو بار دیگر توصیه خود را تکرار کرد و این بار قرار شد به تدبیر ابن علقمی هدایایی نزد هولاکو فرستاده شود و به نام وی در بغداد خطبه و سکه رایج گردد ولی دواتدار مانع شد و سلیمان‌شاه خلیفه را به تجهیز لشکر واداشت. از طرف دیگر هولاکو اکراد مغرب ایران را با دادن مال و مقام با خود همدست کرد و از دو جانب لشکر خود را مأمور بغداد نمود و یک بار دیگر به خلیفه پیغام داد که به اطاعت او

علمی مسلمانان دستخوش تاراج این غارتگر خون‌خوار شد. بعد از آن وقت، حالت دگرگون شد و شعله نهضت اسلامی عراق رو به خاموشی رفت. مدتی این کشور جزء خلافت

درآمد. محاصره بغداد از سه شنبه بیست و دوم محرم سال ۶۵۶ شروع شد و تا آخر این ماه طول کشید و در این مدت مغولها شهر را قدم به قدم خراب میکردند و باینکه خلیفه با پیغام و هدیه میکوشید که او را بازگرداند اما تقاضای او مقبول نیفتاد و خواجه نصیر به بغداد رفت تا سلیمان‌شاه و دواتدار را نزد هولاکو آورد و خلیفه هر دو را روانه خدمت هولاکو کرد. هولاکو به آنها اجازه داد که بستگان خود را از شهر بیرون آورند و عده ای به امید نجات به همراه آنها بغداد را ترک گفتند و نزد هولاکو آمدند. هولاکو فرمان داد تا همه را به قتل رسانند.

سرانجام روز یکشنبه چهارم صفر ۶۵۶ مستعصم با سه پسر خود و سه هزار نفر از بغداد خارج شد و به حضور هلاکو آمد و چون به ظاهر هلاکو با او خوشرویی کرد امر داد که مردم دارالخلافت با لشکریان هولاکو ننجنگند و هولاکو پس از بیرون آوردن آنها از بغداد همه را کشت و در همان روز چهارم صفر دستور غارت بغداد صادر شد و هلاکو روز نهم وارد بغداد شد و مستعصم به دست خود کلید خزانن اجدادی را به وی تسلیم کرد. خواجه نصیرنوشته است که هلاکو طبقی زر پیش خلیفه نهاد و گفت: بخور. او گفت: نمیتوان خورد. گفت: پس چرا نگه داشتی و به لشکریان ندادی و این درهای آهنین را چرا پیکان نساختی و به کنار جیحون نیامدی تا من از آب نتوانم گذشت؟ خلیفه گفت: تقدیر خدای چنین بود. هلاکو گفت: پس آنچه بر سر تو خواهد آمد هم تقدیر خدای است.

گروهی از مورخان نوشته اند که ابن علقمی وزیر، کینه خلیفه را در دل داشت و پنهانی با خواجه نصیر و هلاکو مراوده برقرار کرده و ضعف خلیفه را به اطلاع آنها رسانیده بود. سرانجام در همان سال ۶۵۶ کار عباسیان پایان رسید و باینکه به خصوص اهل سنت از این واقعه سخت دلگیر بودند نتوانستند جلو تسلط مغول را بگیرند. هولاکو در یکی از جزایر دریاچه ارومیه مخزنی برای غنایم ساخت و مراغه را پایتخت خود ساخت و در آن شهر بود که خواجه نصیر توانست او را به ایجاد رصدخانه مراغه و تألیف زیج ایلخانی راغب سازد. زیج خواجه در سال ۶۶۳ در زمان ابقاخان منتشر شد.

هلاکو پس از فتح بغداد به الجزیره و شام سفری کرد و سلاطین خانواده های ایوبی را که شش حکومت در آن دیار داشتند شکست داد. فتوحات هلاکو منجر به تأسیس سلطنت ایلخانان مغول گردید و خود او پس از آنکه دچار اختلافات داخلی با بستگان نزدیک خود و از جمله برکای پسر جوجی گردید در سال ۶۶۳ بیمار شد و در کنار نهر جغتو (جنوب دریاچه ارومیه) درگذشت و او را که ۴۸ سال از عمرش می گذشت در کوه شاهو در مقابل دهخوارقان به خاک سپردند. (از تاریخ مغول عباس اقبال آشتیانی، نقل به اختصار). به نقل از دهخدا. «مرکز تدوین»

عثمانی گردید و در سال ۱۹۱۹ م، در اثر کنفرانس «سان ریمو» عراق تحت الحمايه انگلیس قرار گرفت. این امر ضربت سختی بر پیکر آرزوهای اعراب که به امید استقلال ملی انگلیس‌ها در جنگ جهانی اول همکاری می‌کردند وارد آورد و این عمل احساسات طبقات مختلف عراق را برانگیخت و از آن وقت بود که نهضت‌های ملی کم‌کم اوج گرفت تا بالاخره نیروهای اشغالگر انگلیسی توان مقاومت همیشگی را در برابر قیام‌های ملی ندیده و در صدد ایجاد حکومت ملی در عراق گردیدند؛

در ۱۹۲۱ م، در اثر تفویض سلطنت عراق به امیر فیصل نوعی از حکومت ملی به میان آمد؛ اما در عین حال نفوذ انگلیس‌ها در اداره امور بیش از مردم عراق بود؛

در ۱۹۳۰ م، بنا بر فیصله جامعه ملل، کشور عراق از تحت‌الحمايه برآمد و عضو جامعه ملل شناخته شد و در اثر فساد اوضاع داخلی در ۱۹۵۸ م، سیستم حکومت تغییر یافت و نظام جمهوری روی کار آمد و حزب بعث، زمام امور را به دست گرفت و از آن تاریخ به بعد کشور عراق شاهد تحولات زیادی می‌باشد.

سرزمین عراق به سه اقلیم ذیل تقسیم می‌شود:

۱- منطقه کردستان؛

۲- منطقه علیا؛

۳- منطقه سفلی.

۱- کردستان: که نزدیک حدود ترکیه و ایران واقع است، بیشتر منطقه صحرائی بوده، مردمان نیرومندی که به کردی حرف می‌زنند، در آنجا سکونت دارند؛

۲- عراق علیا: که سرزمین آشوری‌ها بود، اقلیم میان

دریای دجله و کردستان را دربر می‌گیرد؛

۳- عراق سفلی: از منطقهٔ عباس و تکریت شروع شده، به خلیج فارس خاتمه می‌یابد.

مساحت عراق ۴۵۳،۵۰۰ هزار کیلومتر مربع است. عراق از طرف شرق به ایران و از طرف شمال به ترکیه و در غرب به سوریه و اردن و از طرف جنوب به عربستان سعودی و کویت و دول خلیج محاط است.

نفوس عراق بالغ بر ۳۳۸،۸ میلیون نفر است، از جمله ۸،۷ میلیون مسلمان است.^۱

در عراق علاوه بر دین اسلام پیروان ادیان یهودی و مسیحی نیز وجود دارد؛ اما از جملهٔ باشندگان آن ۹۴ فی صد مسلمان و باقی پیرو ادیان دیگر است.

مردم در عراق از نژادهای عربی، ترکی، کردی و فارسی تشکیل شده‌اند.

شهرهای مشهور عراق عبارت‌اند از: بغداد، موصل، کربلا، کرکوک، بصره، ناصریه، کوفه، قرنه.

عراق کشور زراعتی است، نفت از پیداوار عمده و از عایدات مهم آن می‌باشد.

مهم‌ترین عایدات آن عبارت از خرماست. ۸۰ فی صد از صادرات خرمای جهان متعلق به عراق است.

پوهنتون بغداد مهم‌ترین و بزرگ‌ترین پوهنتون‌های آن بود و مرکز علمی نجف اشرف نیز از بزرگ‌ترین مرکز تحقیقات علوم اسلامی است.

در ساحةٔ نشرات رادیویی و مطبوعاتی نیز عراق گام‌های

۱. فعلاً عراق با حدود ۴۰ میلیون نفر جمعیت، سی و ششمین کشور پرجمعیت جهان است. «مرکز تدوین»

مثبتی برداشته است.

چهار دستگاه تلویزیون در شهرهای بصره، بغداد، کرکوک و موصل فعالیت می‌کند؛ همچنان در عراق چهار دستگاه رادیویی وجود دارد، یکی آن برای ترکمنان و یکی برای کردها و دوی دیگر آن - که یکی نظامی و دیگرش ملکی است - به زبان عربی نشرات دارند.

معروف‌ترین مجلات آن «الأقلام» و «الکتاب» است. افغان‌ها از زمان‌های بسیار قدیم با عراق رابطه برادری داشته و فرزند نامی افغان چون امام ابوحنیفه نعمان، فقیه بزرگ اسلام و عمرو بن عبید معتزلی فیلسوف کابلی و بشار بن بُرد تخاری، شاعر معروف، همه در آن سرزمین رشد یافته و در آنجا به سر می‌بردند و تا هنوز هم پنج هزار افغان در آنجا زندگی می‌کنند.

(٤)

جمهوريت يمن
شرعيات؛ عقب ١٣٤٩ هـ ش



کلمهٔ یمن در تاریخ قدیم به جزء جنوبی جزیرهٔ العرب که در قسمت یمین کعبه واقع است اطلاق می‌شد.

این سرزمین به علّت شادابی و سرسبزی‌ای که داشت «الیمین الخضراء» یعنی یمن شاداب یاد می‌شد، یونانی‌ها و رومیان آن را به نام یمن سعادت‌مند می‌خواندند؛ چه مردم آن از نگاه وضع زندگی و رفاهیت نسبت به مناطق دیگر بهتر بود.

وادی‌های شاداب و کوهساران شامخ و تا حدی عرف و عادت مردم آن به مردم کشور ما شباهت دارد.

بلندترین کوه‌های آن که به نام جبال شعیب یاد می‌شود ۴۴۰۰۰ متر ارتفاع دارد. مساحت آن ۱۹۵ هزار کیلومتر مربع است. نفوس آن ۹، ۴ میلیون و ۹۹ فی صد آن، مسلمان است.^۱ مردم آن از نژاد سامی و زبان آنان عربی است. مرکز آن شهر صنعا و شهرهای معروف آن تعز، صنعا، مخا، حدیده و زبیده است.

محصولات عمدهٔ آن خرما، قهوه، جو، گندم، نفت و سنگ‌های معدنی است؛ عقیق یمن - که در ادبیات ملی ما از آن نام برده شده است - شهرت زیاد دارد.

یمن در قدیم مرکز بزرگ‌ترین مدنیّت‌ها بود. تمدّن معروف «معین» «سبأ» و «حُمیر» که هنوز هم آثار پرشکوه آن در نقاط

۱. اما جمعیت کل کشور در (۲۰۱۴م): ۲۶'۵ میلیون نفر بوده است. «مرکز تدوین»

مختلف آنجا دیده می‌شود، شاهد این مدعاست.
در قرآن کریم و سایر کتب آسمانی از یمن و تمدن قدیمی
آن نام برده شده است.

حیات بهشتی و پرتجمل مردم «سبأ» که در قرآن کریم از
آن صحبت شده است و داستان ارتباط سلیمان Z با حکومت
پارلمانی ملکه سبأ همه شاهد تمدن قدیمی این سرزمین است؛
همچنان «سد مأرب» که از بندهای عظیم تمدن باستان
است، کتیبه‌های تاریخی و مناره‌های قدیمی آن از مدنیت کهن
این سرزمین حکایت می‌کند.

پیش از ظهور دین مقدس اسلام، نفوذ بت پرستی در این
کشور مانند سایر نقاط جهان پخش بود و «یغوث» و «یعوق»
از بت‌های قدیمی یمن به شمار می‌رفت^۱ و پرستندگان آن قبایل
همدان و مذحج و یمنی‌های دیگر بودند.

سر از آن لحظه‌ای که شعله پرفروغ اسلام برای رفع
ظلمات سراسر گیتی و نجات همه جهان بشری از افق حجاز
درخشید، یمنی‌ها که شبیه همه مردم جهان مورد هجوم همه گونه
نادرستی‌ها و تاریکی‌ها و انحراف‌ها بودند، با شور و حرارت،
بدین ندای آسمانی لبیک گفتند و در راه پخش تعالیم ارزنده
اسلام، مجاهدات عظیمی نمودند.

دو قبیله اوس و خزرج که از انصار بزرگ پیامبر بوده و در راه
پایه‌گذاری نخستین دولت اسلامی و توسعه اندیشه‌های جاوید
اسلام، فداکاری‌های زیادی نموده بودند، اصلاً دو قبیله یمنی
بودند که از این سرزمین هجرت کرده و در مدینه منوره سکونت

۱. قرآن کریم از این دو بت در آیت ذیل چنین یاد می‌کند: ﴿وَقَالُوا لَا تَذَرُنَّ آلِهَتَكُمْ
وَلَا تَذَرُنَّ وُدًّا وَلَا سُوءًا وَلَا يَغُوثَ وَيَعُوقَ وَنَسْرًا﴾ یعنی و گفتند زنهار خدایان خود
را رها نکنید و نه «ود» را و اگر دارید و نه سواع و نه یغوث و نه یعوق و نه نسر را.
«مرکز تدوین»

اختیار کردند.

یمنی‌ها برای انتشار تعالیم اسلامی به هر جا رفته و پرچم پر جلال این آیین مقدّس را در هر جا به اهتزاز درآورده‌اند.

قشون اسلامی که به رهبری عمرو بن العاص به فتح مصر پرداخت، تقریباً همه افراد آن از مردم یمن بود و همچنان قسمت اعظم آن قشونی که برای پخش اسلام رهسپار شمال آفریقا گردید، از میان قبیله قحطان یمن بود.

مشابهت نزدیک عرف و عادت مردم تونس و الجزایر و المغرب با عرف و عادت مردم یمن شاهد این مدعاست و بنا به گفته علامه دکتور احمد فخری^۱ مردم یمن در پایه‌گذاری مدنیت اسلامی سهم عظیم داشته‌اند.

در اواخر قرن دوّم هجری، کشور و مردم یمن با یک سلسله نابسامانی‌های سیاسی دست و گریبان شد و نهضت و انکشاف سریع آن را که در فروغ اندیشه‌های اسلامی آغاز کرده بود، متوقف ساخت.

این ناقراری‌ها و گیرودارها که از اواخر قرن دوّم هجری شروع شده بود تا عرصه هشت قرن ادامه یافت، مشکلات زیادی را برای مردم این سامان ایجاد کرد.

آخرین حلقه این داستان غم‌انگیز میان مردم یمن و حکومت

۱. دکتور احمد فخری؛ باستان‌شناس، انسان‌شناس و پژوهشگر آثار باستانی مصر و مترجم مصری است که در ۱۹۰۵ میلادی زاده شد و در ۱۹۷۳ به عمر ۶۸ سالگی چشم از جهان فرو بست. این دانشمند بزرگ آثار باستانی زیادی را کشف کرده است و نوشته‌ها و پژوهش‌های ارزشمندی از او بجا مانده است. الأهرامات المصرية، مصر الفرعونية، الواحات البحرية، واحة سيوة، دراسات في تاريخ الشرق القديم، بين آثار العالم العربي، اليمن ماضيها وحاضرها، رحلة أثرية إلى اليمن، انتصار الحضارة، تاريخ الشرق الأدنى تأليف، شجرة الحضارة و أهرامات مصر، از تألیفات و ترجمه‌های اوست. نگاه: أسماء مكرمة في العيد الثاني للأثرين محیط-عبدالرحيم ريحان نسخة محفوظة ۲۷ أبريل ۲۰۲۰ على موقع واي باك مشين.

عثمانی بود که در اواخر عهد خویش به جای صبغه‌های اسلامی، رنگ ناسیونالستی را توسعه بخشید و از این ناحیه برخوردهای متعددی میان مردم یمن و حکومت ترک‌های عثمانی به میان آمده، قیادت یمنی‌ها را در این هنگام‌ها امام منصور محمد بن یحیی حمیدالدین به عهده داشت و در سال ۱۳۳۰ هجری، بعد از معاهده (دعان) دامن این برخوردها برچیده شد و از آن تاریخ به بعد کشور یمن از طرف خاندان حمیدالدین اداره می‌شد.

امام یحیی به یک سلسله فعالیت‌های اصلاحی دست زد، با تضادهای قبیلوی مبارزه کرد، ملوک الطوائفی را از بین برد و در سال ۱۳۴۸ هـ.ق، به شهادت رسید.

بعد از او پسرش امام احمد اداره امور را به دست گرفت و در راه انکشاف یمن قدم‌های مؤثری برداشت.

در سال ۱۹۳۸ م، با جمهوریت عربی متحد، اتحاد فدرالی را امضا کرد و تا ۱۹۶۲ م، ادامه یافت و در آن سال در اثر کودتای عبدالله السلال از بین رفت و بعد از آن تاریخ، یمن باز شاهد خون‌ریزی‌ها و جنگ‌های داخلی گردید که در اثر آن تعداد زیادی از طرفداران امام و عساکر مصری که از حکومت جدید حمایت می‌کرد، از بین رفتند.

و بالاخره در اثر کودتای دیگری به رهبری حسن العمری حکومت عبدالله السلال خاتمه یافت و در ۱۹۶۷ م، قاضی ایرانی^۱ به حیث رئیس جمهور انتخاب شد و از آن تاریخ به بعد

۱. قاضی عبدالرحمن ایرانی، در روز ۱ جمادی الآخرة ۱۳۲۸ هـ.ق چشم به جهان گشود و در ۱۶ ذو القعدة ۱۴۱۸ هـ.ق چشم از جهان فرو بستند. وظایف مختلفی را از نخست وزیر کابینه و وزیر داخله گرفته تا ریاست جمهوری به دوش داشتند. او که رشته‌اش، ادبیات و تاریخ و حقوق اسلامی بود، رهبر فرقه زیدیه هم بود. دیوان.. ملحمة من سجون حجة: شعره، شرحه وصححه أحمد عبد الرحمن المعلمی، تحقیق مجموعة رسائل في علم التوحید: محمد إسماعیل الأمير وآخرین تصحیح وإشراف عبد الرحمن الإيراني. ترجیع الأقطار بمقرص

داستان حوادث خون‌ریزی‌های داخلی خاتمه یافت و اختلافاتی که میان یمن و عربستان سعودی بود، نیز از بین رفت و در این اواخر اختلافی که میان حکومت عدن و صنعا پیدا شده بود، از بین رفته و همه سرگرم یک فدراسیون جدید میان یمن شمالی و جنوبی است، امیدواریم هرچه زودتر جامعه عمل بپوشد.

الأشعار: عبدالرحمن الأنسي تحقيق: عبدالرحمن الإيراني - عبد الله عبد الأله الأغبري و تحقيق الأبحاث المسددة في فنون متعددة لصالح بن مهدي المقبل، از جمله پژوهش‌های علمی و ادبی اوست. برای آگاهی بیشتر از حیات او، نگاه کن: مذكرات عبد الرحمن الإيراني. «مركز تدوين»

(۵)

لییا

شرعیات؛ قوس ۱۳۴۹ھ ش



کشور لیبیا؛ یکی از دولت‌های اسلامی عربی‌زبان در قارهٔ افریقا است. به علت داشتن چاه‌های سرشار نفت، موقف ممتاز اقتصادی دارد. این کشور از سه ایالت طرابلس، برقه و فزان تشکیل شده است.

در شمال آن بحر ابیض متوسط و در شرق آن مصر و سودان واقع است. از جانب جنوب به افریقای استوایی و از طرف جنوب غرب به افریقای غربی و در شمال غرب به تونس متصل است.

این کشور در سال ۱۹۵۱ م، به استقلال خویش نایل شده، مساحت آن ۶۸۵... میل مربع است. نفوس آن .../۳۵۰/۱ است^۱ و بدین شرح:

در ایالت‌های سه‌گانهٔ آن توزیع شده‌اند:

- ۱- در ولایت برقه ۳۰۰۰۰۰۰ نفر مسلمان، ۲۶۲ نفر ایتالوی، ۲۰۰ نفر یهود، ۲۵۱ نفر از جنسیت‌های مختلفه؛
- ۲- در ولایت طرابلس ۸۰۰۰۰۰ نفر مسلمان، ۴۶۸۳۸ ایتالوی، ۳۰۰ یهودی و ۳۸۰۰ نفر از جنسیت‌های دیگر هست؛
- ۳- در ولایت فزان ۴۵۰۰۰ نفر مسلمان است.

۱. فعلاً دارای ۸۷۱،۰۰۰ نفر جمعیت و در ردهٔ ۱۰۸ام در جهان است. نگاه کن: World Population Prospects – Population Division – United Nations. population.un.org. بایگانی‌شده از اصلی در ۱۶ اوت ۲۰۱۵. دریافت‌شده در ۲۰۲۰-۰۶-۱۰. «مرکز تدوین»

در میان باشندگان مسلمان لیبیا به تعداد ۲۱۶۰۰۰ هزار نفر به صفت چادر نشین و کوچی زندگی می کنند.

قانون اساسی لیبیا، پیش از به میان آمدن رژیم قذافی در اکتوبر ۱۹۵۱ م؛ یعنی یک سال پیش از به میان آمدن رژیم بر سر اقتدار جمهوریت عربی متحد، تدوین شده است.

مرکز لیبیا، طرابلس و بنغازی هر دو می باشد. اسلام دین رسمی آن و عربی زبان ملی آن کشور می باشد.

شهر طرابلس که مساحت آن ۲۴۵۰۰ کیلومتر مربع است، نود و یک فی صد باشندگان آن مسلمان بوده و به تعداد حدود ۴۸۳۹۰۵ نفر آن مالکی مذهب و حدود ۳۵۹۲۰ نفر آن حنفی مذهب و حدود ۲۳۲۵۶ نفر آن پیرو مذهب اباضیه است.

به تعداد حدود چهار هزار نفر آن یهود و حدود ۴۷۰۰۰ هزار نفر آن ایتالوی و حدود دو هزار از جزیره مالطه و پنج صد نفر یونانی است که عموم آنان مسیحی می باشند.

ایالت برقه:

مساحت آن ۸۵۵۳۷۰ متر مربع است. باشندگان آن حدوداً ۳۰۰۰۰ نفر و ۹۹ فی صد ساکنان آن مسلمان است و به تعداد پنج صد و بیست نفر مسیحیان اروپایی در آنجا سکونت دارند.

ایالت فزان:

مساحت آن ۴۰۰۰۰۰۰ کیلومتر مربع است. مرکز آن «سبها» و باشندگان آن ۴۵۰۰۰ نفر است و یک تعداد زیاد آن را سیاه پوستان تشکیل می دهد. همه باشندگان آن مسلمان اند، ناگفته نماند، بعد از به میان آمدن رژیم قذافی، قسمت زیادی از خارجیان در لیبیا از خاک آن کشور اخراج شده اند.

انتشار اسلام در لیبیا:

برقه پیش از فتح اسلامی به نام انطابلس شهرت داشت و این کلمه اصلاً یک کلمه رومی است و معنای پنج شهر را می دهد که یونانی ها این شهرها را در عصرهای مختلفی آباد کرده بودند و پس از آنکه عمرو بن العاص در نیمهٔ اخیر سپتامبر ۶۴۲ م، موافق با ۲۱ هجری، فتح اسکندریه را به پایان رساند، عازم برقه شد و در ۲۲ هجری آن را بدون جنگ فتح کرد. باشندگان این منطقه عدالت اسلامی را ملاحظه کردند و به زیر لوای حکومت اسلامی داخل شدند.

در این مرحله مسلمانان در برقه کدّام مرکزی را اساس گذاری نکردند؛ مگر در قرن هشتم شهر المرج را آباد و آن را به حیث پایتخت این ولایت شناختند و آنگاه که عمرو بن العاص در برقه بود، پیش از آنکه به طرابلس برود، لشکری را به سوی زویله که از شهرهای قدیمی فزان بود، به سرلشکری عقبه بن نافع فرستاد و در ۲۲ هجری آنجا نیز فتح شد و پس از فتح شهرهای در میان راه به طرابلس وارد شد و آن شهر نیز فتح گردید و بعد از شهادت فاروق اعظم رابطهٔ مسلمانان به طرابلس تا مدتی قطع شد، در نتیجه مردم این دیار عصیان نموده از اسلام برگشتند و در ایّام خلافت عثمان بن عفّان قشونی که به نام «جیش العبادلة» شهرت داشت، عازم لیبیا شد. در این لشکر هفت نفر از بزرگان صحابه که عبدالله نام داشتند، عضویت داشتند، بدین شرح:

۱- عبدالله بن عباس^۱ کاکای پیغمبر Y ؛

۱. عبدالله بن عباس، فقیه امت قبل از هجرت در مکه به دنیا آمد و در خردی به پیامبر اسلام ایمان آورد و از همان خردی در مکتب پیامبر پرورش یافت. در علم حدیث و قرآن تبحر کامل داشت. وی در تاریخ امت اسلامی از محققان بزرگ امت اسلامی به شمار رفته، او را مفسر قرآن می نامند و از جملهٔ اصحاب اعلّم و افقه رسول گرامی است. نگاه شود: صور من حياة الصحابة، عبدالرحمن رأفت البابشا، ناشر: کانسی رود شالدره، کویته پاکستان، ص: ۱۷۷. «مرکز تدوین»

- ۲- عبدالله بن ابی السرح؛
- ۳- عبدالله بن زبیر؛
- ۴- عبدالله بن جعفر؛^۱
- ۵- عبدالله بن عمر؛^۲
- ۶- عبدالله بن عمرو بن العاص؛
- ۷- و عبدالله بن مسعود.^۳

این قشون چون به برقه رسید، با عقبه بن نافع یکجا شد و بعد از فتح طرابلس عازم افریقا شد. در جمله طوایف و خاندان‌هایی که در راه نشر اسلام و حمایت این سرزمین از استعمار اجانب خدمات قابل قدری کرده‌اند، یکی هم طایفه سنوسی است که برای نخستین بار اساس‌گذاری این حرکت به دست محمد بن علی سنوسی^۴ پی‌ریزی شد.

۱. عبدالله بن جعفر - ذی الجناحین - بن ابی طالب بن عبدالمطلب، اولین نوزاد در اسلام است که در سرزمین حبشه به دنیا آمده‌است. جهت معلومات بیشتر در مورد این یار گرامی رسول آزادی به کتاب: أسد الغابة فی معرفة الصحابة ۳/ ۱۹۹- ۲۰۱ مراجعه کنید. «مرکز تدوین»

۲. عبدالله بن عمر صحابی جلیل‌القدر، کنیه‌اش ابو عبد الرحمن، نام مادرش علقمه و خواهرش صفیه است. در سال دوم بعثت در مکه به دنیا آمد، از کودکی دین آموخت. یازده سال داشت، به مدینه هجرت کرد. در آنجا بزرگ و تربیت یافت. در بدر و احد به نسبت اینکه خرد بود، حضور نداشت. نخستین بار در غزوة خندق اشتراک کرد، چهارده سال داشت. از آن به بعد در غزوات حضور داشت. سرانجام در سال ۷۳ هـ ق ماه ذی الحجة، به عمر ۸۴ سالگی در مکه از دنیا رحلت کرد. نگاه: عبدالله بن عمر الصحابی المؤتسی برسول الله، تألیف: محی الدین مستو، وصور من حیاة الصحابة، المجلد الثانی، رأفت الباشا، ص: ۲۳۵. «مرکز تدوین»

۳. برای آگاهی از شخصیت و کارنامه‌های همه این مردان بزرگ، به کتاب مردان گرداگرد پیامبر نوشته خالد محمد خالد ترجمه کیومرث یوسفی، چاپ نخست مراجعه کنید و برای آگاهی از عبدالله بن ابی السرح به این کتاب‌ها برگردید: سیر أعلام النبلاء (۳/ ۳۴)، «الاستیعاب فی معرفة الأصحاب» لابن عبد البر (۳/ ۵۲) و «الإصابة فی تمييز الصحابة» (۴/ ۱۱۰). «مرکز تدوین»

۴. شیخ محمد بن علی سنوسی سرسلسله فرقه سنوسیه است. در سال ۱۲۰۲ هـ ق در مستغنام الجزایز به دنیا آمده، وی تا ۱۹ سالگی در آنجا بود، سپس به تلمسان رفته و مشغول تحصیل علوم تکمیلی می‌شود. پس از آن به فاس رفته و هفت سال در

اوضاع نابسامان جهان اسلامی این مصلح اسلامی را در عُنْفوان^۱ شباب به شدّت تکان داد؛ لذا برای احیای جامعۀ اسلامی و توحید صفوف ملل اسلامی کمر همت بست. اوضاع نابسامان مسلمانان از نظر او محصول جمود و افسردگی علما و مشایخ و جاه طلبی و راحت طلبی آنان بوده است.

او عقیده دارد، از آن روزگاری که رهبران، از تعقل در وحی اسلام عقب نشینی نموده و جهاد و مبارزه را کنار گذاشته اند، ابر سیاه بدبختی بالای سر مسلمانان سایه افکنده است.

موصوف در راه عملی ساختن اندیشه های اسلامی خویش نخست خود را به زیور علم آراسته کرده است و از عرفان و تصوّف سالم اسلام، بهره مند شد و آنگاه پایه های دعوت اسلامی خویش را بر اساس عقل و روح، جهاد و فداکاری پی ریزی کرد.

او در سال ۱۸۵۸ م، بعد از آنکه پایه های دعوت سنوسی توسط وی اساس گذاری شده و استحکام یافت، پدرود حیات گفت.

بعد از مرگش، فرزند مجاهد او محمّد مهدی سنوسی پرچم جهاد را برافراشت و مراکز دعوت و تبلیغ را در نقاط مختلف لیبیا

آنجا ساکن می شود. از فاس به قاهره و از قاهره به مکه مکرمه می رود و در آنجا با احمد بن ادريس فاسی آشنا شده و شاگرد او می گردد، پس از مرگ فاسی به مغرب بر می گردد. وی در برقه در لیبی ساکن می شود، در سال ۱۲۷۶ هـ.ق، وفات یافته است، از مره مبارزین به نام سنوسیه باید از عمر مختار یاد کرد. گفتنی است که محمد بن علی سنوسی بعد از وفات استادش، جنبش سنوسیه را در مکه پایه گذاری کرد. این حرکت که همزمان با تجاوز اروپاییان به الجزایر و شمال آفریقا بود. مورد استقبال مردم این نواحی قرار گرفت و جنبش سنوسی به عنوان یک تشکل سیاسی با متجاوزان وارد مبارزه شد و تلاش های زیادی برای آزادی قاره آفریقا از چنگال استعمارگران انجام داد. برای آگاهی بیشتر از شخصیت امام محمد سنوسی، به جلد اول کتاب «الثمار الزکیة للحركة السنوسية فی لیبیا» از علامه مؤرخ دکتور علی محمد الصلابی می توان برگشت. «مرکز تدوین»

۱. ابتدای جوانی و بهجت آن. نگاه: لغت نامه دهخدا. «مرکز تدوین»

و سایر بلاد افریقایی از قبیل سودان و نیجر آباد کرد. موصوف برای مقاومت با حرکت‌های تبشیری مرکز فعالیت خود را به واحه الکفرة انتقال داد؛ تا بتواند جلو حرکات تبشیری را در افریقای عربی بگیرد و بعد از تسلط فرانسویان بر بعضی از مناطق، مبارزات این مجاهد مسلمان کسب صیت کرد؛ اما مرگ او را موقع نداد و در ۱۹۰۲ م، وفات کرد و هنگام مرگ او ۱۴۶ مرکز تبلیغ و فعالیت سنوسی‌ها در نقاط مختلف افریقا اعمار شده بود و بعد از او پسر بزرگش محمد بن ادریس رهبری این طایفه را به دست گرفت و در مبارزات آزادی‌خواهی مردم لیبیا نقش فعالی داشت و در ۱۹۵۱ م، بعد از آنکه وطن خود را از چنگال ایتالیایی‌ها آزاد ساخت، به حیث زمامدار آنجا انتخاب شد.

حرکت و جنبش سنوسی‌ها شاهد این مدعاست که تصوف و عرفان حقیقی اسلام، عنوان جنبش اصلاحی را داشته و تاریخ حیات صوفیان واقعی مملو از صفحات جهاد و مبارزه است.

اقتصاد لیبیا:

لیبیا با داشتن ثروت‌های زراعتی و حیوانی، چشمه‌های بزرگ نفتی در ساحه اقتصادی از جمله دول غنی و پردرآمد است. کمک‌های این دولت بعد از جنگ ۱۹۶۷ م، مهم‌ترین عاملی بود که اقتصاد مصری را از ورشکست قطعی نجات داد.

پیداوار زراعتی آن عبارت است از: جو، گندم، زیتون، مالته، خرما، انگور، انجیر و غیره، بعد از به میان آمدن حکومت معمر القذافی^۱ نقش لیبیا در ساحه سیاست بین‌المللی روز به روز کسب

۱. برای معلومات بیشتر در مورد شخصیت، عملکرد و سیاست‌های قذافی به این کتاب مراجعه شود: «حرمسرای قذافی»، نویسنده: آنیک کوژان، ترجمه: بیژن اشتری، نشر ثالث. «مرکز تدوین»

قوت می‌کند.

سخنرانی اخیر معمرالقذافی در کانگریس اسلامی منعقدۀ
طرابلس در سال جاری نمودار این حقیقت است که لیبیا در عهد
جدید خویش روی ارزش‌های سالم اسلام به انکشاف خویش
ادامه می‌دهد.

(۱)

به یاد استاد توانمند و بزرگوار پوهاند توانا

هفته نامه مجاهد؛ چهارشنبه، ۱۸ اسد ۱۳۸۵ هـ ش، دور هفتم - سال

پنجم - شماره پانزدهم.



وفات استاد توانا نه تنها برای جمعیت اسلامی افغانستان، اعضا و هواداران آن؛ بلکه در حلقه‌های علمی و فرهنگی کشور، ضایعه‌ای است بس بزرگ و جبران‌ناپذیر، سالیان درازی جای این بزرگ‌مرد علمی و فرهنگی در جمع دانشمندان کشور خالی خواهد ماند.

به‌حق استاد توانا، یک‌تن از بزرگ‌ترین شخصیت‌های علمی دوران معاصر کشور و بارزترین چهره نهضت اسلامی و از معماران اولین و مؤسسين نخستین رستاخیز اسلامی بود.

او در خانواده تقوی و طهارت از سلاله اهل بیت پیامبر اکرم ﷺ چشم به جهان گشود. اعضای خانواده او همه علم‌دوست و سخت‌متدین و متعبد بودند؛ لذا از همان بامدادان زندگی‌اش تاروپود وجودش با حُب دین و دانش گره خورد.

در روزهای آغازین و بهاران نهضت با دهن باز کردن شکوفه‌های نخستین، شکوفان شد و در بستر تحولات و مراحل مختلف آن تا آخرین لحظات که جهان فانی را وداع می‌کرد، دست از تلاش و مبارزه و تدریس و دعوت برنداشت.

ابوذرگونه^۱ زیست و به‌سان اباذر در تنهایی به دیار ابدیت

۱. ابوذر غفاری؛ یکی از یاران رسول اکرم است و عمدتاً با نام جُنْدُب بن جنادة شناخته می‌شد. ابوذر ۵۸ سال قبل از هجرت در مدینه منوره در قبیله «بنی غفار» زاده شد. وقتی خبر رسول الله به‌گوشش رسید، برادرش را به مکه فرستاد؛ تا در مورد دین محمد تحقیق کند؛ اما اطلاعاتی که برادرش برایش آورد. وی را راضی نکرد

شتافت.

﴿عاش وحيداً ومات وحيداً وسيُبعث عند الله وحيداً﴾^۱

او در زندگی برای خود چیزی نخواست و چون فرهنگیان ستم‌ستیز و دانشوران بلندهمت در فقر و محرومیت به سر برد. همه سرمایه‌اش دین و دانش و بضاعتش تقوی و طهارت بود. در کمال تواضع و فروتنی، همت عالی، ارداء آهنین و تصمیم شکست‌ناپذیر داشت؛ چون در کاری که یک‌بار تصمیم می‌گرفت دیگر محال بود، کسی او را از تصمیمش برگرداند. با خوش طبعی مزاح و بذله‌گویی‌های دل‌پذیر همیشه غرقی در تفکر و اندیشه بود.

حوادث غم‌انگیز کشور و اوضاع ذلت‌بار و دردآور جهان اسلام، وجدان آگاهش را سخت آزار می‌داد؛ لذا بیشترین اوقات سیمای تابناک و نورانی‌اش حزین و افسرده بود. باآنکه فقیه جدلی مشرب و عقل‌گرا بود، دل‌باخته عرفان و تصوّف بود و به عرفا و صوفیان وارسته محبّت و اعتقاد بی‌دریغ داشت.

طبیعت عیاری داشت و مشرب سربه‌داران خوش می‌آمد، در دوستی مستحکم و صادق و در رفاقت و یاری وفادار و صمیمی بود، بغایت ذهن و زیرک، نکته‌سنج و حاضر جواب، زودرس و عمیق، دوربین و ژرف‌اندیش بود؛ پیشگویی‌هایش راجع به اشخاص و حوادث دقیق و درست بود.

در اظهار حق بیم و هراس نداشت، کم‌توقع و مخلص

و شخصاً به مکه رفت. در آنجا با رسول الله و ابوبکر صدیق دیدار کرد و به اسلام مشرف شد. وی پس از آن در شام زندگی می‌کرد. سرانجام این یار گرامی رسول الله در سال ۳۲ هـ، چشم از جهان فرو بست. نگاه: ابوذر زبان تلخ حق، از محمد جلال کشک والإصابة (۶۳/۴). «مرکز تدوین»

۱. السيرة النبوية از ابن هشام، ۵۲۴ / ۲، المستدرک از حاکم، ۵۱ / ۳. «مرکز تدوین»

بود. حق گو، حق پسند و صریح اللهجه بود. او به میهن عزیزش افغانستان عشق می ورزید؛ بعد از دریافت شهادت نامه دکتورا در رشته «فقه و اصول فقه» از دانشگاه کویت پیشنهادی برایش رسید که در برابر هزاران دالر حقوق ماهانه به عنوان استاد در دیپارتمنت فقه و اصول فقه آن دانشگاه ایفای وظیفه کند؛ اما با بی اعتنایی تمام آن را رد کرد و راهی کشورش شد؛ تا در برابر حقوق ماهانه چند صد افغانی در دانشگاه کابل^۱ تدریس کند و با سکونت در اتاق های کرایه شهر کهنه کابل در تابستان و زمستان، پوست نازک جسدش آماج تهاجم قشون خسک های بی رحم قرار گیرد و هر بامداد قبل از حرکت به محل کار، قسمت زیادی از وقت گران بهایش به پاک کردن خون های ریخته توسط خسک ها صرف می گردید و چه بسا که به آهنگ شوخی می گفت:

«ای خسک های بی رحم! سوای من بیچاره و این توانای ناتوان! کدام ظالم و ستمگری را در شهر نمی شناسید تا خونش را بریزید و خلق خدا را از ظلمش برهانید؛ مگر وای بر من و ننگ بر شما باد که شما همچون ما انسان ها، در برابر ستمگران، فرومایگی و کرنش می کنید و مظلومان را اذیت و آزار می دهید.» رساله دکتورایش در باب اجتهاد^۲ به عنوان رفرنس و مرجع در دانشگاه های عربی مورداستفاده قرار دارد؛ اما در کشورش ناشناخته باقی مانده است.

۱. دانشگاه کابل؛ بزرگترین مؤسسه تحصیلی در افغانستان است، سنگ تهادب آن با ایجاد دانشکده طب در سال ۱۳۱۱ هـ.ش مطابق ۱۹۳۲م، گذاشته شد. این دانشگاه یگانه مؤسسه تحصیلات عالی است که در کتاب سبز «یونسکو» ثبت است و دیپلوم آن از شناسایی بین المللی برخوردار است و فعلا دارای پانزده دانشکده می باشد. نگاه: جغرافیای عمومی ولایات افغانستان، ص: ۲۰۶. «مرکز تدوین»
 ۲. نام کامل کتاب شان این است: «الإجتهد ومدی حاجتنا إلیه فی هذا العصر» دانشمند بزرگوار و فقیه مجتهد دکتر یوسف قرضای در کتابی که در باب اجتهاد نوشتند، از این اثر استاد به عنوان منبع بهره برده اند. «مرکز تدوین»

استاد از بی‌اعتنایی جامعه‌اش به دانش و دانشمند آگاه بود، بارها برای اقامهٔ حجّت بر این مدعا حادثه‌ای را که در مورد خودش اتفاق افتاده بود، یادآور می‌شد و می‌گفت:

«از مدت‌هاست که در سرزمین مانده عالم قدر خود را می‌شناسد و به خود احترام می‌کند و نه هم مردم و جامعهٔ ما به علما ارج می‌گذارند.»

و اضافه می‌کرد: «هرگز حادثه‌ای را فراموش نمی‌کنم، آنجا که با یک عالم امید و آرزومندی به کشور برگشتم و در «کوتهٔ سنگی» اقامت گزیدم، روزی که دریشی جدیدم را به تن کردم و روانهٔ دانشگاه بودم، در مسیر راه در قسمت چهارراهی کوتهٔ سنگی شخصی به دنبالم به سرعت روان شد و از اینکه به رسم خانوادهٔ مجددیان کشور دستار سفیدی به سر بسته بودم، فهمید که عالم دینم، نزدیکم آمد و گفت: با تو کار دارم، به دنبالش روان شدم، مردی را که در کنار جاده‌ای که چادر چرکین به رویش پهن شده بود، ملاحظه کردم، گفت: این مریض متعلق به خانوادهٔ من است، مخاطبم قرارداد و گفت:

«ملا صاحب! په نونیولو پوهیږی؟» یعنی هنر ناف‌گیری را یاد داری تا مریض را معالجه کنی؟

درحالی که سخت قهرم گرفته بود، نزدیک بود از این صحنهٔ غم‌انگیز؛ اما خنده‌آور، با قهقهه بخندم، خود را کنترل کردم، درحالی که یأس و حسرت سراسر وجودم را فرا گرفته بود و جهل و عقب‌ماندگی و محرومیت مردم کشور قلبم را فشار می‌داد، به مهربانی برایش گفتم: هنر ناف گرفتن را یاد ندارم؛ اما آماده‌ام با تو به شفاخانهٔ علی‌آباد بروم تا مریضت معاینه و علاج گردد.

در جوابم گفتم: «خه، ملا صاحب چی په نونیونکی

نپوهیږي، زما وخت مه ضایع کوه.»^۱

راه خود را گرفتم و روانه دانشگاه شدم در راه با خود می‌گفتم: خدایا در چه وضع بدی به سر می‌بریم! در کشوری با تاریخ و فرهنگ آریانای کهن و خراسان مهد تمدن مشرق زمین، در این دوران فترت و فرهنگ‌زدایی و دانش‌ستیزی چه شیادان بی‌هنری وجود دارند که از علوم و معارف دینی هیچ بهره‌ای نداشته، به نیرنگ خود را در جامه علمای دینی جا می‌زنند و به جای هدایت‌گری مردم، کار طبیبان معالج را و آن‌هم به شیوه مبتذل و خرافی انجام می‌دهند و چه بسا از مدعیان و منسوبان به طبابت که هنر طبابت ندارند، شاید در پهلوی سایر بی‌هنری‌ها، حرفه تعویذنویسی به مریضان را وسیله کسب روزی و ارتزاق کرده باشند.»

استاد توانا با چنین صحنه‌های عقب‌ماندگی فرهنگی و دانش‌ستیزی، بارها در زندگی روبه‌رو شده‌است. بعد از شکست طالبان زمانی که استاد دوباره تصمیم می‌گیرد، در دانشگاه کابل به‌عنوان استاد به تدریس آغاز کند، میرزا قلم‌ها و کورسوادانی که در وزارت تحصیلات عالی در دوران حکومت انتقالی زمام وزارت را به دست گرفته بودند، با داشتن رتبه علمی پوهاندی و سابقه طولانی در دانشگاه به بهانه‌های مختلف از جمله فقدان اسناد و اوراق وزارت تحصیلات عالی مانع رفتن او به دانشگاه و تدریس می‌گردند و بعد از قبول صدها بار دویدن به دروازه مسئولان وزارت بعد از مدت طولانی موفق می‌گردد تا دوباره

۱. ملا صاحب حالا که ناف‌گیری را بلد نیستی برو و وقت ما را ضایع مکن. «مرکز تدوین»

به عنوان استاد در دانشگاه عبدالله بن مسعود^۱ در ولایت تخار^۲ به تدریس پردازد.

داستان علم‌ستیزی و دانشمندآزاری تنها حکایتی نیست که در کشور ما در زندگی استاد توانا رخ داده است، از باب تداعی حوادث در حریم فرهنگیان و استادان به یادم آمد که چندین بار ده‌ها تن از استادان دانشگاه نزدم آمدند و گفتند: حدود دو دهه می‌گذرد، در آپارتمان‌های محقری محل سکونت استادان زندگی می‌کنیم، از دولت هم فرامینی به دست داریم و اقساط متعددی از قیمت این آپارتمان‌ها را نیز پرداخته‌ایم؛ اما تهدید می‌شویم، اگر به رضا و رغبت خانه‌ها را تخلیه نکنیم، ما را با اهل و عیال مان به‌زور از خانه بیرون می‌کنند، از بیم و برچهٔ محافظان ارگ، دستانمان به دامن رئیس‌جمهور نمی‌رسد، در این باب، از من طالب کمک شدند، نمی‌دانم بعد از اندک تلاش من، سرنوشت این استادان محترم چه شد؟

استاد توانا اگر در مصر و شرق میانه می‌بود، کم از کم در

۱. دانشگاه عبدالله بن مسعود؛ در دوران جهاد به دلیل ازدیاد نسل جوان و کمبود امکانات، دانشگاه دعوت و جهاد که نمی‌توانست جوانان زیادی را جذب کند و دیگر اینکه در ۴۰ کیلومتری شهر پشاور قرار داشت. بنابراین استاد شهید، دانشگاه عبدالله بن مسعود را اساس گذاشت و تعدادی از نوجوانان و جوانان را به تعلیم فرا خواند. این دانشگاه بعد از پیروزی جهاد به ولایت تخار انتقال یافت و تا اکنون در آن ولایت فعالیت دارد که متعلق به وزارت تحصیلات عالی جمهوری اسلامی افغانستان است. نگاه: فرو مرد قنديل محراب‌ها/ ۴. «مرکز تدوین»

۲. تخار؛ یکی از ولایت‌های شمال‌شرقی افغانستان است. مساحت آن ۸، ۱۲۴۵۷ کیلومتر مربع و جمعیت آن در سال ۱۳۹۱ هـ. ش، ۷، ۹۳۳ نفر محاسبه شده است و مرکز آن شهر تالقان است. نگاه: جغرافیای عمومی ولایات افغانستان، ص: ۴۶۲ - ۴۶۷. «مرکز تدوین»

قطار شیخ محمد ابو زهره^۱ و محمد غزالی مصری^۲ جای داشت

۱. شیخ محمد ابو زهره؛ از دانشمندان برجسته اسلام و بزرگترین عالم شریعت در عصر خویش به‌شمار می‌رود. در سال ۱۸۹۸م، در مصر به دنیا آمد و در سال ۱۹۷۴م، به‌رحمت حق پیوست. در الازهر و قاهره تدریس کرد. و به بالاترین رتبه علمی نایل گردید و به لقب امام شهرت پیدا کرد. تألیفات وی خاتم النبیین (در ۳جلد)، المعجزة الكبرى، القرآن الکریم، تاریخ المذاهب الإسلامية، العقوبة فی الفقه الإسلامی، الجريمة فی الفقه الإسلامی، الأحوال الشخصية، اصول الفقه، أحكام التركات و الموارث، محاضرات فی عقد الزواج و آثاره، الدعوة إلى الإسلام، مقارنات الأديان، محاضرات فی النصرانية، تاریخ الجدل، تنظیم الأسرة و تحديد النسل، ابوحنيفة، حياته و عصره و آراؤه و فقهه و غیره از تألیفات وی است. نگاه: روابط بین الملل در اسلام، محمد ابو زهره، مترجم: سید احمد اشرفی/ ۱۱. «مرکز تدوین»

۲. شیخ محمد غزالی مصری؛ از بزرگترین فقهای معاصر و از رهبران و داعیان اصلی جریان جهانی اخوان المسلمین بود. او در ۲۲ سپتامبر ۱۹۱۷م، در محافظة البحيرة کشور مصر به دنیا آمد. در کودکی قرآن کریم را حفظ کرد و پس از اتمام دوره دبیرستان در مدرسه دینی اسکندریه، در سال ۱۹۳۷م، به دانشکده اصول دین، جامعة الازهر قاهره پیوست. پس از اتمام دوره تحصیلات عالی به یکی از داعیان اصلی اخوان المسلمین تبدیل شد. مدتی سردبیر مجله اخوان بود و در همین زمان، نخستین کتاب خود با نام «الإسلام والأوضاع الاقتصادية» را به چاپ رساند و طولی نکشید که تبدیل به مؤلفی پرکار و فقیهی مشهور شد. در زمان انور سادات، به معاونت وزارت اوقاف رسید. در این مدت با سخنرانی در مساجد مختلف و به‌خصوص در مسجد «عمر و بن عاص قاهره، خیل عظیمی از جوانان را شیفته خود کرد؛ اما با شروع اعتراض‌های غزالی، انور سادات تمام مناصب حکومتی را از او پس گرفته و بعد از افزایش فشارها، نهایتاً به دعوت دانشگاه «ام‌القری»، به عربستان سفر کرد. بعد از هفت سال قید ممنوع‌الورود بودن، او به مصر بر داشته شد و غزالی مجدداً مدتی را به عنوان معاونت وزارت اوقاف، مصر سپری کرد و سپس به دانشکده الهیات قطر پیوست. همواره حضور پررنگ در مجامع اسلامی و تبلیغی داشت و از سال ۱۹۸۴م، به‌عنوان ریاست دانشگاه «امیر عبدالقادر» الجزایر، به دروس تفسیر قرآن پرداخت، ضمن اینکه مقام افتای دانشگاه را هم به‌عهده داشت. در همین موقع، برنامه‌های هفتگی تلویزیونی را در الجزایر اجرا کرد که با استقبال کم‌نظیری مواجه شد. بعد از پنج سال اقامت در الجزایر ناچار شد به‌خاطر شرایط نامناسب جسمی، الجزایر را ترک کند. نشان لیاقت را که بزرگ‌ترین نشان الجزایر بود از دست رئیس‌جمهور وقت، «شاذلی بن جدید» دریافت کرد. بعد از بازگشت به مصر، از سوی دکتور «طه جابر علوانی» به ریاست شورای علمی «مؤسسه اندیشه اسلامی» دعوت شد و او در کنار برخی از بزرگ‌ترین اندیشمندان مصر مثل جابر العلوانی، محمد سلیم عوا، دکتور محمد عماره و... شروع به فعالیت کرد. در سال‌های اخیر زندگی، شخصیت علمی او مورد تقدیر کشورهای مصر،

و یا چون همشهری ولوالجی اش ملاشاه بدخشی راه خود را به دربار اورنگ‌زیب^۱ معاصری باز می‌کرد؛ اما در سرزمینش با همه تقوی و دانش، در ظلمت گمنامی و نسیان به سر برد، با فقر و محرومیت دایم دست و گریبان بود.

سرانجام، در تنهایی و به دور از نیاز به طیبیان، روان خسته و حزینش فضای پرفتنه و آشوب زندگی را وداع گفت و به ملکوت اعلی شتافت. روحش شاد و راهش پر رهرو باد.

﴿...إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ﴾^۲

عربستان، قطر، مالیزی و.. قرار گرفت. در سال ۱۹۹۵م، در پنجاهمین سالگرد تأسیس سازمان ملل متحد در امریکا شرکت کرد. سرانجام این اندیشمند بنام، در ۹ مارس ۱۹۹۶م، در عربستان دچار حمله قلبی شد و جان به جان آفرین سپرد. استاد غزالی با تألیف بیش از ۵۰ اثر در حوزه اسلام‌شناسی، یکی از تأثیرگذارترین شخصیت‌های دینی قرن بیستم به شمار می‌رود. نگرش نو در فهم قرآن، نگرش نو در فهم حدیث، فقه‌السیره، حقیقت تلخ، تولد دوباره و.. از آثار اوست. برای معلومات بیشتر نگاه شود، الشیخ الغزالی کما عرفت، رحله نصف قرن، از دکتور یوسف قرضاولی. «مرکز تدوین»

۱. اورنگ‌زیب؛ عنوان و لقب شاهزاده محی‌الدین محمد است که ۱۵ ذی‌القعدة ۱۰۲۷ هـ.ق، به دنیا آمد و در ۲۸ ذی‌القعدة ۱۱۱۸ هـ.ق، چشم از جهان پوشید. ششمین امپراتور هند بین سال‌های ۱۰۶۸ - ۱۱۱۸ هـ.ق، از سلسله تیموریان هند، سومین پسر شاه‌جهان امپراتور دهلی بود. مادرش ارجمندبانو نام داشت که ملقب به ممتاز محل بود. در اوایل عمر سیرت اهل زهد می‌ورزید؛ اما در رمضان ۱۰۶۸ هنگامی که پدرش بیمار بود به کمک برادر خویش مرادبخش شهر «آگره» را گرفته پدر را به زندان افکند. پس از آن مرادبخش را فروگرفت و خود به دهلی رانده به سلطنت نشست. چندی پس از جلوس، مرادبخش و برادر دیگری از آن، خود را کشت. اورنگ‌زیب در توسعه قلمرو خویش اهتمام کرد. در مذهب سنت تعصب تمام داشت. از هندوان جزیه گرفت. دربار باشکوه ترتیب داد و بعد از قریب ۵۰ سال سلطنت عاقبت در شهر احمدنگر از توابع دکن درگذشت. بعد از او دومین پسرش محمد معظم با لقب شاه عالم بهادرشاه به سلطنت نشست. نگاه: سلطان اورنگ‌زیب عالمگیر؛ حیات و عصره، از صاحب عالم الأعظمی الندوی، کتابخانه

بنیاد دایرة المعارف اسلامی، تهران و لغت‌نامه دهخدا. «مرکز تدوین»
 ۲. بقره/ ۱۵۶. کامل آیه مبارکه این است: ﴿الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمْ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ﴾ (کسانی که چون مصیبتی به آنان برسد، می‌گویند: ما از آن خداییم و به سوی او باز می‌گردیم.) «مرکز تدوین»

(۲)

به یاد مولوی محمدیونس خالص

هفته نامه مجاهد؛ چهارشنبه، ۸ سنبله ۱۳۸۵ هـ ش، دور هفتم - سال

پنجم - شماره پانزدهم.



ما، در یک روز (چهارشنبه) شاهد رحلت دو تن از بزرگ مردان دانشور کشور، مولوی محمدیونس خالص و استاد توانا بودیم. این دو شخصیت بزرگوار آن طور که از لحاظ زمانی قرین یکدیگر، جهان پر آشوب و فتنه را وداع گفتند و به لقاء الله پیوستند. از لحاظ فکر و اندیشه، مشرب و روش زندگی تشابه، بینش فلسفی در مورد حیات و هدف خلقت انسان در زمین، خیلی به هم نزدیک بودند.

راجع به شخصیت پوهاند توانا تذکر کوتاهی داشتم. بر دوستداران دین و دانش و یاران و همراهان این دو و امثال این بزرگواران است تا در معرفی آنان مقالات و کتابهایی تدوین گردد، سیمناها و جلساتی دایر گردد تا نسلهای امروز و فردای افغانستان با ابعاد مختلف زندگی بزرگان خویش معرفت و آشنایی پیدا کند و از سیرت نیک آنان الگو برداری و به مثابه این مشعل داران با فضیلت علم دوست، باتقوی و مؤمن بار آیند.

مولوی محمدیونس خالص عالم متبحر، فقیه متمکن، حافظ کلام الله مجید، شاعر و نویسنده توانا بود. از سپیده دم جوانی، چنانکه دوستانش شهادت می دهند، شخص پر شور و پر خاشگر بود، با آنکه پیرو مسلک علمای دیوبند^۱ و از علمای

۱. دارالعلوم دیوبند؛ یکی از مراکز بزرگ علمی جهان اسلام مربوط به مذهب احناف است. دانشمندان بزرگی را به جامعه اسلامی تقدیم کرده است. این دارالعلوم در ۱۵ محرم ۱۲۸۳ هـ. ق، همزمان با ۱ می سال ۱۸۶۶ م، پس از تخریب دهلی توسط

سنتی و محافظه کار بود، برخلاف دیگر هم مسلکانش با سرسختی و تندی چون سلفی ها علیه بدعت و خرافات مبارزه می کرد، در مدارس و مساجدی که تدریس و امامت داشت، در برابر خوانینی که این مدارس و مساجد به همکاری آنان تمویل می شد، به شدت به مقابله برمی خاست و علیه مفاسد و ستمگری های آنان بدون ترس و هراس تبلیغ و مردم را علیه ایشان تحریک می کرد و در برابر فشار زر و زور تسلیم نمی شد.

بعد از سال ها تدریس و تبلیغ در اطراف و ولایات وارد پایتخت کشور شد و بعد از مدت زمانی تدریس در مراکز علمی نظر به عشق و علاقه ای که به ژورنالیزم داشت، در ریاست عمومی مطبوعات در مدیریت مجله پیام حق^۱ مشغول خدمت شد و با نوشتن مقالات و ترجمه مضامین علمی زبان عربی، به مجله پیام حق رونق بخشید. مقالاتش در مجلات و نشریات مختلف مرکز و ولایات چاپ می شد و با سهم گیری در ایراد موعظه ها و برنامه تفسیر قرآن کریم در رادیو کابل، در پخش و نشر معارف اسلامی سعی و تلاش می کرد.

در دهه قانون اساسی که فعالیت های سیاسی و نشریات آزاد و نیمه آزاد به کار آغاز کردند، مولانا با تمام نیرو، وارد عرصه کار و پیکار شد، با مرحوم گهیز به عنوان مؤسس و همکار «جریده گهیز» کار می کرد و با نهضت نوپای اسلامی با اینکه سن و سالش به شصت می رسید مانند یک جوان بانیر و پراورزی و یک انقلابی پرشور فعالیت می کرد، در گردهمایی ها و تظاهرات

مغول ها و سیطره انگلیس ها، به وسیله شیخ قاسم نطاوی و به کمک شیخ رشید احمد گنگوهی به عنوان حامی معنوی آن، تأسیس و شروع به فعالیت های تعلیم تربیتی دینی کرد. «مرکز تدوین»

۱. مجله پیام حق؛ ارگان نشراتی وزارت ارشاد حج و اوقاف کشور است. «مرکز تدوین»

شرکت می‌کرد، در جلسات اعضای نهضت حضور می‌یافت. دروازه‌خانه و جای بودوباشش با موجی از رفت‌وآمد جوانان نهضت چون لانه زنبور عسل بود. از طریق فکر و قلم، تبلیغ و دعوت، دفتر و منبر، از نهضت اسلامی دفاع می‌کرد. برخلاف سیمای ظاهر سخت‌گیرانه و متحجرنما، شخصیت روشن‌فکر باذوق و خوش‌مشرّب و بانزاکت بود، شنیدن موسیقی را می‌پسندید. به گفته خودش ساعت‌ها به ابیات و غزل‌های متین و دل‌نشین را استماع می‌کرد و از موسیقی مبتذل و معنویت‌گش و اخلاق‌سوز نفرت داشت.

درصدد جمع‌آوری احادیث پیامبر گرامی و اقوال ائمه سلف در باب جواز موسیقی بود؛ تا کتابی را در این باب تألیف کند. اگرچه فقیه حنفی مذهب و تا حدی متعصب بود و در باب علم کلام، مشرب اشعری داشت؛ اما کتاب «عقیده الطحاوی» دانشمند حنفی مذهب را که اثر خود را در علم کلام به روش سلفی‌ها نوشته است، شرح کرد و بدین‌وسیله نشان داد که در حال پیروی از یک مکتب فقهی مخصوص، طرفدار دگم و تحجر نیست و به دنبال قوّت، حجت و برهان و کشف حقیقت است. بعد از کودتای داودخان^۱ و قدرت گرفتن نفوذ جریان‌های

۱. داود خان؛ در سرطان ۱۲۸۸ هـ.ش، در کابل به دنیا آمد، پس از پایان تعلیمات ثانوی نظامی، در سال ۱۹۳۱ م، وارد دانشکده افسران اردو گردید، در دوران دهه ۱۹۳۰ و ۱۹۴۰ م، وی پست‌های گوناگونی ایفاء وظیفه کرد، در سال‌های ۱۹۴۹ - ۱۹۵۰ م، وزیر دفاع و از سال ۱۹۵۳ تا ۱۹۶۳ م، به‌عنوان نخست‌وزیر کشور بود. ظاهرشاه، او را در سال ۱۹۶۳ م، برکنار کرد. او در ۲۶ سرطان ۱۳۵۳ هـ.ش، با توسل به کودتای نظامی سرد، ظاهرشاه پسر کاکایش را از سلطنت خلع کرد، نظام جمهوری را بنا نهاد، وی از ابتدا دارای افکار چپی و یک‌ناسیونالیست بود، از این‌رو با حزب دموکراتیک، به ویژه شاخه پرچم، روابط نزدیکی داشت و از آن‌ها در پیروزی کودتا استفاده کرد، پس از پیروزی برای کادرهای این جناح، پست‌های مهم و کلیدی داده‌شد، گفته می‌شود که در اواخر سال‌های قدرتش از مسکو و از چپی‌ها فاصله گرفت. به هر حال؛ پس از کودتای ۷ ثور ۱۳۵۷ هـ.ش، حزب

کمونیستی که همیشه با سرسختی با آنان در مبارزه بود، عزم هجرت کرد و به سرزمین پاکستان مهاجر شد و مدتی در انزوا [به سر برد و پس از] کودتایی مارکسیستی همراه با دوستان خویش به جهاد مسلحانه پرداخت. بر فراز قله‌های غرورآفرین سپین‌غر در منطقه «توره بُره» که بعد از حادثه یازدهم سپتامبر شهرت جهانی پیدا کرد، قرارگاه رهبری گروه جهادی خویش را پایه‌گذاری کرد و از همان محل عملیات نظامی را رهبری و اداره و شخصاً در حملات جنگی در دوران تهاجم اتحاد شوروی سهم می‌گرفت. او تیرانداز ماهر بود، می‌گفت: هرگاه هدف را تشخیص بدهم، تیرم هرگز خطا نمی‌رود.

با آنکه عمرش در میان شصت و هفتاد قرار داشت، در دره‌های صعب‌العبور و بر صخره‌های سخت چون آهوان تیزپای میهن عزیزش از صخره‌ای بر صخره‌ای می‌پريد و قله‌های تسخیرناپذیر را چون عقابان آهنین بال کھساران کشورش می‌پیمود.

مقوله ﴿إِخْشَوْشُوا فَإِنَّ النِّعْمَةَ لَا تَدُومُ﴾^۲ ورد زبان و شعار سلوک عملی‌اش را تشکیل می‌داد. صلابت و سرسختی در اداره و عمل، جهاد و مبارزه و معیشت، مسلک‌گزیده او بود. ساده و بدون پیرایه می‌زیست؛ اما با وجود لباس و قیافه‌ای بدوی‌نما طبیعت شاعرانه و بانزاکت و سلیقه خاص و مرغوبی داشت.

رزمجو، پرخاشگر، آزادمنش بیگانه‌ستیز بود، مصداق بیت

دموکراتیک خلق، داود را با ۳۹ نفر از اعضای فامیلش به قتل رسانیدند. نگاه: داودخان در گذشته ننگین، حاضر جنایت‌بار، مستقبل هولناک و سیمای زعامت داودخان، از استاد شهید و افغانستان در پنج قرن اخیر از امیر محمد صدیق فرهنگ. «مرکز تدوین»

۱. اینجای متن قابل خوانش نبود، با تقریب افزودیم. «مرکز تدوین»

۲. (با سختی‌ها خوی گیرید که نعمت‌ها پایدار ندارد.) نگاه: ابن حدیث را الطبرانی در معجم‌الکبیر و ابن شاهین در الصحابة وأبونعیم در المعرفة روایت کرده‌است. «مرکز تدوین»

شعری بود که می گوید:

تو شاهینی قفس بشکن، به پرواز آی و مستی کن
که بر آزادگان داغ اسارت سخت ننگین است.^۱

اندک ترین پیش آمد و سخنی که غرور و غیرت و شهادت او را
جریحه دار می ساخت برایش قابل تحمّل نبود، فوراً عکس العمل
جدّی از خود نشان می داد؛

به یاد دارم، بارها در برابر مسئولان رده های بالای سیاسی و
نظامی پاکستان به علت صحبت آنان که در آن عدم ارج گذاری
از آن را احساس می کرد و حتّی تقاضای منطقی که با مزاحش
سازگار نمی بود، به شدّت مقابله می کرد و اعلان برائت و بیزاری
می کرد و از قبول همکاری نظامی و لوژیستکی به جبهات جهادی
مربوطه اش امتناع می ورزید و فوراً رهسپار داخل کشور می شد؛
ماه ها بدون کم ترین امکانات در فقر و محرومیت به جهاد
و مبارزه خویش علیه قشون اشغالگر اتحاد شوروی می رزمید و
خویش را از کمک های بین المللی محروم می ساخت.

زندگی در نگاه او مفهوم غیر از دعوت و جهاد را نداشت؛
در سفری که بنا به دعوت حکومت امریکا عازم واشنگتن
شده بود، در هنگام دیدار با رئیس جمهور امریکا ریگان، از وی
دعوت کرد که اسلام را بپذیرد. هنگام ملاقات با رئیس جمهور
امریکا گفته بود: حیف است دلیرمردی مانند خودت که اتحاد
شوروی را به عنوان امپراتوری شرق خطاب کرده و کمر مقابله با
آن را بسته ای، مسلمان نباشد.

ریگان تحت تأثیر صراحت و جرأت او قرار گرفته بود، جواب
داد، در موردش فکر می کنم.

او متوجه شده بود این مجاهدانی که با قشون غول پیکر روس

۱. مضطرب باختری. «مرکز تدوین»

درنبردند، با آن زمامداران سیاسی کشورهای اسلامی فرق دارند چون وارد قصر سفید شوند، با ذلت و زبونی دست به سینه می گذارند و گوش به فرمان اند.

اینجاست که به جای اینکه مزاجش منقلب گردد، با احترام اظهار می کند:

مولانا در مورد غور می کنم؛

مولوی خالص جواب می دهد: امیدوارم جدی فکر کنید. مولوی خالص با وجود تندخویی و ترش رویی ظاهری، اهل ظرافت و خوش طبعی بود، روزی که حکمتیار رساله ای را تحت عنوان: «حقیقت نفاق» به منظور حمله و جنگ تبلیغاتی علیه جمعیت و رهبر آن نوشته و به دسترس او قرار داده و از او می خواهد تقریظی بر کتاب بنویسد. چند روز بعد غرض دریافت تقریظ به نزد مولانا می آید، مولوی خالص برایش می گوید: حکمتیار! کتاب را به دقت خواندم، خصوصیات دقیق منافق که در این کتاب ذکر شده است جز منافقان به آن خصوصیات دسترسی ندارند و جز منافق به نوشتن این کتاب و تقریظ بر آن قادر نیست، مرا معذور بدار!

حکمتیار باخشم خانه اش را ترک می گوید و از آن به بعد تبلیغات خود را علیه مولانا شدت می بخشد.

در دوران جهاد در سفرش به جرمنی، دختری با ملاحظه ریش و دستار عجیب او، با نفرت همراه مولانا صحبت می کند و سپس با شتاب به راه خود روان می شود، مولانا از همراهش می پرسد، او چه می گفت؟ جواب می دهد: دختر از من خواست اگر این شخص اجازه بدهد رویش را می بوسم؛ زیرا خوشم آمده است و من او را سرزنش کردم و راندم.

مولوی خالص با قهر و شدت [تظاهری] می گوید:

«مخ دی تورشه کم عقله په تول عمومی په تول دنیا یو انجلی پیدا شوه چه په مولوی خالص که عاشق شی او تا غوندی بدبخت ددی کار مخه ئی ونیوه، زه ورکشه در سره خبری نکوم.»^۱

مولوی خالص، بعد از سال‌ها مبارزهٔ پربار و پربرکت جهاد و مبارزهٔ طولانی و تحمّل مشقت‌ها و محرومیت‌ها در اخیر عمر مبتلا به بیماری سخت گردید، علالت‌های جسمی و رنج‌های فراوان روانی او را خسته و ناتوان و زمین‌گیر ساخت، دست‌وپاهایش فلج شد، از حرکت بازماند.

روزی جهت عیادتش به نگرهار رفتم، از آمدن من برایش اطلاع داده بودند، از خانوادهٔ خود خواسته بود، تن علیل و مفلوجش را برداشته در قطار مستقبلین قرار دهند، از دیدارِ سروسیمای بیمار و خسته و چهرهٔ زرد؛ امّا نورانی‌اش سراپایم را حزن و اندوه فراگرفت! دیگر آن مولوی خالص با بازوان توانمند و سرگردن قوی و هیکل قدرتمند در برابرم قرار نداشت، مشت پری از هم تکیده، جسد لاغر و نحیفی با دیدگان نیازمند و حسرت‌بار به سویم می‌نگریست، صورتش را بوسیدم، قطرات اشکم بی‌اختیار فرو ریخت، ایّام گذشته به یادم آمد، دیگر همه چیز عوض شده بود. لب‌های خشکیده‌اش باز شد، تبسم کم‌رنگی بر دهانش نقش بست، از پسرانش خواستم او را به اتاقش برگردانند، گوشهٔ کرسی متحرکش را گرفتم و به محل استراحتش رفتیم، لب‌های لرزان حرکت می‌کرد، حرف‌هایش را نمی‌فهمیدم، پسرش مطلب را به ما شرح می‌کرد، از عیادت و رفتنم سخت خرسند شده بود، به وحدت و یکپارچگی و دفاع از حریم اسلام توصیه می‌کرد، می‌گفت، ای کاش! توان می‌داشتم تا

۱. ای کم‌خرد گم شو، در همه عمر و در همهٔ دنیا یک دختر پیدا شد که عاشق مولوی خالص شود؛ مگر تو بدبخت او را با این کار از من راندی! برو گم شو که مه دیگر همراهت گپ نمی‌زنم. «مرکز تدوین»

در پهلوی تان کار می کردم!

بعد از این دیدار خواستم بار دیگر به دیدارش بروم، زمانی بود که طالبان به نام او جهاد را علیه نیروهای خارجی در افغانستان اعلان کرد و اطلاع یافتم که جسد علیل او را به بیرون از افغانستان انتقال داده اند، مدت ها از محل اقامت او خبری نبود، اخیراً آوازه رحلت او پخش شد. ﴿...إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ﴾^۱

مولوی خالص عالم باعمل، پیکارگر باصلابت، دلیر مرد مجاهد، شاهین آزاده قله های شامخ سپین غر، یگانه ستیز و تسلیم ناپذیر، سرانجام به دور از آغوش گرم میهن و جدا از رعایت یاران و همراهان چشم از جهان پوشید و در تنهایی و گمنامی دفن گردید.

روحش شاد و یادش تا دامن ابدیت «إِلَىٰ أَنْ يَرِثَ الْأَرْضَ وَ مِنْ عَلَيْهَا»^۲ زنده و جاوید باد.

۱. بقره ۱۵۶. کامل آیت این است: ﴿الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمْ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ﴾ ([همان] کسانی که چون مصیبتی به آنان برسد، می گویند: ما از آن خداییم و به سوی او باز می گردیم.) «مرکز تدوین»

۲. اشارتی است به آیه ۴۰ سوره مبارکه مریم. «مرکز تدوین»

نمایه



آيات:

﴿إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ﴾ ١٢٨، ١٣٨
﴿قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُولُوا اشْهَدُوا بِأَنَّا مُسْلِمُونَ﴾ ٦٩
﴿لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ...﴾ ٤٠
﴿وَتِلْكَ الْأَيَّامُ نُدَاوِلُهَا بَيْنَ النَّاسِ...﴾ ٦١
﴿يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ اذْكُرُوا نِعْمَتِيَ الَّتِي أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ وَأَنِّي فَضَّلْتُكُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ﴾ ٧٦

احاديث:

﴿إِخْشَوْسْنُوا فَإِنَّ النِّعْمَةَ لَا تَدُومُ﴾ ١٣٤
﴿عَاشَ وَحِيدًا وَمَاتَ وَحِيدًا وَسَيُيَعِثُ عِنْدَ اللَّهِ وَحِيدًا﴾ ١٢٢

اشعار:

اظهار عجز نزد جفایشه ابله‌یاست
اشک کباب باعث طغیان آتش است ۷۸

تو شاهینی قفس بشکن، به پرواز آی و مستی کن
که بر آزادگان داغ اسارت سخت ننگین است ۱۳۵

سرشک از رخم پاک کن چه حاصل
علاجی کن از دلم خون نیاید ۷۸

اسما و اشخاص:

- ابراهیمی ۲۷
- ابن الخطیب ۵۹
- ابن النفیس دمشقی ۶۰
- ابن حمزة ۵۳
- ابن خلدون ۵۲
- ابن هيثم ۵۲, ۵۱
- ابن یونس ۵۰
- ابن سینا ۵۸
- ابوالبركات بغدادی ۹۳
- ابوالفداء ۵۴
- ابوبکر رازی، ۵۸، ۵۹
- ابوجعفر منصور ۵۳
- ابوذر ۱۲۲, ۱۲۱
- احمد فخری ۱۰۵
- ادوارد سخاؤ ۵۱
- ارسطو ۹۳, ۵۷, ۵۶
- استاد توانا ۱۳۱, ۱۲۶, ۱۲۵, ۱۲۱
- استوارت میل ۳۹
- اسماعیل ۷۶
- اقلیدس ۵۲, ۵۱
- امام احمد بن حنبل ۹۳
- امام اعظم ابوحنیفه نعمان ۹۲
- امام محمد ۹۲
- امام یحیی ۱۰۶
- امیر فیصل ۹۷
- انشتاین ۵۰

- اورنگ زیب ۱۲۸
برتیلو ۵۵
برہان الدین ربّانی ۲۷
بشار بن بُرد ۹۹
البیرونی ۵۱
تایلر ۵۰
ثابت بن قرۃ ۵۳
جابر بن حیان ۵۵
جبرئیل ۴۷
جعفر بن منصور ۵۲
جنرال حافظ اسد ۸۸
الحاکم بأمر اللہ ۸۴
حسن العمری ۱۰۶
حضرت عمر ۸۵, ۷۱
حکمتیار ۱۳۶
حمزہ ۸۴, ۷۰
حمورابی ۹۱
خالد بن یزید ۴۸
خلیل اللہ خلیلی ۳۱
خوارزمی ۵۳
داود ۱۳۴, ۱۳۳, ۷۷
رضوان بن تنش ۸۴
ریگان ۱۳۵
زکریای رازی ۹۴
زویله ۱۱۳
ژول لابوم ۶۰
سارتون ۵۴, ۵۰
سلیمان ۹۵, ۷۷, ۶۸, ۶۱, ۵۵
سیبولد ۵۴
سیدیو ۶۰
شارلمان ۵۰
شأس بن قیس ۶۹
شریف ادریسی ۵۴
شکری القوّتلی ۸۷

- طبری ۵۱,۵۰
طوسی ۹۵,۵۳
عبدالله السلال ۱۰۶
عبدالله بن ابی السرح ۱۱۴
عبدالله بن جعفر ۱۱۴
عبدالله بن زبیر ۱۱۴
عبدالله بن عباس ۱۱۳
عبدالله بن عمر ۱۱۴
عبدالله بن عمرو بن العاص ۱۱۴
عبدالله بن مسعود ۱۲۶, ۱۱۴
عبدالملک ۹۲, ۸۶, ۵۷
عثمان بن عفّان ۱۱۳
عقبه بن نافع ۱۱۴, ۱۱۳
علامه صابونی ۲۶
علی ۱۱۵, ۱۱۴, ۹۴, ۸۶, ۸۵, ۸۱, ۵۰, ۴۹, ۲۶, ۲۰
عمرو بن العاص ۱۱۴, ۱۱۳, ۱۰۵
عمرو بن عبید ۹۹
فارابی ۹۳, ۵۰
فاروق اعظم ۱۱۳, ۹۱, ۷۱, ۷۰
فرانسیس بیکن ۵۵
قاضی الایرانی ۱۰۶
قذافی ۱۱۶, ۱۱۲
قیام‌الدین کشاف ۲۱
کریستف کولمب ۵۵
کندی ۵۰
گالیل ۵۶, ۵۰
گهیز ۱۳۲
گوستاولیون ۵۸
لویجی رینالدی ۵۶
لیون بنیه ۶۰
مأمون ۵۳
مایرہوف ۵۸,
محمّد ابو زهره ۱۲۷
محمّد بغدادی ۵۳

- محمّد بن ادريس ۱۱۶
محمّد بن علی سنوسی ۱۱۴
محمّد غزالی مصری ۱۲۷
محمّد مهدی سنوسی ۱۱۵
معاویه ۸۶, ۴۸
معمر القذافي ۱۱۶
ملاشاه بدخشی ۱۲۸
منصور محمّد بن یحیی حمیدالدین ۱۰۶
موسی ۵۳, ۵۱
مولوی محمّدیونس خالص ۱۳۱, ۱۲۹, ۱۰
میسو لیبری ۴۹
ناصرالدین ۷۱
هارنی انگلیسی ۶۰
هارون الرشید ۹۴, ۵۰
هلاکو ۹۶, ۹۵, ۸۶, ۴۹
هومبولت ۶۰
هوی لین لی ۵۵
یاقوت حموی ۵۴
یعقوب ۷۶

اماکن:

أحد ۷۰, ۱۱۴

اردن ۸۱, ۹۸

آریانای کهن ۱۲۵

اسپانیا ۷۲, ۷۵

استرالیا ۷۵

اسکندریه ۵۲, ۵۷, ۱۱۳, ۱۲۷

افریقا ۶۷, ۱۰۵, ۱۱۴, ۱۱۵, ۱۱۶

افغانستان ۲۷, ۳۱, ۸۳, ۱۲۱, ۱۲۳, ۱۲۶, ۱۳۱, ۱۳۴, ۱۳۸

امریکا ۵۵, ۵۸, ۵۹, ۱۲۸, ۱۳۵

اندلس ۵۶, ۵۸, ۵۹, ۷۱

انگلستان ۷۴

ایتالیا ۷۵

ایران ۹۳, ۹۵, ۹۷, ۹۸

بحر ایض متوسط ۸۱, ۱۱۱

برقه ۱۱۱, ۱۱۲, ۱۱۳, ۱۱۴, ۱۱۵

بصره ۵۱, ۹۸, ۹۹

بلجیم ۷۵

بنغازی ۱۱۲

بیت المقدس ۶۷

پاریس ۶۰

پاکستان ۲۱, ۲۲, ۳۱, ۱۱۳, ۱۳۴, ۱۳۵

پرتگال ۷۵

پنسلوانیا ۵۵

پوهنتون بغداد ۹۸

پوهنتون پرینستون ۵۸

پوهنتون مونپلیه ۵۸

- تخار ۱۲۶
ترکیه ۹۸, ۹۷, ۸۱, ۷۵
تعز ۱۰۳
تکریت ۹۸
تورّه بُورّه ۱۳۴
تونس ۱۱۱, ۱۰۵
تیسفون ۹۱
جبال شعیب ۱۰۳
جبل الدروز ۸۱
جبل حوران ۸۳
الجزایر ۱۲۷, ۱۱۵, ۱۰۵
الجزیره ۸۱
جزیره العرب ۱۰۳
جزیره مالطه ۱۱۲
جهان غرب ۴۸
چکسلواکی ۷۵
حجاز ۱۰۴, ۸۷
حدیده ۱۰۳
حلب ۸۵, ۸۴, ۸۱, ۲۷, ۲۶
حماة ۸۵, ۸۴, ۸۱
حمص ۸۵, ۸۱
حوران ۸۳, ۸۱
خاورمیانه ۸۷, ۶۸
خراسان ۱۲۵, ۹۵, ۹۲, ۳۱
خلیج فارس ۹۸
خندق ۱۱۴, ۷۰
خیبر
دانشگاه عبدالله بن مسعود ۱۲۶
دانشگاه کابل ۱۲۵, ۱۲۳
دمشق ۹۳, ۸۷, ۸۶, ۸۳, ۸۱, ۵۸, ۵۳
دنمارک ۷۵
دیر یاسین ۷۱
روسیه ۸۳, ۷۵
زبیده ۱۰۳

- سبأ ۱۰۳، ۱۰۴
سپین غر ۱۳۴، ۱۳۸
سد مأرب ۱۰۴
سودان ۱۱۱، ۱۱۶
سویدن ۷۵
شرق اوسط ۷۸
شفاخانه علی آباد ۱۲۴
شماسیہ بغداد ۵۳
شهر کهنه کابل ۱۲۳
صنعا ۱۰۳، ۱۰۷
طرابلس ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۱۴، ۱۱۷
عدن ۱۰۷
عراق ۵۱، ۸۱، ۸۹، ۹۱، ۹۲، ۹۴، ۹۶، ۹۷، ۹۸، ۹۹
عربستان سعودی ۹۸، ۱۰۷
فارس ۴۹، ۹۵، ۹۸
الفرات ۸۱
فزان ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۱۳
فلسطین ۹، ۱۲، ۶۵، ۶۷، ۶۸، ۷۱، ۷۲، ۷۶، ۷۸، ۸۱
قاهره ۵۱، ۸۴، ۱۱۵، ۱۲۷
قرنه ۹۸
کربلا ۹۸
کرکوک ۹۸، ۹۹
کرمیلین ۳۳
کوئٹہ سنگی ۱۲۴
کوفه ۹۲، ۹۸
کویت ۹۸، ۱۲۳
لاذقیه ۸۱، ۸۴، ۸۵
لبنان ۸۱
لیبیا ۱۰، ۱۳، ۱۰۹، ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۱۵، ۱۱۶، ۱۱۷
لیتوانیا ۷۵
مجارستان ۷۵
مخا ۱۰۳
مداین ۹۱، ۹۲
مدرسه نظامیه ۹۴

قرآن؛ یگانه مشعل راه زندگی ■ ۱۵۲

مدینه ۷۰، ۹۲، ۱۰۴، ۱۱۴، ۱۲۱

مذحج ۱۰۴

المرج ۱۱۳

مسجد الأقصى ۶۷

مشرق ۶۷، ۵۹

مشرق زمین ۱۲۵

مصر ۵۰، ۵۱، ۵۸، ۷۵، ۸۴، ۸۷، ۱۰۵، ۱۱۱، ۱۲۶، ۱۲۷

المغرب ۱۰۵

مغرب ۴۹، ۵۱، ۵۴، ۶۷، ۹۵، ۱۱۵

منطقه سفلی ۹۷

منطقه علیا ۹۷

منطقه کردستان ۹۷

موصل ۹۳، ۹۵، ۹۸، ۹۹

ناروی ۷۵

هالند ۷۵

همدان ۱۰۴

هند ۲۱، ۴۹، ۱۲۸

واحة الكفرة ۱۱۶

واشنگتن ۱۳۵

یرموک ۸۶

یمن ۹، ۱۳، ۱۰۱، ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۰۵، ۱۰۶، ۱۰۷

یونان باستان ۴۸

گروه‌ها، احزاب و قبایل:

اتحاد شوروی ۸۳، ۱۳۴، ۱۳۵

اِخشیدی ۸۷

آرمن کاتولیک ۸۲

ارمن گریگورها ۸۲

اروپاییان ۴۰، ۴۳، ۵۳، ۱۱۵

اسماعیلی ۸۲، ۸۷

اسماعیلیه ۸۴، ۹۵

اشعری ۹۳، ۱۳۳

آشور ۹۱

آشوری‌ها ۹۷

اطبای اسلامی ۶۰

اطفال ۷۱

افغان‌ها ۹۹

آل جُهل ۸۳

آل عُقال ۸۳

اموی‌ها ۴۸، ۸۶، ۹۲

انبیاء ۷۳

انگلیس‌ها ۸۷، ۹۷، ۱۳۲

اهل سُنّت والجماعة ۸۲

اهل بیت ۱۲۱

اوس و خَزَرَج ۶۹، ۱۰۴

بصریین ۹۴

بنی اسرائیل ۷۲، ۷۶، ۷۷

بیزنطی‌ها ۸۵

پروتستان ۸۲

ترکمن‌ها ۸۳

- جبریه ۹۳
جغرافیه‌دانان اسلامی ۵۴
جمعیت اسلامی افغانستان ۱۲۱
جنبش سنوسی‌ها ۱۱۶
جیش العبادلة ۱۱۳
حزب بعث ۸۸، ۹۷
خاندان حمیدالدین ۱۰۶
خلدی‌ها ۸۲
دانشمندان جوان ۲۷
دانشمندان غرب ۳۹
رژیم قذافی ۱۱۲
رومن ارتودکس ۸۲
رومن کاتولیک‌ها ۸۲
رومیان ۱۰۳
ساسانیان ۹۱
سامی ۸۵، ۱۰۳
سریان ۴۹
سلفی‌ها ۱۳۲، ۱۳۳
سنی‌ها ۸۲
سیاه‌پوستان ۱۱۲
شعبه دوازده امامی ۸۲
شیعه ۸۷، ۹۳، ۹۵
صهیونیزم ۹، ۱۲، ۶۵، ۶۸
صوفیان ۱۱۶، ۱۲۲
طایفه سنوسی ۱۱۴
عباسیان ۸۶، ۹۲، ۹۴، ۹۶
عرب‌ها ۷۷، ۸۱، ۹۴
علمای دیوبند ۱۳۱
علوی‌ها ۸۵
فاطمی ۸۷
فرانسویان ۸۷، ۱۱۶
قبیله قحطان ۱۰۵
قدریه ۹۳
کاتولیک ۸۲

- کردی ۹۸, ۹۷, ۸۳
کشورهای اسلامی ۱۳۶, ۹۲, ۱۹
کلده ۹۱
کمونیسم ۸۳, ۲۰
کوفین ۹۴
گوریلاهای فلسطینی ۷۷
مارونی‌ها ۸۲
مالکی مذهب ۱۱۲
مجاهدین ۲۲
مجوسیت ۸۵
مذهب اباضیه ۱۱۲
مذهب حنفی ۸۲
مذهب ظاهری ۹۳
مرکز علمی نجف ۹۸
مسلمین ۹۴, ۶۰, ۵۸, ۵۷, ۵۶, ۵۵, ۵۴, ۵۲, ۵۰, ۴۹, ۴۸, ۴۵, ۴۰
معتزلی ۹۹, ۹۳
معماران اسلامی ۸۶
ملت افغان ۳۲
نازی‌ها ۸۷
ناصریه ۹۸
نهضت اسلامی ۱۳۳, ۱۲۱, ۹۶
یزیدی‌ها ۸۵
یعقوبی‌ها ۸۲
یمنی‌ها ۱۰۶, ۱۰۵, ۱۰۴
یهودان ۷۷, ۷۶, ۷۴, ۷۳, ۷۱, ۷۰, ۶۹
یونانی‌ها ۱۱۳, ۱۰۳

مفاهیم و اصطلاحات:

- اجتهاد ۱۲۳
- اخلاق ۷۴، ۷۳
- ادب ۹۴، ۵۷، ۳۲، ۳۱
- آزادی ۱۱۵، ۱۱۴، ۸۸، ۴۱، ۲۶
- استرداد ۷۷
- استعمار ۱۱۴، ۲۲
- استقلال ۱۱۱، ۹۷، ۲۶
- اسفار قدیم ۷۲
- اقتصاد ۱۵۴-۱۹، ۱۵۴-۲۰، ۱۵۴-۷۷، ۱۵۴-۱۱۶، ۱۵۴-۱۱۳
- اقت اسلامی ۱۵۴-۱۹، ۱۵۴-۱۱۳
- انعکاس نور ۵۲
- انکسار ۵۲
- اهتزاز ۱۰۵، ۸۶، ۴۷، ۳۳، ۲۲
- اهریمن ۲۵
- الوهیت ۸۵، ۸۴
- بزدل ۳۲
- بساط ۲۵
- بیطری ۵۶
- پرتگاه ۲۵
- پر خاشگر ۱۳۴، ۱۳۱
- پروتون ۵۶
- تابناک ۱۲۲، ۹۱، ۳۱، ۲۶
- تاراج ۹۶
- تجدد ۴۹
- تصوّف ۱۲۲، ۱۱۶، ۱۱۵
- تقوی ۱۲۸، ۱۲۲، ۱۲۱

- تکذیب ۷۶
تکنالوژی ۲۶
تمدن اسلامی ۴۷، ۲۷
تمرّد ۷۲
تناسخ ۸۴
تہاجم ۱۳۴، ۱۲۳، ۲۶
تواضع ۱۲۲
جبون ۳۲
جغرافیہ ۵۴
جمود ۱۱۵
جنگ ۱۳۶، ۱۱۶، ۱۱۳، ۹۷، ۹۵، ۸۷، ۸۶، ۸۳، ۷۰، ۶۷، ۴۱، ۴۰
جہل ۱۲۴، ۸۴، ۴۸
حبّ المّتين ۲۵
حجّت ۱۳۳، ۱۲۴
حرم ۴۷
حزقیال ۷۳، ۷۲
حقوق عمومی ۴۳، ۴۲
حکمت ۴۹، ۴۸، ۳۲
خلافت ۱۱۳، ۹۶، ۹۴، ۹۲، ۸۷، ۸۶، ۸۵، ۷۱، ۷۰، ۴۹
دایرة المعارف ۹۲، ۵۹، ۳۲
دِرَفش ۲۲
روابط بین الملل ۴۱
سفر ارمیا ۷۲
سیاست ۱۵۴-۱۱۶، ۱۵۴-۹۵، ۱۵۴-۳۹، ۱۵۴-۳۱، ۱۵۴-۱۹، ۱۵۴
صلابت ۱۳۴، ۱۳
صلح ۶۹، ۶۸، ۴۲، ۴۱، ۴۰
طبیعت ۱۳۴، ۱۲۲، ۳۲، ۲۵
طہارت ۱۲۲، ۱۲۱
ظلمت ۱۲۸، ۴۸
عبریت ۵۱
عدالت ۱۱۳، ۷۲
عرفان ۱۲۲، ۱۱۶، ۱۱۵، ۳۲، ۳۱
عزّت ۱۹
عقاقیر ۵۷

- عقل ۱۱۵, ۹۳, ۸۴, ۴۹, ۲۵
علم ۶۰, ۵۸, ۵۷, ۵۵, ۵۴, ۵۲, ۵۱, ۴۹, ۴۸, ۴۷, ۴۲, ۳۲, ۲۷, ۲۶, ۱۳۳, ۱۱۵, ۱۱۳, ۱۰۶, ۹۴, ۹۳, ۹۲, ۸۴
علوی ۸۲
عُنفوان ۱۱۵
غدر ۷۰
غیرمسلمان ۴۲
فترت ۱۲۵
فرهنگ ۱۳۴, ۱۲۵, ۹۲, ۸۵, ۶۸, ۳۲, ۳۱, ۲۶, ۱۹
فساد ۹۷, ۲۱
فیزياء ايتيك ۵۱
قاطع ۷۷
قوس قزح ۵۲
الکترون ۵۶
کرامت ۷۰
کيميا ۹۴, ۵۵, ۴۸
مبتذل ۱۳۳, ۱۲۵
متبحر ۱۳۱, ۵۲
مثلثات ۵۳
معرفت ۱۳۱, ۸۳, ۵۴, ۴۸, ۲۷, ۱۱
ملوک الطوائفی ۱۰۶
منطق ۹۴, ۹۳, ۵۶, ۲۰
نازک خیال ۳۲
ناقوس ۴۷
نجوم ۹۴, ۵۳
نصف النهار ۵۳
نیutron ۵۶
نیوتن ۵۶, ۵۳
هدف ۱۵۴-۱۳۴, ۱۳۴, ۱۵۴-۱۳۱, ۱۳۱, ۱۵۴-۶۸, ۶۸, ۱۵۴
هندسه ۵۳, ۵۲, ۵۱
وديعت ۲۵

رویکردها



**** قرآن كريم؛**

الف) منابع عربى:

١- ابن اثير، عزالدين (١٤١٧). **أسد الغابة في معرفة الصحابة**، دار الكتب العلمية، بيروت - لبنان؛

٢- ابن خلكان، احمد بن محمد (١٩٧٢). **وفيات الأعيان وأنباء أبناء الزمان**، المحقق: إحسان عباس، الناشر: دار صادر، بيروت - لبنان؛

٣- ابن عبدالبر، يوسف بن عبدالله (١٤١٢). **الاستيعاب في معرفة الأصحاب**، المحقق: محمد علي البجاوي، الناشر: دار الجيل؛

٤- ابن هشام، عبدالملك (١٤١٠). **السيرة النبوية**، ج: ٢، الناشر: دار الكتاب العربي، الطبعة الثالثة، بيروت - لبنان؛

٥- أبونعيم الأصبهاني، أحمد بن عبدالله (١٤١٩). **معرفة الصحابة**، المحقق: عادل بن يوسف العزازي، الطبعة الأولى، الناشر: دار الوطن، الرياض، المملكة العربية السعودية؛

٦- بستانى، فؤاد افرام (١٩٥٥-١٩٥٧). **الجاحظ**، كتاب الحيوان، الروائع، بيروت؛

٧- التل، عبدالله (بى.تا). **خطر اليهودية العالمية على الإسلام والمسيحية**، ناشر: دارالقلم؛

٨- الحاج خليفة، مصطفى بن عبدالله (بى.تا). **كشف الظنون عن أسامي الكتب والفنون**، المحقق: محمد شرف الدين يالتقيا، الناشر: دار إحياء التراث العربي، بيروت - لبنان؛

- ۹- حاجری، طه (۱۹۵۱ - ۱۹۵۴). «تخریج نصوص ارسطو طالية في كتاب الحيوان»، مجلة كلية الآداب، اسكندرية؛
- ۱۰- الحاكم، أبي عبدالله (۱۴۲۷)، المستدرک علی الصحیحین، الطبعة الأولى، (بی جا)؛
- ۱۱- الخویطر، خالد بن سلیمان (بی تا). جهود العلماء المسلمين في تقدم الحضارة الإنسانية، بنك المعلومات علماء النبات - جامعة هارفرد؛
- ۱۲- الذهبي، شمس الدين محمد بن احمد بن عثمان (۱۴۱۷). سير أعلام النبلاء، ج: ۳، الطبعة الأولى، دار الفكر، للطباعة والنشر والتوزيع، بيروت - لبنان؛
- ۱۳- رأفت الباشا، عبدالرحمن (بی تا). صور من حيا الصحابة، الناشر: كانسى رود شالدره، كويته باكستان؛
- ۱۴- ريحان، عبدالرحيم (۲۰۲۰). أسماء مكرمة في العيد الثاني للأثرين محيط - نسخة محفوظة ۲۷ على موقع واي باك مشين، World Population Prospects - Population, Division - United Nations». population.un.org. بايگانی شده از اصلی در ۱۶ اوت ۲۰۱۵. دریافت شده در ۲۰۲۰-۱۰-۰۶؛
- ۱۵- الزركلي، خير الدين (۲۰۰۲). الأعلام، الطبعة الخامسة عشرة، الناشر: دار العلم للملايين، بيروت، لبنان؛
- ۱۶- سارتون، جورج (بی). المدخل إلى تاريخ العلوم، (بی جا)؛
- ۱۷- سمان، عبدالله (بی تا). هولاء القرن العشرين، (بی جا)؛
- ۱۸- السيوطي، جلال الدين (۱۴۱۷). تاريخ الخلفاء، تحقيق إبراهيم صالح، الطبعة الأولى ناشر: دار صادر، بيروت - لبنان؛
- ۱۹- الشكعة، مصطفى (۱۹۸۵). الأئمة الأربعة، دارالكتاب اللبناني، بيروت؛
- ۲۰- الصبحي، محمد إبراهيم (۱۹۷۷). العلوم عند العرب، بيروت؛

٢١- الصلابي، علي محمد (٢٠٠١). الثمار الزكية للحركة السنوسية في ليبيا (الإمام محمد بن علي السنوسي ومنهجه في التأسيس) الطبعة الأولى، الإمارات: الشارقة، مكتبة الصحابة؛

٢٢- الطبراني، سليمان بن أحمد (١٤٠٤). المعجم الكبير، قاهره، مصر، مكتبة ابن تيمية؛

٢٣- الظاهر، عدنان (بي.تا). العرب وكيمياء الذهب (المثلث الذهبي)، (بي.جا)؛

٢٤- عاشور، سعيد عبدالفتاح (بي.تا). مصر والشام في عصر الأيوبيين والمماليك، الطبعة الأولى، دار النهضة العربية، بيروت - لبنان؛

٢٥- العسقلاني، أحمد بن علي بن حجر (١٤١٢). الإصابة في تمييز الصحابة، ج: ٤، تحقيق: علي محمد البجاوي، الطبعة الأولى، الناشر: دار الجيل، بيروت؛

٢٦- العقاد، عباس محمود (١٩٩٨). عبقرية عمر، ادارة النشر، ٢١ ش أحمد عرابي - المهندسين - القاهرة، الناشر: دار النهضة مصر للطباعة والنشر والتوزيع؛

٢٧- علوان، عبدالله ناصح (٢٠٠٥م). معالم الحضارة في الإسلام، الناشر: دار السلام؛

٢٨- القرضاوي، محمديوسف (١٤١٦). الشيخ الغزالي كما عرّفته، رحلة نصف قرن، الناشر: المنصورة: دار الوفاء للطباعة والنشر والتوزيع؛

٢٩- مجموعة من العلماء والباحثين (١٤١٩). الموسوعة العربية العالمية، الطبعة الثانية، الناشر: مؤسسة أعمال الموسوعة للنشر والتوزيع؛

٣٠- مستو، محي الدين (بي.تا). عبدالله بن عمر الصحابي المؤتسى برسول الله، (بي.جا)؛

٣١- هندی، علاء الدين على المتقى (١٤٠٥). كنز العمال في

قرآن؛ یگانه مشعل راه زندگی ■ ۱۶۶

سنن الأقوال والأفعال، الطبعة الخامسة، مؤسسة الرسالة، بيروت؛

۳۲- وبسایت معرفة؛ إدوارد زاخاو، (بی تا).

ب) منابع فارسی:

۱- ابوزهره، محمّد (۱۳۹۲). روابط بین الملل در اسلام، چاپ سوّم، مترجم: سیّداحمد اشرفی، ناشر: انتشارات سلام، کابل، افغانستان؛

۲- احمدیان، حاج ملاعبدالله (۱۳۸۸). سیمای صادق فاروق اعظم عمر بن خطاب ~ ، نوبت چاپ: دوّم، ناشر: اداره دارالنشر افغانستان؛

۳- انصاری، سلطان محمّد (۱۳۹۴). جغرافیای عمومی ولایات افغانستان، نوبت چاپ: اوّل، ناشر: انتشارات بین‌المللی سرور سعادت، محل چاپ: کابل، چهارراهی دهن باغ؛

۴- ایون سِرَت (۱۳۸۷). فلسفه علوم اجتماعی قاره‌ای، مترجم: هادی جلیلی، تهران، نشر نی؛

۵- آشوری، داریوش (۱۳۹۳). دانشنامه سیاسی، چاپ: بیست‌وسوّم، ناشر: انتشارات مروارید، محل نشر: تهران، ایران؛

۶- بختیاری، سعید (۱۳۹۴). اطلس جامع گیتاشناسی ۹۴ - ۹۳، تهیه و تدوین: واحد پژوهش و تألیف گیتاشناسی، چاپ: اوّل، هامون، ناشر: مؤسسه جغرافیایی و کارتوگرافی گیتاشناسی، محل نشر: تهران، ایران؛

۷- جمعی از نویسندگان (۱۳۹۶). فرو مرد قنديل محراب‌ها (مجموعه مقالاتی در مورد رهبر شهید)، چاپ نخست، چاپ‌خانه بهیر، کابل، افغانستان؛

- ۸- جهید، عبدالواحد (بی‌تا). بررسی ادوار تاریخ تشریع اسلامی، ناشر: اصلاح افکار، کابل، افغانستان؛
- ۹- حسن، حسن ابراهیم (۱۳۸۵). تاریخ سیاسی اسلام، ترجمه: ابوالقاسم پاینده، نوبت چاپ: اول، چاپخانه: ماه منظر، محل چاپ: تهران، ایران؛
- ۱۰- الخالدی، صلاح عبدالفتاح (۱۳۸۲). خلفای راشدین از خلافت تا شهادت، ترجمه: عبدالعزیز سلیمی، نوبت چاپ: دوم، چاپخانه: مهارت، ناشر: نشر احسان، محل نشر: تهران، ایران؛
- ۱۱- دانشیار، امیر اعتماد (۱۳۷۱). جنگ افغانستان و شوروی عامل فروپاشی جهانی کمونیزم، نوبت چاپ: اول، چاپ: گُلینی، ناشر: مؤسسه انتشارات بهینه، تهران، ایران؛
- ۱۲- دهخدا، علی اکبر (۱۳۴۲). لغت‌نامه، محل نشر: تهران، ایران؛
- ۱۳- ربّانی، پروفیسور برهان‌الدین (بی‌تا). داود خان در گذشته ننگین، حاضر جنایت‌بار، مستقبل هولناک، (بی‌جا)؛
- ۱۴- ربّانی، پروفیسور برهان‌الدین (بی‌تا). سیمای زعامت داود خان، (بی‌جا)؛
- ۱۵- ربّانی، شهید پروفیسور برهان‌الدین (۱۳۹۵). محمد Y نخستین مربی و آموزگار بشریت، چاپ سوم، ناشر: مرکز تدوین آثار رهبر شهید، چاپخانه بهیر، کابل، افغانستان؛
- ۱۶- رسولی، محمد، حقوق عمومی چیست؟ ناشر: باشگاه خبرنگاران جوان، کد خبر: ۵۱۵۳۸۲۴، تاریخ انتشار: ۲۰ اسفند ۱۳۹۳ - ۰۶:۰۰، <https://www.yjc.ir/fa/news/5153824>؛
- ۱۷- سباعی، مصطفی (۱۳۹۱). سیرت نبوی، درس‌ها و اندرزها، مترجم: فضل‌الرحمن فاضل، ناشر: بنگاه انتشارات میوند، کابل، افغانستان؛
- ۱۸- شارق، محمدکاظم (۱۳۶۰). ارزش خون در کمونیزم و اسلام، (مقاله)، میثاق خون، ص: ۴۴، شماره سیزدهم، ناشر:

- انجمن نویسندگان و سخنوران جمعیت اسلامی افغانستان؛
- ۱۹- شوینگر، جولیان (۱۳۹۴). میراث اینشتین وحدت فضا و زمان، مترجم: سیروس فرمانفرمایان، چاپ دوم، نشر فرزانه؛
- ۲۰- شهابی، علی اکبر (۱۳۶۳). احوال و آثار محمد بن جریر طبری، انتشارات دانشگاه تهران؛
- ۲۱- عباسقلی، غفاری فرد (۱۳۹۰). تاریخ اروپا: از آغاز تا پایان قرن بیستم، تهران، چاپ سوم، محل نشر: تهران، ایران؛
- ۲۲- علی بابایی، غلامرضا (۱۳۸۷). فرهنگ سیاسی آرش، چاپ سوم با اضافات، ناشر: انتشارات آشیان، محل چاپ: تهران، ایران؛
- ۲۳- غزالی، محمد (۱۳۸۶). نگرش نو در فهم قرآن، مترجم: داود نارویی، ناشر: نشر احسان، نوبت چاپ: دوم، چاپخانه: مهارت، محل نشر: تهران، ایران؛
- ۲۴- فرهنگ، میر محمدصدیق (۱۳۸۸). افغانستان در پنج قرن اخیر، جلد اول و دوم، به کوشش محمدابراهیم شریعتی، ناشر: انتشارات عرفان، چاپ: بیستم، تهران، ایران؛
- ۲۵- فشاهی، محمد رضا (۱۳۸۰). ارسطوی بغداد از عقل یونانی به وحی قرآنی، چاپ نخست، ناشر: کاروان اندیشه سازان؛
- ۲۶- کشک، محمدجلال (بی تا). ابوذر زبان تلخ حق، ناشر: وبسایت کتابخانه عقیده؛
- ۲۷- کوژان، آنیک (۱۳۹۷). حرمسرای قذافی، ترجمه: بیژن اشتري، چاپ دوم، نشر ثالث؛
- ۲۸- مجتبابی، فتح الله (۱۳۵۶). دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، (بی جا)؛
- ۲۹- مودودی، سید ابوالاعلی (۱۳۹۰). زندگی نامه پیامبر اسلام حضرت محمد بن عبدالله ﷺ، مترجم: عبدالغنی سلیم قنبرزهی، ناشر: نشر احسان، چاپ: مهارت، نوبت چاپ: اول، محل نشر: تهران، ایران؛

قرآن؛ یگانه مشعل راه زندگی ■ ۱۷۰

۳۰- الندوی، صاحب عالم الأعظمی (بی تا). سلطان اورنگ زیب عالمگیر: حیاتہ و عصرہ، کتابخانہ بنیاد دایرةالمعارف اسلامی، تهران؛

۳۱- هیوود، اندرو (۱۳۹۸). سیاست، مترجم: عبدالرحمن عالم، ناشر: نشر نئی؛

۳۲- وبسایت نوگرا؛ مختصری از زندگی امام ابوالاعلیٰ مودودی G ، <http://eslahe.com>؛

۳۳- وبسایت خبرگزاری جهان اسلام؛ «بعثیسم»، زمان ارسال: شنبه؛ ۱۳۹۳ / ۷ / ۱۲ هـ.ش.